

TRENDLINE TRADING STRATEGY SECRETS REVEALED

*"DISCOVER A DEADLY ACCURATE
STRATEGY TO PINPOINT MASSIVE MARKET
SWINGS THAT ALLOWS YOU TO MAKE
MASSIVE PROFITS CONSISTENTLY"*



COPYRIGHT 2011 MYRONN SAREMO
WWW.FOREXTRENDLINETRADING.COM

WWW.FOREXTRENDLINETRADING.COM
COPYRIGHT 2011 MYRONN SAREMO

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۲.....	مرور کلی بر استراتژی معاملاتی خط روند
۱۶.....	نحوه ترسیم خطوط روند به شکل صحیح
۲۴.....	خطوط روند معتبر و نامعتبر
۳۲.....	چهار اشتباه رایج در رسم خطوط روند
۳۷.....	خطوط روند قوی و ضعیف
۴۰.....	حمایت و مقاومت
۵۲.....	روندها و خطوط روند کوتاه مدت، متوسط و دراز مدت
۵۵.....	بهترین راه آنالیز نمودارها
۶۲.....	قوانین چهارچوب های زمانی ورود به معامله
۶۳.....	قوانین ورود به فروش
۶۵.....	جزئیات قوانین ورود به خرید به شرح زیر است...
۶۶.....	قوانین تکنیک ورود تهاجمی
۷۳.....	نسبت ریسک به سود
۷۴.....	پنج اشتباه رایج در ورود به معاملات
۷۹.....	نکات بیشتری در مورد توقف ضرر
۸۲.....	چهار نوع تغییر ورودی خط روند
۸۳.....	تغییرات در ورودی خط روند
۹۲.....	مدیریت معامله
۹۳.....	سطوح حمایت و مقاومت افقی
۹۶.....	توقف ضرر متحرک
۹۷.....	جمع آوری سود
۱۰۷.....	سه راز قدرتمند برای دستیابی به سودهای بسیار بالا
۱۲۰.....	کندل استیک برگشتی
۱۲۱.....	الگوهای دوجی

۱۲۲	الگوهای پوشاننده صعودی و نزولی
۱۲۵	خط نفوذی و ابر تیره
۱۲۶	هارامی صعودی و نزولی
۱۲۸	چکش و ستاره دنباله دار
۱۲۹	فرفره بالا
۱۳۰	الگوهای مسیر ریلی صعودی و نزولی
۱۴۴	خلاصه مطالب
۱۴۷	نکات پایانی
۱۴۹	یادآوری هفت الگوی کندل استیک بازگشتی
۱۵۰	پرسش‌های متداول:

مقدمه

نمودار ۱ را در نظر بگیرید که در آن فقط ۳ معامله و ۸۰۰ پیپ سود شناور وجود دارد در نتیجه اکثر سود بسته شده است و من هنوز خارج نشده‌ام. همه این‌ها فقط در عرض یک هفته رخ داده است. هنگامی که این عکس را گرفتم، این جفت ارز هنوز در حال سقوط بود. زمانی که من هر سه معامله را بستم، سود کل بیش از ۸۰۰ پیپ بود.



نمودار: ۱

معامله USDCHF: دقت بسیار بالا داشته و ورود خط روند در چهارچوب زمانی ۵ دقیقه ای صورت گرفته شد.



نمودار: ۲

اینگونه بود که تقریباً ۷ ساعت بعد به نتیجه مطلوبی رسید ...



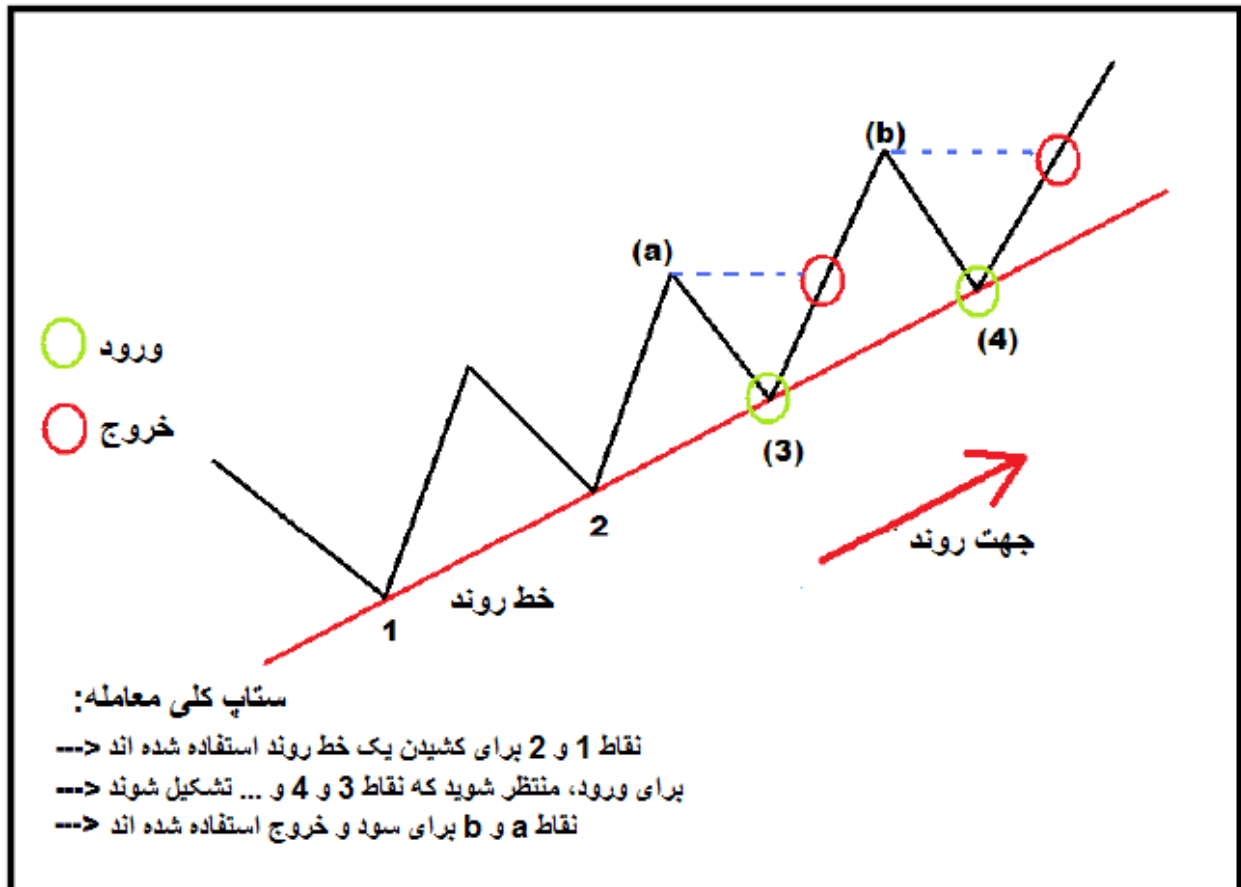
نمودار: ۳

ویژگی‌های استراتژی معاملاتی خط روند از این قرار است:

۱. استفاده از آن بسیار ساده است.
۲. طی آن شما می‌توانید معاملات با احتمال بالا را با دقت بسیار زیاد وارد کنید و بدون دردسر به حداکثر سود دست پیدا کنید.
۳. هنگام لمس خطوط روند و صرفاً براساس پرایس اکشن و رفتار قیمت ورودی‌های خود را شناسایی کنید.
۴. شما با استفاده از استراتژی پیروی از خط روند می‌توانید معامله با روند را انجام دهید و این بدان معناست که شانس بالایی برای موفقیت خواهید داشت.

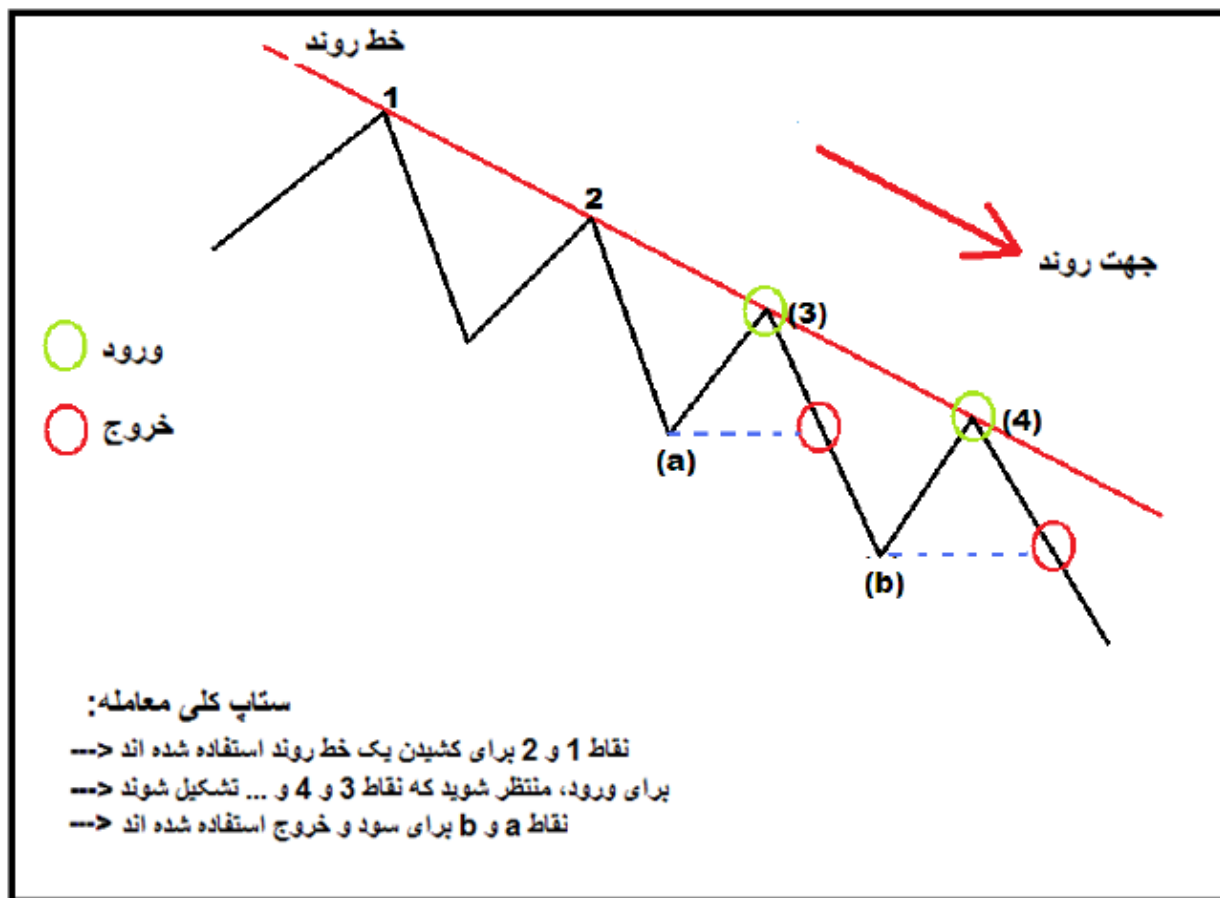
مرور کلی بر استراتژی معاملاتی خط روند

۱. چهارچوب‌های زمانی: تمامی تایم فریم ها
 ۲. جفت ارز: تمامی جفت ارزها
 ۳. اندیکاتورها: بدون استفاده از اندیکاتورها
- شکل شماره ۱ ستاپ کلی برای Long Entry (ستاپ خرید) است.



شکل: ۱

شکل زیر، یک ستاپ کلی برای Short Entry (ستاپ فروش) است.



شکل: ۲

شما می‌توانید با استراتژی خط روند، معاملات نشان داده شده در زیر را با دقت بسیار بالایی اتخاذ کنید.



نمودار: ۴

به چگونگی واکنش بازار و پاسخ دهی به خطوط روند ترسیم شده در بالا توجه کنید.

در ابتدای خط روند، قیمت چند مرتبه جهش صعودی داشته است؟ ۴ بار. بنابراین ۴ فرصت برای خرید (ورود به پوزیشن خرید) وجود دارد.

همچنین بر پایه استراتژی معاملاتی خط روند می‌توانید تقریباً در ابتدای روند جدید یا شروع نوسانات بازار (top ها یا bottom ها) وارد شوید یا اگر از ابتدای روند محروم شدید، در طول این مسیر حرکت کنید و این باعث می‌شود که این استراتژی یکی از بهترین نظام‌های معاملات نوسانات باشد، دلیل آن هم این است که اندیکاتورها را در بر نمی‌گیرد بلکه قابلیت تعیین مسیر یک خط روند و استفاده از آن با پرایس اکشن^۱ را دارد. اجازه دهید نمودار دیگری را به شما نشان دهم.

در نمودار شماره ۵ قیمت چند بار واکنش نشان داده و از این خط روند پیروی کرده است؛ در نتیجه اگر وارد پوزیشن فروش می‌شدید، می‌توانستید درآمد کسب کنید.



نمودار: ۵

قبل از اینکه در مورد قوانین استراتژی معاملاتی خط روند توضیحاتی بدهیم، لازم است مفاهیم پایه‌ای را برای درک چگونگی عملکرد این استراتژی معاملاتی توضیح دهیم. این مفاهیم از این قرار است:

۱. نحوه ترسیم خطوط روند به روش صحیح؛
 ۲. چه زمانی یک خط روند هنوز صحیح است و چه زمانی صحیح نیست؛
 ۳. درک برخی از اشتباهات رایج در ترسیم خطوط روند؛
 ۴. چگونه بفهمیم که کدام یک از خطوط روند به احتمال زیاد حفظ می‌شوند و کدام حفظ نمی‌شوند؛
 ۵. حمایت و مقاومت و نحوه استفاده از آن‌ها به نفع خود؛
 ۶. درک روندها و اطلاع از زمان شروع یا پایان آن‌ها؛
 ۷. آنالیز فنی - بهترین روش برای آنالیز نمودارهای خود بدون استفاده از تعداد زیادی اندیکاتور (در حقیقت، شما به جز قیمت به هیچ اندیکاتور دیگری نیاز ندارید).
- درک کامل نکات فوق‌الذکر برای استفاده موفق از استراتژی معاملاتی خط روند بسیار ضروری است.

نحوه ترسیم خطوط روند به شکل صحیح

دو نوع خط روند وجود دارد: خط روند صعودی (روند صعودی) و خط روند نزولی (روند نزولی). چگونگی ترسیم خطوط روند به آسانی در دو مرحله انجام می‌شود؛ این مراحل عبارت‌اند از:

مرحله اول: قله‌ها و دره‌های واضح را مشخص کنید (نمودار ۶).

مرحله دوم:

الف) حداقل ۲ قله (سقف) را با یک خط از چپ به راست وصل کنید. این‌گونه شما یک خط روند نزولی خواهید داشت (نمودار ۷).

ب) حداقل ۲ دره (کف) را با یک خط وصل کنید. در این صورت شما یک خط روند صعودی نیز خواهید داشت (نمودار ۸).



نمودار: ۶



نمودار: ۷



نمودار: ۸

نکات کلیدی و مهمی که باید بدانید:

۱. وقتی خطوط روند را رسم می کنید، آن ها معمولاً در خط روند بیرونی و خط روند داخلی قرار می گیرند.
۲. خطوط روند بیرونی معمولاً خطوط روند اصلی هستند که از قله ها یا دره های قابل توجه تشکیل شده اند و در چهارچوب های زمانی بزرگ تر مانند ۱ ساعته و ۴ ساعته و بالاتر کاملاً آشکار هستند.
۳. خطوط روند داخلی، خطوط روند کشیده شده در داخل خطوط روند بیرونی هستند. به طور کلی وقتی چهارچوب های زمانی را کوچک تر می کنید، مایلید که تعداد زیادی از روندهای داخلی را به دست آورید.

۴. اگر در یک چهارچوب زمانی بزرگتر مثلاً ۴ ساعته یا روزانه قرار دارید، تعیین قله‌ها و دره‌هایی که برای ترسیم خطوط روند داخلی استفاده شده‌اند، گاهی اوقات واقعاً دشوار است؛ اما زمانی که چهارچوب زمانی خود را به ۱ ساعته یا ۳۰ دقیقه‌ای و ۱۵ دقیقه‌ای تغییر می‌دهید، قله‌ها و دره‌ها برای ترسیم خطوط روند واضح خواهند شد.



نمودار: ۹

می‌بینید که بنا بر آنچه بیان شد، ترسیم خطوط روند کار ساده‌ای است.

موضوعی که اکثر مبتدیان را دچار سردرگمی می‌کند، آن است که وقتی به نموداری نگاه می‌کنند و تعداد زیادی از کف‌ها و سقف‌ها را می‌بینند، نمی‌توانند بفهمند که کدام یک از آن‌ها برای ترسیم یک خط روند استفاده می‌شوند.

راه‌حل این مشکل، اولویت‌بندی استفاده از سقف‌ها و کف‌ها است و قاعده کلی آن به شرح زیر است:

- در مورد کف‌ها، آن‌هایی که کندل استیک بالاتری در سمت چپ و راست خود دارد، نسبت به آن‌هایی که کندل استیک کمتری در سمت چپ و راست خود دارند، قابل‌توجه‌تر خواهند بود.
- در مورد سقف‌ها نیز همین روند صدق می‌کند ولی کاملاً برعکس. به این معنی که باید به دنبال کندل استیک‌های پایین‌تر باشید. نمودار ۱۰ این مفهوم را واضح‌تر نشان می‌دهد. سه کف قابل‌توجه در این نمودار وجود دارد که با شماره‌های ۱، ۲ و ۳ مشخص شده است. توجه داشته باشید که در هر یک از این کف‌ها، کندل استیک‌های بالاتر در هر دو طرف چپ و راست کف قرار دارند.



نمودار: ۱۰

به عبارت دیگر، شما به دنبال کفها و سقفهایی هستید که به راحتی قابل مشاهده هستند. بگذارید بیشتر توضیح دهم:

- هنگام انتخاب ۲ سقف (برای ترسیم خط روند نزولی) یا ۲ کف (برای ترسیم خط روند صعودی)، توجه داشته باشید که آنها باید برای همه افراد قابل مشاهده یا آشکار باشند. نباید هیچ گونه ابهامی وجود داشته باشد، بلکه هر کس دیگری نیز باید بتواند آنها را به وضوح ببیند یا مشخص کند.
- اگر کفها یا سقفها را بتوان به وضوح دید و شناسایی کرد، بدین معنا است که آنها مهم و چشمگیر هستند؛ زیرا اینجاست که بازار به طور قابل توجهی معکوس شده است.

سؤال: در نمودار زیر، چه تعداد از کفها «قابل مشاهده» یا واضح هستند؛ بنابراین چه تعداد کف قابل توجه می توانید

پیدا کنید؟



نمودار: ۱۱

پاسخ: من ۴ کف را می بینم. این کف ها در شکل زیر نشان داده شده اند.



نمودار: ۱۲

این همان چیزی است که شما می توانید با کشیدن یک خط روند صعودی که دو کف اول را به هم متصل می کند، به آن دست پیدا کنید. در سومین و چهارمین کف در زمانی که قیمت برای تست خط روند پایین می آید، شما می توانید با ریسک بسیار پایین وارد پوزیشن خرید شوید و در هر معامله به مقدار سود خوبی برسید.



نمودار: ۱۳

به نمونه دیگری توجه کنید: در نمودار ۱۳ کف‌ها کاملاً واضح و قابل توجه هستند؛ بنابراین مشاهده آن‌ها کار ساده‌ای است. نتیجه این است که وقتی قیمت برای تست خط روند رسم شده پایین آمد، به جهش صعودی خوبی دست پیدا می‌کنید.



نمودار: ۱۴

همانطور که در شکل زیر نشان داده شده است، زمانی که حداقل ۲ قله یا سقف را به هم وصل می‌کنید، خط روند ترسیم شده، نزولی است. توجه داشته باشید که قله‌ها یا سقف‌ها باید واضح باشند و هر کس به راحتی بتواند آن‌ها را مشاهده کند.



نمودار: ۱۵

می‌بینیم که این روش هرگونه تردید در مورد تصمیم‌گیری برای استفاده از سقف یا کف برای ترسیم یک خط روند را از بین می‌برد.

سؤال: شاید بپرسید بسیاری از ستاپ‌های معاملاتی بزرگ در خطوط روند کشیده شده از کف‌ها یا سقف‌های قابل توجه یا از ترکیب کف‌ها یا سقف‌های قابل توجه و ناچیز رخ می‌دهند. در این مورد چه نظری دارید؟

پاسخ: اگر مبتدی هستید برای جلوگیری از سردرگمی، خطوط روند را فقط بر اساس سقف‌ها (قله‌های) یا کف‌ها (دره‌های) قابل توجه بکشید. هرچه تجربه و اعتماد به نفس شما بیشتر باشد، می‌توانید معامله خطوط روندی را انجام دهید که در کف‌ها یا سقف‌های ناچیز یا ترکیب کف‌ها و سقف‌های ناچیز و قابل توجه ترسیم شده‌اند. نمودار شماره ۱۵ نمونه‌ای از این وضعیت را نشان می‌دهد.



نمودار: ۱۶

این خطوط روند رسم شده از قله ها یا دره های ناچیز، همان خطوط روند داخلی هستند.

کمی تمرین و مهارت لازم است تا بتوانید با استفاده از دو نقطه، خطوط روند داخلی را رسم کنید. هرچه بیشتر تمرین کنید، این کار را راحت تر انجام خواهید داد.

خطوط روند معتبر و نامعتبر

- یک خط روند تا زمانی معتبر است که نقطه تقاطع چشمگیری نداشته باشد و قیمت همچنان از آن پیروی کند.
- یک خط روند زمانی نامعتبر می‌شود که تقاطع چشمگیری داشته باشد و این می‌تواند بدان معنی باشد که روند احتمالاً تغییر کرده است.

سؤال: چگونه می‌توانید بگویید که خط روند تقاطع قابل‌توجهی داشته است که این تقاطع می‌تواند به معنای شکست خط روند باشد؟

پاسخ: فرمول دقیقی برای تعیین آن وجود ندارد اما سه مورد هست که من در این زمینه به آن‌ها توجه می‌کنم:

۱. کندل استیکی که خط روند را قطع کرده است، آیا بالای خط روند بسته شده است یا زیر آن؟
۲. طول بدنه (بلند یا کوتاه بودن) کندل استیکی که در بالای خط روند نزولی و زیر خط روند صعودی بسته شده است.
۳. بسته شدن کندل استیک‌های ۱ ساعته یا ۴ ساعته

توضیحات کامل‌تر از این قرار است:

گفتیم کندل استیکی که خط روند را قطع کرده است، آیا بالای خط روند بسته شده است یا زیر آن؟ منظور آن است که اگر یک کندل استیک با فاصله قابل‌توجهی در بالای یک خط روند نزولی بسته شود، احتمال دارد نشانه‌ای از این موضوع باشد که خط روند نزولی اکنون شکسته شده است. برعکس این امر نیز برای خط روند صعودی صادق است؛ یعنی اگر یک کندل استیک با فاصله قابل‌توجهی در زیر آن بسته شود، احتمالاً نشانه‌ای از این موضوع است که خط روند صعودی اکنون شکسته شده است و قیمت اکنون روند نزولی دارد.

اگر یک کندل استیک خط روند را فقط قطع کرده باشد اما موفق به بسته شدن در بالا/پایین یک خط روند نزولی/صعودی نشده باشد، بهتر است که از این خط روند پیروی شود.

در شماره ۲ گفته شد که به طول بدنه (بلند یا کوتاه بودن) کندل استیکی توجه کنید که در بالای خط روند نزولی و زیر خط روند صعودی بسته شده است. هرچه طول بدنه کندل استیکی که در بالا/زیر یک خط روند نزولی/صعودی بسته می‌شود، بیشتر باشد، احتمال شکسته شدن خط روند بیشتر است.

توجه:

اگر می بینید که طول کمتری از بدنه کندل استیک - که در بالا/ زیر یک خط روند بسته است - خط روند را قطع کرده است، این حالت احتمالاً نشان دهنده این امر است که بازار جنبش خود را از دست داده و هرچند که خط روند را قطع کرده است، با این حال ممکن است در بالا/ زیر آن بسته شود. البته این احتمال نیز وجود دارد که قیمت همچنان به پیروی از خط روند فعلی ادامه دهد.

شما به تأیید اضافی نیاز دارید و بهترین راه برای این کار، استفاده از کندل استیک های برگشتی است. بعداً در این باره بیشتر بحث خواهیم کرد.

۵. در مورد آخر چنین گفته شد که توجه به بسته شدن کندل استیک های چهارچوب های زمانی ۱ ساعته و ۴ ساعته در تعیین احتمال شکسته شدن خط روند بسیار مهم است.
۶. اگر می بینید که یک کندل استیک ۱ ساعته در زیر یک خط روند صعودی بسته شده است، این خط روند به احتمال زیاد قطع شده است و قیمت همچنان در حال سقوط است.
۷. برعکس این امر نیز در مورد خط روند نزولی صادق است.

نکته: به طور کلی بسته شدن در زیر یا بالای یک خط روند در چهارچوب زمانی ۱ ساعته، بیش از بسته شدن در هر چهارچوب زمانی دیگر اهمیت دارد.

به همین دلیل است که در بسیاری از مواقع، شما یک خط روند را می بینید که در یک چهارچوب زمانی بسیار کوچک تر - ۵ دقیقه ای، ۱۵ دقیقه ای یا ۳۰ دقیقه ای - تقاطع قابل توجهی داشته است. در این موقعیت شاید فکر کنید که این روند شکسته شده است اما در آن هنگام کندل استیک ۱ ساعته در نهایت در بالا (در زیر آن برای خط روند نزولی) بسته می شود؛ سپس می بینید که قیمت همچنان از خط روند پیروی می کند.

به عنوان مثال: نمودار ۵ دقیقه ای زیر را مشاهده کنید که خط روند صعودی در حال تقاطع و چند کندل استیک در حال بسته شدن را زیر خط روند نشان می دهد.



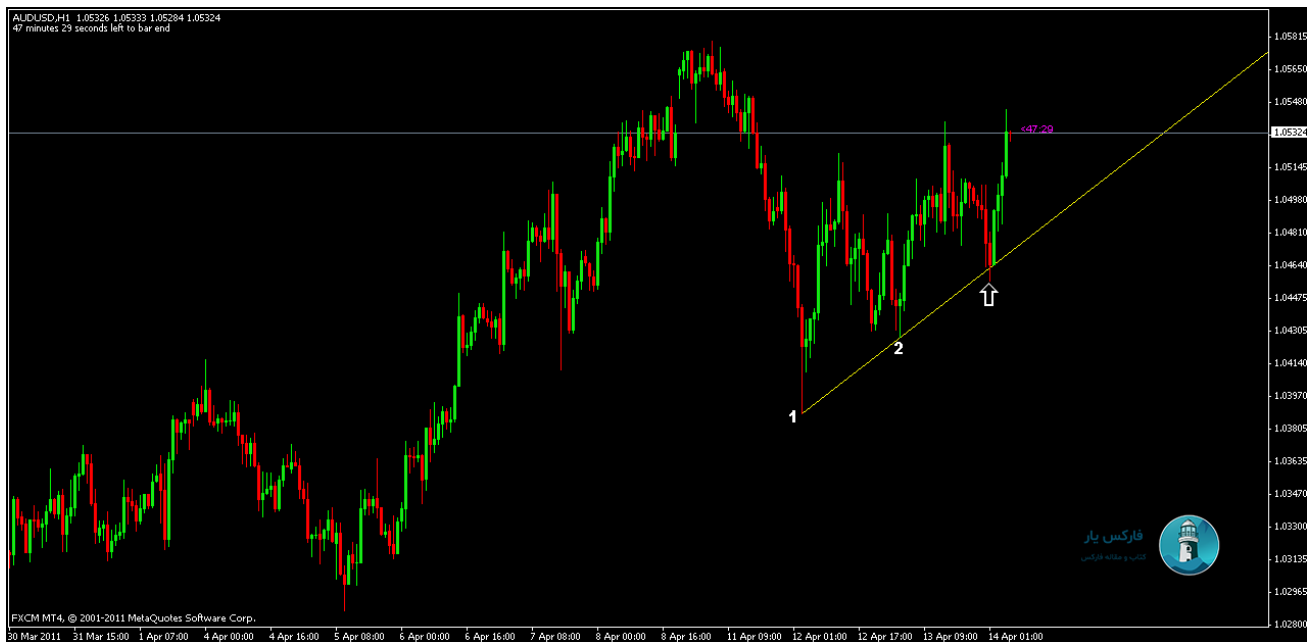
نمودار: ۱۷

نمودار ۱۷، نمودار ۱ ساعته همان جفت فوق است که کندل استیک ۱ ساعته (قرمز) را نشان می‌دهد که قطع شده اما در بالای خط روند صعودی بسته شده است.



نمودار: ۱۸

نمودار زیر نیز نشان‌دهنده اتفاقات بعدی در نتیجه بسته شدن کندل استیک ۱ ساعته است.



نمودار: ۱۹

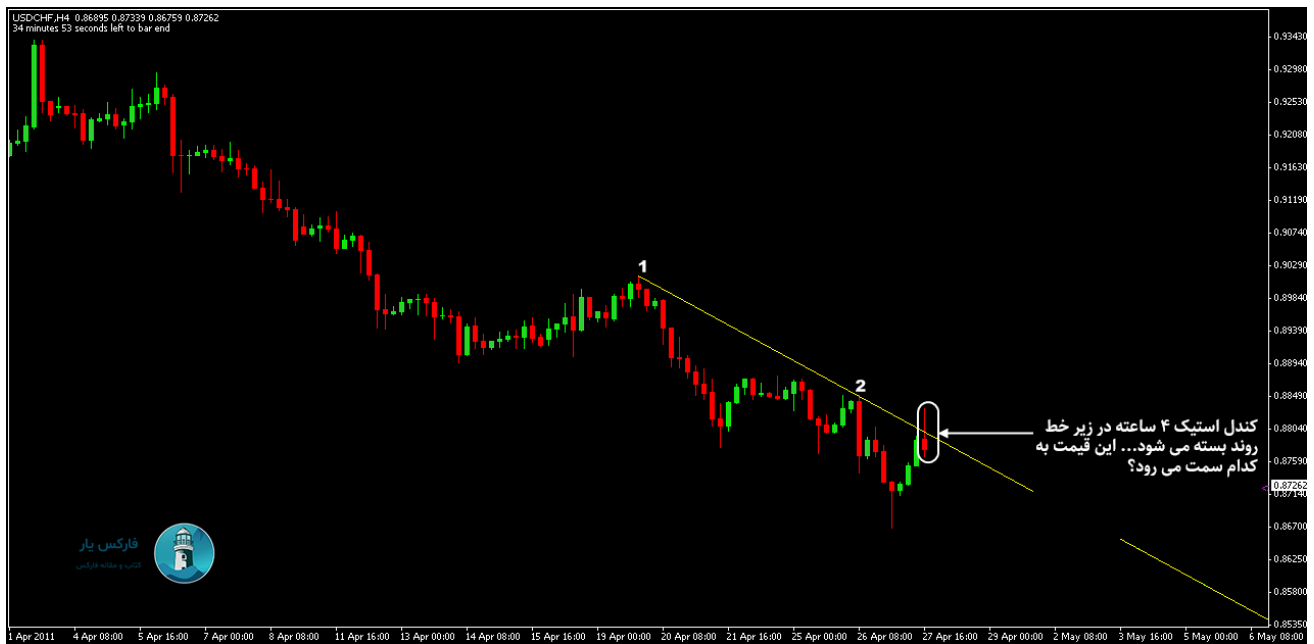
به یاد داشته باشید که بسته شدن کندل استیک‌های ۱ ساعته و ۴ ساعته بسیار مهم است.

مثال دیگری را درباره استفاده از بسته شدن‌های ۱ ساعته و ۴ ساعته ملاحظه کنید. توجه داشته باشید که در نمودار ۱ ساعته زیر، خط روند نزولی به‌طور چشمگیری قطع شده است. با توجه به آنچه در مورد طول بدنه کندل استیک‌ها گفته شد، به نظر می‌رسد که خط روند به شکل قابل ملاحظه‌ای قطع شده است؛ زیرا کندل استیک ۱ ساعته به‌طور قابل توجهی در بالای خط روند نزولی بسته شده است.



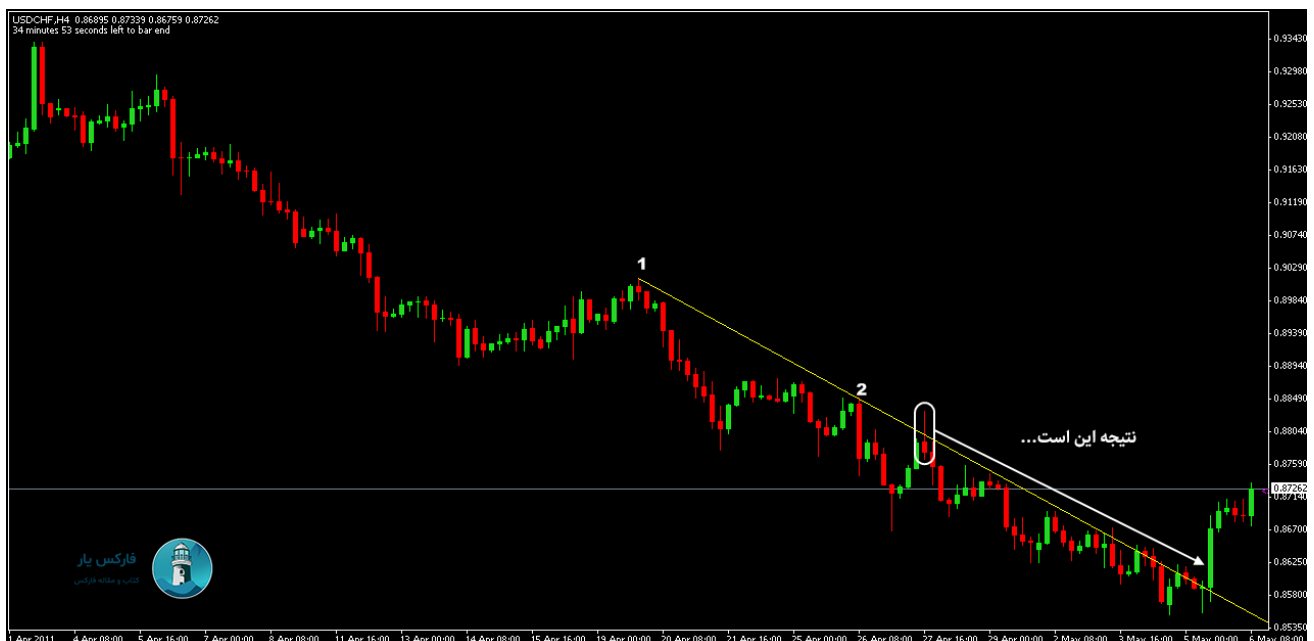
نمودار: ۲۰

این اتفاقی است که حدود ۳ ساعت بعد در نمودار ۴ ساعته افتاده است. حال به نظر شما احتمالاً چه اتفاقی می‌افتد؟



نمودار: ۲۱

نتیجه را در نمودار ۲۱ مشاهده می کنید.



نمودار: ۲۲

اکنون متوجه شدیم که بسته شدن ۱ ساعته و ۴ ساعته بسیار مهم است.

۸. حال به نقاط بسته شدن توجه کنید به ویژه زمانی که در نقاط ورودی خط روند اتفاق می افتند.
۹. همچنین باید به طول بدنه کندل استیک های اطراف نقاط ورودی خط روند نیز دقت زیادی داشته باشید؛ زیرا آن ها نشانه احساس بازار هستند.

در نمودار زیر (نمودار ۲۳)، ۲ خط روند نزولی وجود دارد. در هر نمونه می‌توانید ببینید که کندل استیک‌هایی که خط روند را به سمت بالا قطع کرده‌اند، کندل استیک‌های بسیار صعودی با بدنه بسیار بلند بودند که به طرز قابل ملاحظه‌ای در بالای خطوط روند بسته شده بودند؛ در نتیجه خطوط روند نامعتبر می‌شدند.



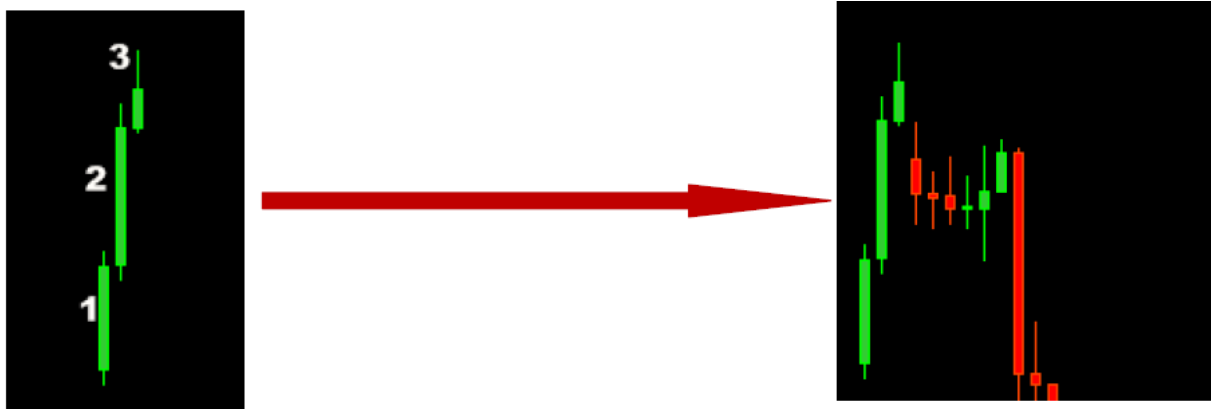
نمودار: ۲۳

در نمودار ۲۴ کندل استیکی که قطع و در بالای خط روند بسته شده است، فاقد حرکت صعودی است (بدنه بسیار کوتاهی دارد که نمی‌تواند حتی بیش از ۵۰ درصد بالای خط روند را ببندد). این حالت موجب شده است که قیمت مجدداً خط روند را دنبال کند؛ زیرا بازار تنزل ناگهانی در قیمت داشته است.



نمودار: ۲۴

بیاید بر مثال دیگری تمرکز کنیم. در شکل پایین نظرتان در مورد طول بدنه کندل استیک های شماره ۱، ۲ و ۳ چیست؟



شکل: ۳

در اولین نمودار، ۲ کندل استیک بسیار صعودی ۱ و ۲ با بدنه بلند را می بینیم که یک حرکت صعودی بسیار قوی را نشان می دهند سپس کندل استیک ۳ تشکیل می شود که برخلاف دو کندل استیک قبلی، بدنه بسیار کوتاهتری دارد؛ بنابراین می دانیم که بازار قدرت خود را از دست می دهد. نمودار دوم - سمت راست - در نتیجه کندل استیک ۳ رخ داده است. نمودار کامل در ادامه نشان داده شده است، بنابراین شما می توانید تصویری بزرگتری از این روند داشته باشید.



نمودار: ۲۵

چهار اشتباه رایج در رسم خطوط روند

استفاده موفقیت‌آمیز از استراتژی معاملاتی خط روند به مقدار زیادی به کیفیت رسم شما و خطوط روند معتبر بستگی دارد. اگر بخواهم صادق باشم باید بگویم که شما به‌تنهایی نمی‌توانید از پس این مسئله برآیید؛ زیرا باید بسیار دقیق باشید. در اینجا برخی اشتباهات رایج بسیاری از معامله‌گران ارائه شده است:

اشتباه شماره ۱: ترسیم خط روند از طریق یک انسداد

نباید هیچ ممانعت قیمتی بین نقاط ۱ و ۲ وجود داشته باشد. منطقه آبی با نشان «X» این مسئله را نشان داده است.



نمودار: ۲۶

برای ترسیم خطوط روند صعودی نیز همین روند صدق می‌کند. بین نقاط ۱ و ۲ نباید هیچ انسدادی در قیمت وجود داشته باشد.



نمودار: ۲۷

اشتباه شماره ۲: ترسیم خطوط روند از طریق فیتله و بدنه کندل استیکها

برخی از مبتدیان خط روند را در جهت کلی روند رسم می کنند. با این کار همه قوانین شکسته می شود. اگر خط روند کشیده شده و از تعداد زیادی از فیتله ها و بدنه کندل استیکها عبور کرده باشد، هیچ اطلاعاتی در مورد محل سطوح حمایت یا مقاومت به شما نمی دهد؛ در نتیجه این روش برای ترسیم خط روند اشتباه است. (نمودار ۲۸)



نمودار: ۲۸

اشتباه شماره ۳: نکشیدن خط روند جدید و نگه داشتن خط روند شکسته شده

این مورد حالتی است که یک شکست یا رخنه غلط در یک خط روند وجود دارد و پس از آن بازار در جهت روند اصلی که قبلاً پیش رفته بود، ادامه می‌دهد.

اگر قیمت خط روند را به‌طور قابل‌توجهی بشکند، آن خط روند دیگر معتبر نیست. اگر بازار در همان جهت پیش برود، آنگاه می‌توانید یک خط روند جدید رسم کنید. می‌توانید این موضوع را در نمودار ۲۹ که بر اساس سقف (کف) جدید تشکیل شده، ببینید.



نمودار: ۲۹

سؤال: اگر رخنه قابل‌توجه نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر قیمت پس از شکستن یا قطع خط روند، یک سقف (قله) یا کف (دره) تشکیل دهد اما بعداً عقب برگردد و مجدداً از آن خط روند پیروی کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا باید خط روند فعلی را حفظ کنید یا خط روندی جدید رسم کنید؟

پاسخ: بهترین کار رسم خط روند جدید است. البته من حتی در این موارد نیز معمولاً خط روند شکسته شده را حفظ می‌کنم زیرا:

۱. قیمت هنوز از آن پیروی می‌کند و من همیشه می‌خواهم با استفاده از سقف یا کف‌های جدیدی که ایجاد شده است، روند جدید را رسم کنم.

۲. دلیل من برای حفظ خط روند شکسته شده فقط مبتنی بر این است که قیمت نسبت به خط روند شکسته شده چقدر حرکت کرده است یا به بیان دیگر قیمت چقدر دور شده است.

۳. اگر این فاصله مانند نمودار فوق قابل‌توجه باشد، من آن خط روند را نگه نمی‌دارم.

دلیل این رفتار را برایتان توضیح خواهم داد. به نمودار زیر توجه کنید.



نمودار: ۳۰

قیمت شکسته شده و یک کف در زیر خط روند قرمز تشکیل داده است، سپس به بالا برگشته و مجدداً از این خط روند پیروی کرده است. مدتی بعد، فرصت خریدی برای دومین بار ایجاد شده است که می‌توانست به معامله بسیار موفقی منجر شود.

اگر من اولین خط روند (قرمز) را فقط به این دلیل که به‌طور موقت شکسته شده بود، حذف می‌کردم، یک ستاپ معامله بسیار خوب را از دست می‌دادم.

به همین دلیل است که من بسته به اینکه قیمت تا چه حد جابه‌جا شده است، همچنان خط روند شکسته‌شده را حفظ می‌کنم و همچنان به الگوهای کندل استیک اطراف این نوع ستاپ توجه می‌کنم.

پرسش: چند پیپ فاصله برای حفظ یک خط روند شکسته‌شده منطقی است؟

پاسخ: ارائه پاسخ دقیق در این باره بسیار دشوار است زیرا تعداد پیپ‌ها به چهارچوب زمانی بستگی دارد. برای مثال در چهارچوب زمانی ۵ دقیقه‌ای، حفظ یک خط روند شکسته‌شده نیز که ۵-۱۰ پیپ از آن فاصله دارد، خوب است اما اگر این فاصله ۳۰ پیپ باشد، خوب نیست. در چهارچوب زمانی ۱ ساعته، ۲۰-۴۰ پیپ معقول است. در چهارچوب زمانی ۴ ساعته، حفظ یک خط روند شکسته‌شده ۴۰-۶۰ پیپ هنوز هم خوب خواهد بود زیرا چهارچوب زمانی بزرگ‌تر است.

اشتباه شماره ۴: رسم خطوط روندی که به قله‌ها یا دره‌ها برخورد نکرده‌اند.

این یکی از اشتباهات بزرگ است که من بسیار با آن برخورد داشتم. اشتباه از این قرار است که معامله‌گران درواقع نمی‌توانند ۲ قله یا دره مورد نیاز برای رسم یک خط روند را به هم وصل کنند. خط روند باید این دو نقطه مورد نیاز برای رسم یک خط روند را لمس کند.



نمودار: ۳۱

اگر نتوانید این کار را به درستی انجام دهید، شرایطی مانند نمودار زیر خواهید داشت که در آن، خط روند مورد برخورد قرار نگرفته و قیمت از آن فاصله می‌گیرد. در این صورت اگر برای ورود منتظر لمس خط روند بودید، حدس بزنید چه اتفاقی می‌افتد؟ درواقع شما هرگز به آن دست نمی‌یابید.



نمودار: ۳۲

خطوط روند قوی و ضعیف

تعداد دفعات لمس قیمت سپس پیروی از یک خط روند، قدرت خط روند را تعیین می‌کند. به خاطر داشته باشید اگر قیمت بیش از یک بار از یک خط روند پیروی کند، آن خط روند قوی است.

علاوه بر این، مورد دیگری نیز وجود دارد که من از آن به عنوان نشانه‌ای از قدرت یک خط روند استفاده می‌کنم: «تندی خط روند». شما همچنین ممکن است آن را «شیب خط روند» بنامید.

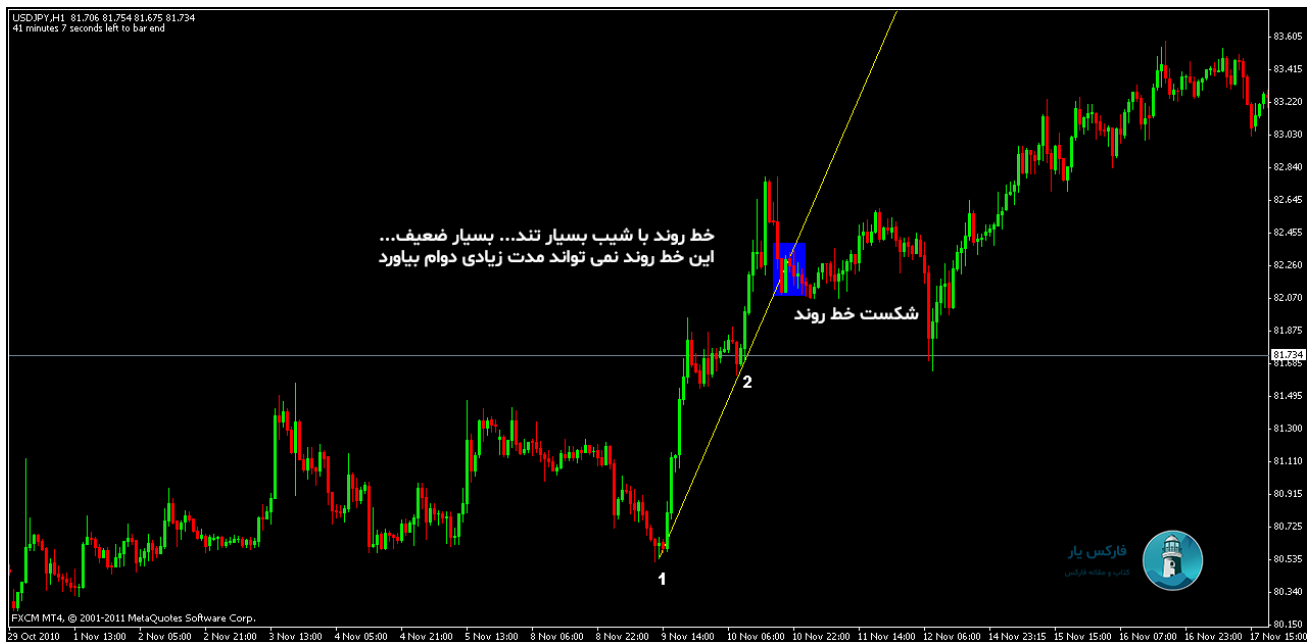
از نمودارها متوجه خواهید شد که معتبرترین یا قوی‌ترین خطوط روند، خطوط روند با شیب ملایم هستند. به‌طور کلی، خطوط روند دارای شیب تند بسیار غیرقابل اعتماد هستند.

سؤال: چرا خطوط روند دارای شیب تند اغلب ضعیف یا غیرقابل اعتماد هستند؟

پاسخ: دلیل آن این است که بازار برای مدت زمان طولانی نمی‌تواند در این شیب تند دوام بیاورد!

برای خطوط روند با شیب بسیار تند، قیمت معمولاً فقط یک بار از خطوط روند پیروی می‌کند، گاهی اوقات هم اصلاً پیروی نمی‌کند.

در نمودار زیر گرچه قیمت با یک زاویه بسیار تند صعود کرده است اما حتی نمی‌تواند از آن خط روند با شیب بسیار تند پیروی کند. در نهایت این خط روند به سمت پایین شکسته می‌شود. قیمت بعداً سطح بسیار پایین‌تری از تندی را پیدا کرد که قابل تحمل بود و سپس مجدداً به حرکت صعودی خود ادامه داد.



نمودار: ۳۳



نمودار: ۳۴

نکته: قیمت به وضوح تمایل دارد که با پیروی از خطوط روند با شیب ملایم نسبت به خطوط روند با شیب تند، به آنها واکنش نشان دهد.

با دقت در نمودار ۳۵ منظور را بهتر متوجه خواهید شد، همچنین دقت کنید که بازار چگونه واکنش نشان داده و چند بار از این خط روند پیروی کرده است.



نمودار: ۳۵

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:



نمودار: ۳۶

خطوط روند با شیب ملایم خطوط روند بسیار قوی هستند؛ بنابراین همیشه به دنبال ستاپ‌های معاملاتی خط روند چندگانه باشید. این اطلاعات بسیار مهم است؛ زیرا:

(۱) اگر شما در معامله‌ای مبتنی بر ورود خط روندی با شیب تند در اولین ستاپ خرید یا فروش مشغول به فعالیت هستید، باید به سرعت سود خود را بردارید و آن را سریعاً قفل کنید یا حتی به سرعت شکسته شوید؛ زیرا می‌دانید که tendi نمی‌تواند برای مدت زیادی دوام بیاورد.

۲) برای ورود به معامله‌ای مبتنی بر خط روند با شیب تند عجله نکنید، به‌خصوص اگر در دومین یا سومین ستاپ خرید یا فروش است؛ زیرا احتمال اینکه بازار قدرت خود را از دست داده باشد سپس سریعاً شروع به برگشت کرده باشد، خیلی زیاد است.

حمایت و مقاومت

ما در هنگام رسم خطوط روند، روی دو مفهوم بسیار مهم کار می‌کنیم: ۱- حمایت؛ و ۲- مقاومت.

نکته: زمانی که خطوط روند -چه صعودی، چه نزولی- در نموداری رسم می‌شوند، نشان‌دهنده این است که به احتمال بالا قیمت در آینده حمایت و مقاومت مورب پیدا می‌کند.

در بازاری با روند نزولی، خط روند نزولی مقاومت را ارائه می‌دهد؛ یعنی قیمت بالا می‌رود و از خط روند به پایین برمی‌گردد.



نمودار: ۳۷

در یک بازار روند صعودی، خطوط روند صعودی حمایت را برای قیمت‌ها فراهم می‌کنند: قیمت پایین می‌آید و به خط روند برخورد می‌کند و در اثر حمایت خط روند صعودی مجدداً به بالا جهش می‌کند.



نمودار: ۳۸

خطوط روند تا زمانی خوب هستند که قیمت از آن‌ها پیروی کند. زمانی که قیمت یک خط روند را می‌شکند، ممکن است نشان‌دهنده تغییر روند باشد.

خطوط روند، حمایت و مقاومت را به صورت مورب فراهم می‌کنند و نباید با سطوح حمایت و مقاومت افقی اشتباه گرفته شوند.

اما من تکنیکی را به شما نشان خواهم داد که با استفاده از آن می‌توانید این دو حالت را برای ستاپ‌های ورود به معامله ترکیب کنید.

ترکیب حمایت و مقاومت خط روند با حمایت و مقاومت افقی برای ستاپ‌ها و ورودی‌های معامله

این یکی از تکنیک‌های بسیار قوی برای ورود به معاملات با احتمال بالا است و یکی از مزایای بزرگ آن این است که شما می‌توانید این ستاپ را تشخیص و معاملات را بر اساس آن انجام دهید.

نمودار زیر را ببینید.

هنگامی که یک سطح مقاومت قبلی حمایت جدید خود را قطع می‌کند، یک ستاپ ورود به خط روند رخ می‌دهد. حالا شما دو حمایت دارید که به طور هم‌زمان در همان سطح برای شما کار می‌کنند:

۱. خط روند ارائه‌دهنده حمایت؛

۲. سطح مقاومت قبلی که به حمایت تبدیل شده است.

سؤال: بنا بر آنچه گفتیم به نظرتان قیمت به احتمال زیاد در چه جهتی پیش خواهد رفت؟

پاسخ: بالا!



نمودار: ۳۹

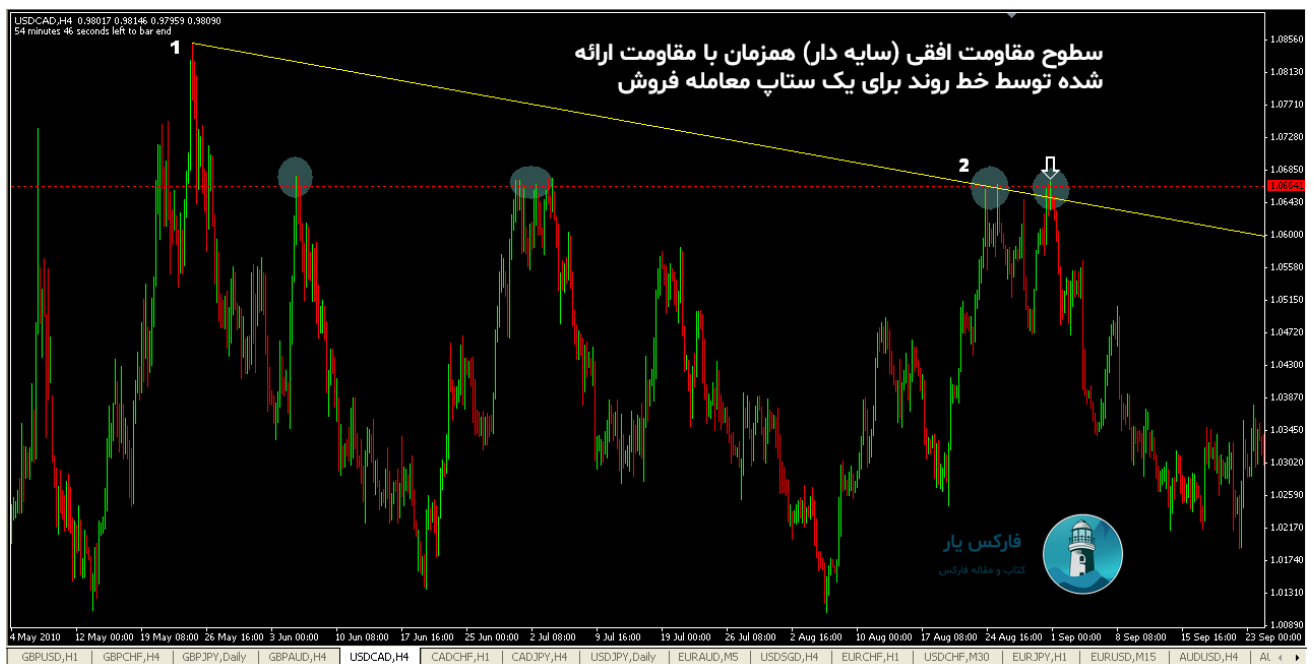
سؤال: یک ستاپ معامله فروش چه شکلی است؟

پاسخ: درست برعکس معامله فروش. سطح حمایت قبلی شکسته و به سطح مقاومت تبدیل می‌شود و در همان سطحی که این اتفاق می‌افتد، یک نقطه ورود به خط روند نزولی نیز وجود دارد. نمودار این وضعیت در زیر نشان داده شده است.



نمودار: ۴۰

نمودار شماره ۴۱ روش دیگری را نشان می‌دهند که در آن می‌توان از خطوط روند و سطوح حمایت و مقاومت افقی استفاده کرد. این نمودار یک ستاپ معامله فروش خط روند را نشان می‌دهد که کاملاً با سطوح مقاومت افقی تطابق دارد.



نمودار: ۴۱

در نمودار پایین (نمودار ۴۲) برخلاف نمودار بالا (نمودار ۴۱) ستاپ دقیقاً برعکس است اما این بار یک ستاپ خرید است که مبتنی بر سطوح حمایت هم زمان با ورود روند صعودی است.



نمودار: ۴۲

بنابراین الان شما می دانید که:

۱. وقتی می خواهید بر اساس یک ستاپ خط روند وارد معامله شوید، سطوح حمایت و مقاومت را نیز در ذهن

خود نگه دارید.

۲. وقتی معامله ای را وارد می کنید، کدامیک از موارد زیر را در بردارد:

(الف) سطح حمایت افقی؛

(ب) سطح مقاومت افقی؛

(ج) سطح حمایت شکسته شده و تبدیل شده به سطح مقاومت؛ یا

(د) سطح مقاومت شکسته شده و تبدیل شده به سطح حمایت.

۳. و در نهایت آیا آن معامله به نفع شما کار می کند؟.

شما به عنوان یک معامله گر باید از این موارد آگاهی داشته باشید و نسبت به آنها بی توجه نباشید.

روند دوست شما است

روند را دنبال کنید و زمان بیشتری بخرید.

نکته: اگر حرکت بازار نزولی باشد، این حرکت ادامه خواهد یافت تا اینکه نیروی مخالفی وارد عمل شود. منظور از نیروهای مخالف: سطوح حمایت؛ خطوط روند صعودی؛ و اخبار است. اینها مواردی هستند که می توانند جهت بازار را تغییر دهند.

آیا می‌توانید خلاف جهت رودخانه قایق‌رانی کنید؟ شاید در بعضی موارد بتوانید اما فقط برای مدت کوتاهی؛ زیرا وقتی خلاف جریان حرکت می‌کنید، دیر یا زود خسته خواهید شد. در معاملات فارکس نیز این امر صدق می‌کند. گرچه این حقیقت بسیار ساده‌ای است اما خیلی‌ها آن را نادیده می‌گیرند و بهای سنگینی برای آن می‌پردازند.

گفتیم که زمانی که نمودار را باز می‌کنید، اولین مورد درک چگونگی روند فعلی است. در مرحله بعد باید بدانید که آیا ممکن است که روند به پایان برسد و روند جدیدی شروع شود. این بخش در مورد این موضوع است.

سؤال: روند چیست؟

پاسخ: به عبارت ساده روند جهت کلی است که در آن قیمت به سمت بالا، پایین یا به یک طرف در حال حرکت است. سه نوع روند وجود دارد:

۱. روند صعودی
۲. روند نزولی
۳. روند یک‌طرفه

روند صعودی همان حرکت مداوم به سمت بالا است که طی آن بازار پی‌درپی در حال ایجاد سقف‌های بالاتر (HH) همچنین کف‌های بالاتر (HL) است.

روند نزولی هنگامی است که حرکت مداومی به سمت پایین وجود دارد که در آن بازار دائماً سقف‌های پایین‌تر (LH) و کف‌های پایین‌تر (LL) را ایجاد می‌کند.

در یک بازار که روند یک‌طرفه دارد؛ قیمت‌ها تا زمان شکسته شدن در یک محدوده قیمت باقی می‌مانند. این حالت دوره‌ای برای استراحت بازار است. پس از استراحت، بازار معمولاً در جهت روند کلی مسیر خود را ادامه می‌دهد.

نمودار ۴۳، نمونه‌ای از بازار در روند صعودی است. به «قله‌های در حال افزایش» یا سقف‌های بالاتر و «دره‌های در حال افزایش» یا کف‌های بالاتر توجه کنید.



نمودار: ۴۳

نمودار بعدی نمونه‌ای از بازار در روند نزولی است. به «قله‌های در حال کاهش» یا سقف‌های پایین‌تر و «دره‌های در حال کاهش» یا کف‌های پایین‌تر توجه کنید.



نمودار: ۴۴

نمودار زیر نمونه‌ای از بازار با روند یک‌طرفه یا مسطح است.



نمودار: ۴۵

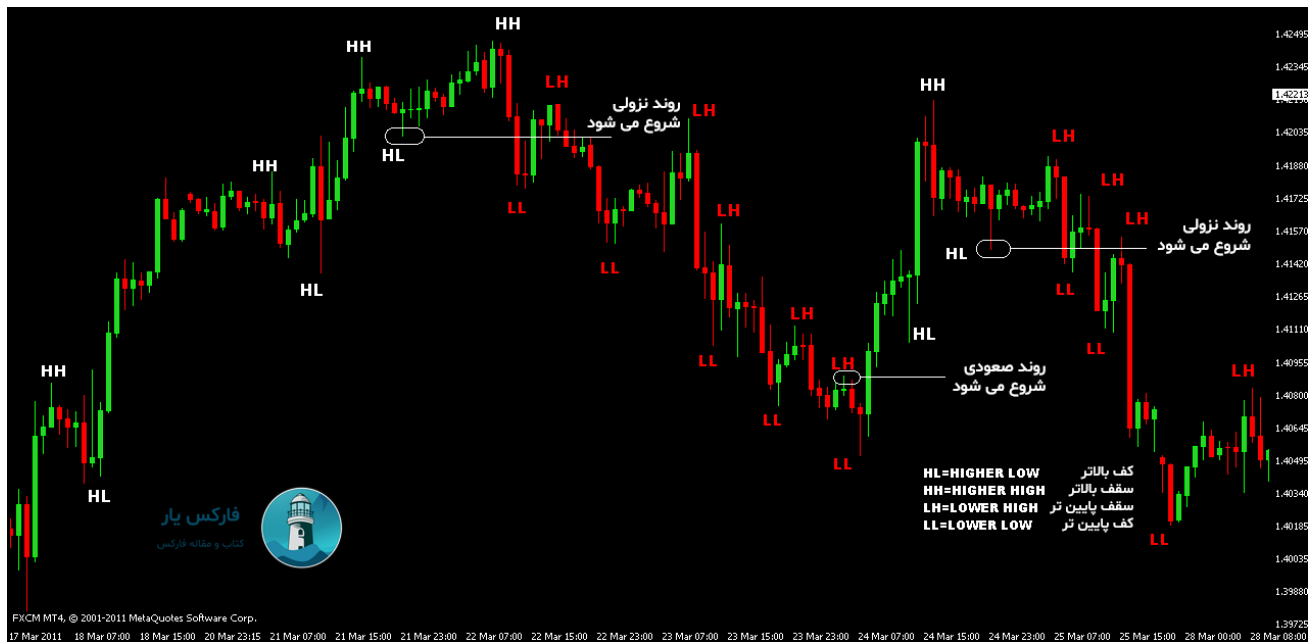
پرسش: چه زمانی روند صعودی به روند نزولی و برعکس تبدیل می‌شود و روش تشخیص آن چگونه است؟

پاسخ: روند صعودی زمانی به روند نزولی تبدیل می‌شود که الگوی سقف‌های بالاتر و کف‌های بالاتر متوالی شکسته شده و کف جدیدی تشکیل می‌شود که پایین‌تر از کف قبلی است. این نشان‌دهنده شروع تغییر احتمالی در روند است.

روند نزولی زمانی به روند صعودی تبدیل می‌شود که الگوی سقف‌های پایین‌تر و کف‌های پایین‌تر متوالی شکسته شده و سقف جدیدی تشکیل شود که بالاتر از سقف قبلی است. این حالت ممکن است نشان‌دهنده شروع تغییر احتمالی در روند صعودی باشد.

در نمودار زیر (نمودار ۴۶) می‌توانید نکات فوق‌الذکر را به وضوح ملاحظه کنید و این نمودار به شما نشان می‌دهد که چگونه روند صعودی به روند نزولی و برعکس تبدیل می‌شود.

۱. زمانی که یک HL شکسته می‌شود، یک روند نزولی احتمالی را نشان می‌دهد.
۲. زمانی که یک LH شکسته می‌شود، یک روند صعودی احتمالی را نشان می‌دهد.



نمودار: ۴۶

شما باید این مفهوم را به طور کامل درک کنید زیرا به شما کمک می‌کند تا با نگاه سطحی به نمودار خود بفهمید که در وضعیت صعودی قرار دارید یا نزولی؛ همچنین این امکان را به شما می‌دهد تا اگر روند جدیدی شروع شده است، متوجه آن شوید.

سؤال: چگونه این اطلاعات با استراتژی معاملاتی خط روند مطابقت دارند؟

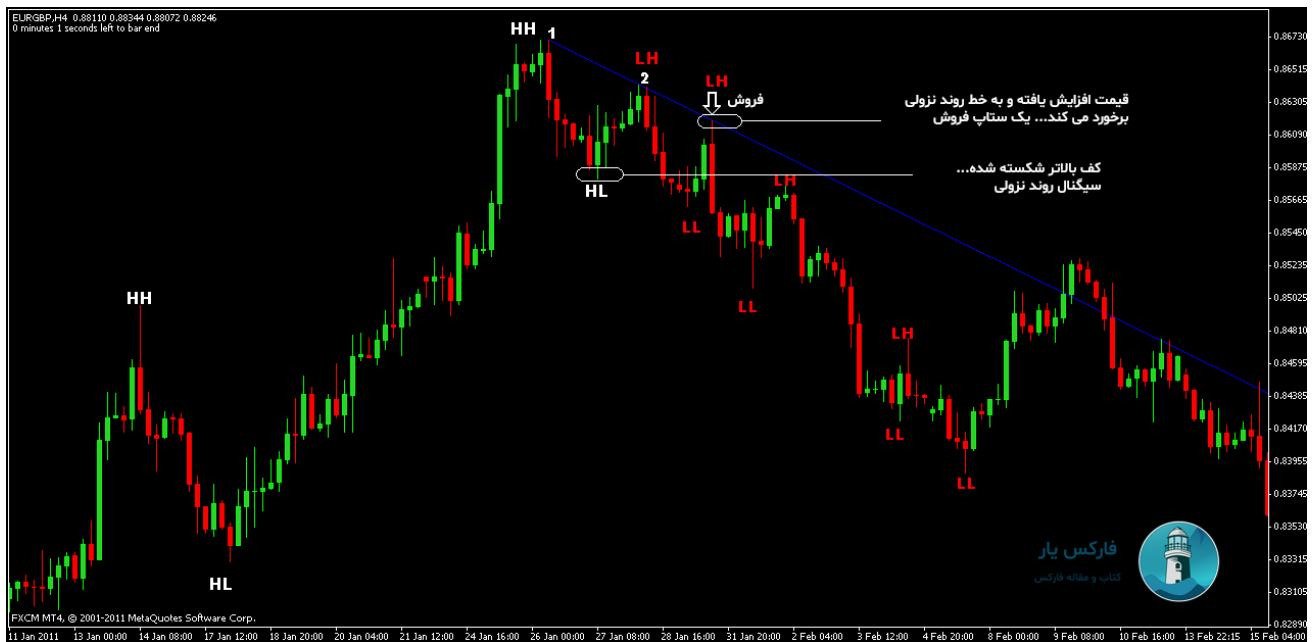
پاسخ: دو دلیل برای این وجود دارد:

دلیل اول آنکه من می‌خواهم این توانایی را داشته باشم که در همان ابتدای یک روند وارد معامله شوم، یعنی زمانی که سیگنالی از احتمال تغییر روند داده می‌شود.

دلیل دوم آن است که اگر من سود خود را قفل می‌کردم و حد ضرر متحرک خود را زیر کف‌های بالاتر یا سقف‌های پایین‌تر قرار می‌دادم، این زمان خروج من یا به عبارت بهتر اخراج من از بازار را نشان می‌داد!

یک مثال بسیار خوب برای دلیل اول در نمودار زیر (نمودار ۴۷) نشان داده شده است. در نمودار ۴۷ ابتدا یک HL قطع شده و نشانه‌ای از روند نزولی احتمالی را نشان می‌دهد. در مرحله بعد قیمت افزایش می‌یابد تا خط روند نزولی را لمس کند. به این نکته توجه کنید که قبلاً نشانه‌ای از روند نزولی ارائه شده و اکنون یک ستاپ خط روند در حال وقوع است، در این صورت شما باید برای وارد کردن یک سفارش فروش مطمئن باشید.

شاید بپرسید بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا بازار سقوط می‌کند؟



نمودار: ۴۷

سؤال: آیا اگر معامله گر -همان طور که نشان داده شد- وارد معامله فروش شود، تقریباً در شروع روند نزولی وارد شده است؟ قطعاً!

مثال بالا (نمودار ۴۷) نشان می دهد که چگونه اطلاعات مربوط به «چگونگی تغییر روند» در هنگام ترکیب با استراتژی معاملاتی خط روند، به معامله گر این امکان را می دهد تا تقریباً در ابتدای یک روند جدید وارد شود!

نکته: همیشه در هنگام آنالیز نمودارها و انتظار برای ستاپ ها، این را در ذهن خود داشته باشید.

در نمودار زیر کف بالاتر -HL- شکسته شده و قیمت سقوط کرده است. بعداً یک سقف پایین تر -LH- شکسته شده و یک سیگنال صعودی را نشان می دهد؛ لذا این حالت نشانگر آغاز روند صعودی است که در اینجا اتفاق می افتد.



نمودار: ۴۸

اکنون شما اهمیت درک تغییرات روند را فهمیدید و اگر بتوانید آن‌ها را تشخیص دهید و از این اطلاعات به همراه ورودی‌های خط روند استفاده کنید؛ با بهره‌گیری از این فرایند می‌توانید تقریباً در ابتدای یک روند جدید وارد معامله شوید.

روندها و خطوط روند کوتاهمدت، متوسط و درازمدت

ما می‌توانیم روندها را از جهتی دیگر به سه نوع نیز تقسیم کنیم:

- ✓ روندهای کوتاهمدت: روندهای کوتاهمدت در هر چهارچوب زمانی از ۱ دقیقه‌ای تا ۳۰ دقیقه‌ای یافت می‌شوند؛
 - ✓ روندهای میان‌مدت: روندهای میان‌مدت را می‌توان در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته تا ۴ ساعته یافت؛
 - ✓ روندهای درازمدت: روندهای درازمدت را می‌توان در چهارچوب‌های زمانی ۴ ساعته، روزانه تا ماهانه مشاهده کرد.
- با توجه به موارد فوق، ما می‌توانیم خطوط روند را به سه دسته طبقه‌بندی کنیم:

۱. خطوط روند کوتاهمدت (۱ دقیقه‌ای تا ۳۰ دقیقه‌ای)
۲. خطوط روند میان‌مدت (۱ ساعته تا ۴ ساعته)
۳. خطوط روند بلندمدت (۴ ساعته تا ماهانه)

نکته: خطوط روند بلندمدت نسبت به خطوط روند میان‌مدت اهمیت بیشتری دارند و خطوط روند میان‌مدت نیز از خطوط روند کوتاهمدت مهم‌تر هستند.

این مفهوم بسیار ساده است؛ برای نمونه روند کوتاهمدت نزولی اما روند میان‌مدت، صعودی است؛ بنابراین با نزدیک شدن این روند نزولی کوتاهمدت به سطح یا منطقه نفوذ روند میان‌مدت ارائه شده توسط خط روند صعودی، معمولاً دو اتفاق می‌افتد:

#۱: روند کوتاهمدت بدون توجه به روند میان‌مدت و خط روندی که باید به‌عنوان حمایت عمل می‌کرد، به حرکت نزولی خود ادامه می‌دهد. این وضع یعنی خط روند میان‌مدت شکسته شده و اکنون نامعتبر است. در این صورت ممکن است یک روند نزولی میان‌مدت جدید آغاز شود.

#۲: روند کوتاهمدت از خط روند میان‌مدت به سمت بالا جهش می‌کند و از آن پیروی می‌کند.



به این سؤال پاسخ دهید اگر بارت سیمپسون^۲ و مو^۳ با هم مبارزه کنند، به نظر شما چه کسی در این نبرد پیروز می‌شود؟

^۲ بارت سیمپسون شخصیتی کارتون از سریال سیمپسونها است. او نخستین فرزند خانواده سیمپسون است.

^۳ یکی دیگر از شخصیت‌های کارتون سیمپسونها.

بله، مو زشت، همان پیر جوان نما پیروز خواهد شد؛ البته وقتی هومر سیمپسون^۴ قوی آنجا نباشد. وضعیت مشابهی در بازارها اتفاق می افتد. شما در یک ورودی خط روند ۱۵ دقیقه ای وارد پوزیشن خرید می شوید و بازار به شکلی نامحسوس صعود می کند و به زودی به یک خط روند نزولی میان مدت مخالف می روید. خط روند میان مدت نسبت به خط روند کوتاه مدت اهمیت بالاتری دارد؛ بنابراین احتمال پیروی بازار از خط روند میان مدت بیشتر است؛ حتی اگر در حال حاضر بازار در چهارچوب زمانی ۱۵ دقیقه ای در حال صعود باشد. در اینجا نمونه ای از این گونه شرایط ارائه شده است.



نمودار: ۴۹

بنابراین اگر از یک معامله انجام شده در یک خط روند کوتاه مدت سود کرده باشید و وضعیتی مانند حالت فوق رخ دهد، ممکن است:

- ✓ تصمیم بگیرید که بخشی از سود را از جدول بردارید و مابقی آن را در نقطه سربه سرها کنید
 - ✓ در صورت حرکت بازار علیه شما، توقف ضرر خود را سخت تر حرکت دهید تا سود خود را قفل کنید. اگر این اتفاق افتاد- بنا به دلایلی ممکن است این کار انجام می شود- تا زمانی که از معامله خود سود برده باشید، اوضاع روبه راه است.
- با این حال اگر قیمت خط روند میان مدت را بشکند و به حرکت صعودی خود ادامه دهد، اتفاق خوبی برای شما خواهد بود. حالا می توانید فقط با ردیابی قیمت با قراردادن توقف خود در کف های بالاتر که با حرکت بازار به سمت بالا تشکیل می شوند، با روند کنار بیاوید و آن را حفظ کنید (اگر هیچ هدف سودی ندارید^۵).

به مثال بعد توجه کنید:

^۴ شخصیت پدر در انیمیشن خانواده سیمپسون.

^۵ استراتژی هایی هستند که بدون تارگت عمل می کنند و تا جایی که قیمت به روند خود ادامه میدهد با آن پیش می روند.

نمودار زیر نمونه بسیار خوبی از این شرایط - که همیشه اتفاق می افتد - را نشان می دهد. به همین دلیل درک این موضوع و فهم کامل خطوط روند و روندهای بلندمدت و میان مدت، در زمانی که وارد معاملات کوتاه مدت بر اساس خطوط روند کوتاه مدت می شوید، امر بسیار مهمی است، زیرا در غیر این صورت قطعاً سردرگم شده، به نتیجه ای دست نمی یابید، آنگاه تعجب می کنید که چرا بازار در زمان خاصی علیه شما قرار گرفت.



نمودار: ۵۰

نکته: احتمال موفقیت معاملات انجام شده بر اساس خطوط روند بلندمدت و میان مدت، بسیار بیشتر است و این به معنای سود بزرگ در زمانی است که حرکت بازار به نفع شما است.

در اینجا برخی نکات مهم ذکر شده است:

۱. معامله در چهارچوب های زمانی بسیار کوچک تر با استفاده از ستاپ هایی که در چهارچوب های زمانی کوچک تر اتفاق می افتد، گاهی اوقات بسیار استرس زا هستند؛ زیرا لازم است زمان بیشتری را صرف تماشای هر حرکت قیمت کنید و در این صورت تصویر کلی از چهارچوب های زمانی بزرگ تر ندارید که در هنگام تشکیل روندها اتفاق می افتد. حال آنکه چهارچوب های زمانی بزرگ تر از روندهای اندکی که ممکن است در چهارچوب های زمانی کوچک تر اتفاق بیفتد، مهم تر هستند.

۲. البته منظور من این نیست که معامله در چهارچوب های زمانی کوچک تر - ۱ دقیقه ای تا ۵ دقیقه ای - نمی تواند سودآور باشد.

۳. گاهی که برای ستاپ‌هایی در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته یا ۴ ساعته منتظر هستیم - ممکن است ساعت‌ها این اتفاق نیفتد- چهارچوب زمانی خود را به ۱ دقیقه‌ای و ۵ دقیقه‌ای تغییر می‌دهیم تا ببینیم که آیا ستاپ‌های مربوط به خط روند وجود دارد. آنگاه معاملات را در این چهارچوب‌های زمانی کوچک انجام می‌دهیم و در هر نقطه به‌راحتی ۱۰-۲۰ پیپ سود جمع می‌کنیم و درعین حال منتظریم که ستاپ‌های چهارچوب زمانی بزرگ‌تر اتفاق بیفتد.

۴. اگر می‌خواهید در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر معامله کنید، پس این تمرین خوبی است که از چهارچوب‌های زمانی ۱۵ یا حتی ۵ دقیقه‌ای به‌عنوان چهارچوب زمانی بزرگ‌تر برای رسم خطوط روند استفاده کنید و در چهارچوب‌های ۵ یا ۱ دقیقه‌ای وارد شوید.

۵. در بهترین حالت، شما باید روی جفت ارزهایی مانند EURUSD و GBPUSD تمرکز کنید که پراکندگی کمتری دارند.

۶. چهارچوب زمانی موردعلاقه من ۱ ساعته و ۴ ساعته است. من تمایل دارم که در صورت وجود حرکت خوب، معاملات خود را برای روزها و حتی هفته‌ها ادامه دهم.

۷. بهترین راه این است که برای دستیابی به معامله ستاپ‌هایی که در بازه‌های زمانی بزرگ‌تر اتفاق می‌افتند، چهارچوب زمانی خود را به چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر تغییر دهید. با این امر شما می‌توانید معاملات کمتر اما با احتمال سود بالاتر به دست آورید که پتانسیل کسب سود کلان دارند؛ زیرا این معاملات، مبتنی بر خطوط روند رسم‌شده از چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر هستند.

بهترین راه آنالیز نمودارها

بهترین راه آنالیز نمودارها، همان آنالیز MULTI-TIMEFRAME است.

نکته: منظور من آنالیز نمودار تنها رسم خطوط روند -از نمودارهای ماهانه تا ساعتی- است.

این کار در دو مرحله ساده انجام می‌شود:

۱. ابتدا با نمودار ماهانه شروع می‌کنم و به دنبال قله‌ها و دره‌های واضحی برای رسم خطوط روند می‌گردم و اگر بتوانم خطوط روند را رسم می‌کنم. اگر هیچ قله یا دره‌ای برای رسم خطوط روند وجود نداشته باشد، چهارچوب زمانی را تغییر می‌دهم و به سراغ نمودار هفتگی خواهم رفت.
۲. همین روش را ادامه می‌دهم و این روند را از نمودار هفتگی به نمودار ساعتی تکرار می‌کنم.

برای شفاف‌سازی بیشتر این موضوع، بهتر است برای هر یک از چهارچوب‌های زمانی مختلفی که خطوط روند را در آن رسم می‌کنید؛ از خطوط رنگی مختلف استفاده کنید.

برای نمونه نمودار EURUSD را آنالیز می‌کنیم. ابتدا با چهارچوب زمانی ماهانه شروع می‌کنم. با نگاهی به نمودار درمی‌یابم که می‌توانم ۲ خط روند، یکی صعودی و یکی نزولی رسم کنم. اجازه دهید برای این مثال از خط روند زرد استفاده کنم.



نمودار: ۵۱

در این نمودار آنچه فوراً توجه را جلب می‌کند، آن است که قیمت در نمودار ماهانه به روند نزولی بسیار نزدیک است.

حالا به نمودار هفتگی می‌پردازیم. در نمودار هفتگی می‌توان ۲ خط روند صعودی رسم کرد. من آن‌ها را آبی رنگ می‌کنم. آیا متوجه شدید که اگر یک خط روند از چهارچوب زمانی ماهانه نکشیده باشم، حتی می‌توانم یک خط روند نزولی در نمودار هفتگی رسم کنم؟ باین‌حال، این کار قبلاً در نمودار ماهانه انجام شده است؛ بنابراین خط روند ماهانه باید همان‌طور که هست باقی بماند.



نمودار: ۵۲

حال برای نمودار چهارچوب زمانی هفتگی بالا من به توضیح می‌توانم ببینم که اکنون قیمت بسیار نزدیک به خط روند زرد نزولی رسم شده از نمودار ماهانه است؛ بنابراین می‌دانم که در چند روز آینده قیمت احتمالاً به این خط روند می‌رسد و من در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته یا ۴ ساعته (حتی ۵ دقیقه‌ای، ۱۵ دقیقه‌ای یا ۳۰ دقیقه‌ای) منتظر خواهم ماند تا در یک ستاپ معامله وارد شوم که قادر به ارائه صدها تا هزاران پیپ است.

چهارچوب زمانی بعدی چهارچوب روزانه است. در چهارچوب روزانه می‌توان ۲ خط روند، یکی صعودی و یکی نزولی رسم کرد. من رنگ آن‌ها را سفید می‌گذارم. توجه کنید که خط روند نزولی زرد رنگ که از چهارچوب زمانی ماهانه رسم شده است، به خط سفید بسیار نزدیک است.



نمودار: ۵۳

مورد بعدی چهارچوب زمانی ۴ ساعته است. در این چهارچوب زمانی می‌توان ۳ خط روند، ۲ تا صعودی و یکی نزولی رسم کرد. این خطوط با رنگ صورتی مشخص شده‌اند.



نمودار: ۵۴

توجه کنید که در نمودار ۴ ساعته فوق ممکن است یک ستاپ معامله فروش رخ دهد؛ زیرا قیمت در حال حاضر با خط روند نزولی صورتی رنگ برخورد کرده است. من تا نمودار ۱ ساعته پایین می‌روم تا ببینم در آنجا چه اتفاقی می‌افتد.

در نمودار ۱ ساعته می‌توانیم ۲ خط روند رسم کنیم که هر دو صعودی هستند. من آن‌ها را قرمز می‌کنم. می‌توانیم یک خط روند نزولی نیز رسم کنیم، اما این در چهارچوب زمانی ۴ ساعته انجام شده است؛ بنابراین بهترین کار این است که آن را رها کنیم.



نمودار: ۵۵

حالا ممکن است یک ستاپ فروش رخ دهد. من می‌توانم ببینم که کندل استیک قبلی خط روند نزولی را قطع کرده اما نتوانسته است در بالای خط روند نزولی بسته شود و این موضوع نشان می‌دهد که این خط روند نزولی ممکن است ثابت بماند و قیمت سقوط کند. به‌هرحال:

۱. من منتظر خواهم ماند تا ببینم آیا شمع (کندل) فعلی در بالا یا زیر این خط روند بسته خواهد شد؟

۲. می‌خواهم ببینم آیا این شمع در حال تشکیل، یک الگوی کندل استیک برگشتی خواهد بود؟

اگر قیمت در زیر خط روند بسته شود و یک کندل استیک برگشتی باشد، من سفارش فروش خود را قرار خواهم داد.

درعین حال می‌دانم که تمایل کلی این بازار هنوز صعودی است (روند اصلی = صعودی). پس حتی اگر در این ستاپ وارد پوزیشن فروش شوم، باید این موضوع را در ذهن خود نگه دارم. شما به‌عنوان یک معامله‌گر باید به این موارد توجه کنید.

وقتی آنالیز نمودار را انجام دهم، می‌توانید نتیجه کار را ببینید و بفهمید دنبال چه چیزی هستم.

نتیجه آنالیز نمودار:

۱. من رسم خطوط روند را از چهارچوب‌های زمانی ماهانه تا یک ساعته از گذشته تا کنون انجام می‌دهم.
۲. به محل، دوری یا نزدیکی قیمت مربوط به آن دسته از خطوط روندی که رسم کرده‌ام، توجه می‌کنم؛ زیرا هرچه قیمت به یک خط روند نزدیک‌تر باشد، ممکن است یک ستاپ معامله اتفاق بیفتد.
۳. اگر در معامله سودآوری باشم، خطوط روند متضاد را شناسایی می‌کنم، با این کار با حرکت دادن توقف ضرر معامله مؤثرتری انجام می‌دهم یا به جای سردرگمی سودی جزئی از آن کسب می‌کنم.
۴. اگر به معامله‌ای مشغول یا در فکر ورود به آن هستم، ابتدا سطوح حمایت و مقاومت افقی قابل‌توجه در نمودارها شناسایی می‌کنم. این سطوح همچنین نقاط عطف بازگشت بازار را فراهم می‌کنند، بنابراین آن‌ها را نادیده نگیرید بلکه با آن‌ها کار کنید.
۵. به خاطر داشته باشید که در چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر، فرصت‌های معاملاتی خوبی فراهم می‌شود که در چهارچوب‌های زمانی دیگر کمتر اتفاق می‌افتند؛ بنابراین لازم است از آنچه در چهارچوب زمانی بزرگ‌تر اتفاق می‌افتد، آگاهی داشته باشید؛ سپس ورود به چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر، برای ورودی‌های معامله و مدیریت معامله، بخشی از استراتژی معامله‌گران برای پیروزی مداوم است.

نکته: نیازی نیست که خطوط روند را هر روز در همان نمودار رسم کنید. اگر یک خط روند قطع و نامعتبر شود، شما تنها همان خط روند را حذف می‌کنید و بقیه را در نمودار خود نگه می‌دارید. معمولاً خطوط روند بلندمدت و میان‌مدت به مدت طولانی در نمودار باقی می‌مانند تا زمانی که شکسته شوند.

پرسش: بهتر است چند جفت ارز را آنالیز کنیم؟

پاسخ: من همه آن‌ها را آنالیز می‌کنم، البته این بدان معنا نیست که من از هر ستاپ در دسترس استفاده می‌کنم.

نمودار زیر (نمودار ۵۶) نمونه‌ای است از آنچه در هنگام تمرکز بر چهارچوب زمانی و بدون در نظر گرفتن چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر اتفاق می‌افتد.



نمودار: ۵۶

نمودار (۵۷) زیر دلیل برگشت قیمت از محلی که شما متعجب شدید را نمایش می دهد.



نمودار: ۵۷

امیدوارم متوجه شده باشید که این رویکرد^۶ چقدر اهمیت دارد. اکنون به جای عصبانیت از خودتان که تنها به یک چهارچوب زمانی خاص چسبیده‌اید، بهتر است یاد بگیرید که چیزها^۷ را در چهارچوب‌های زمانی متعدد ببینید.

^۶ تحلیل چند زمانه

^۷ شامل: خطوط حمایت و مقاومت، خطوط روند مورب و ستاپهای معاملاتی

نکته: چیزها را از چشم‌انداز بزرگ‌تری ببینید تا اتفاقات را درک کنید. ابتدا تصویر بزرگ را بفهمید.

قوانین چهارچوب‌های زمانی ورود به معامله

من اغلب از چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته و ۴ ساعته برای ورود استفاده می‌کنم؛ زیرا مایلیم که با جابه‌جایی بین این دو چهارچوب زمانی، به دنبال الگوهای کندل استیک برگشتی با احتمال بالا به‌عنوان تأیید برای ورود به یک معامله باشم (دراین‌باره بعداً با جزئیات بیشتر بحث خواهیم کرد). من همچنین به کوچک‌ترین چهارچوب زمانی ممکن مانند ۵ دقیقه‌ای تا ۳۰ دقیقه‌ای می‌روم تا بر اساس خطوط روند رسم‌شده از چهارچوب‌های زمانی یک ساعته تا ماهانه وارد معامله شوم.

سؤال: چرا ورودی‌های چهارچوب زمانی کوچک‌تر مهم هستند؟

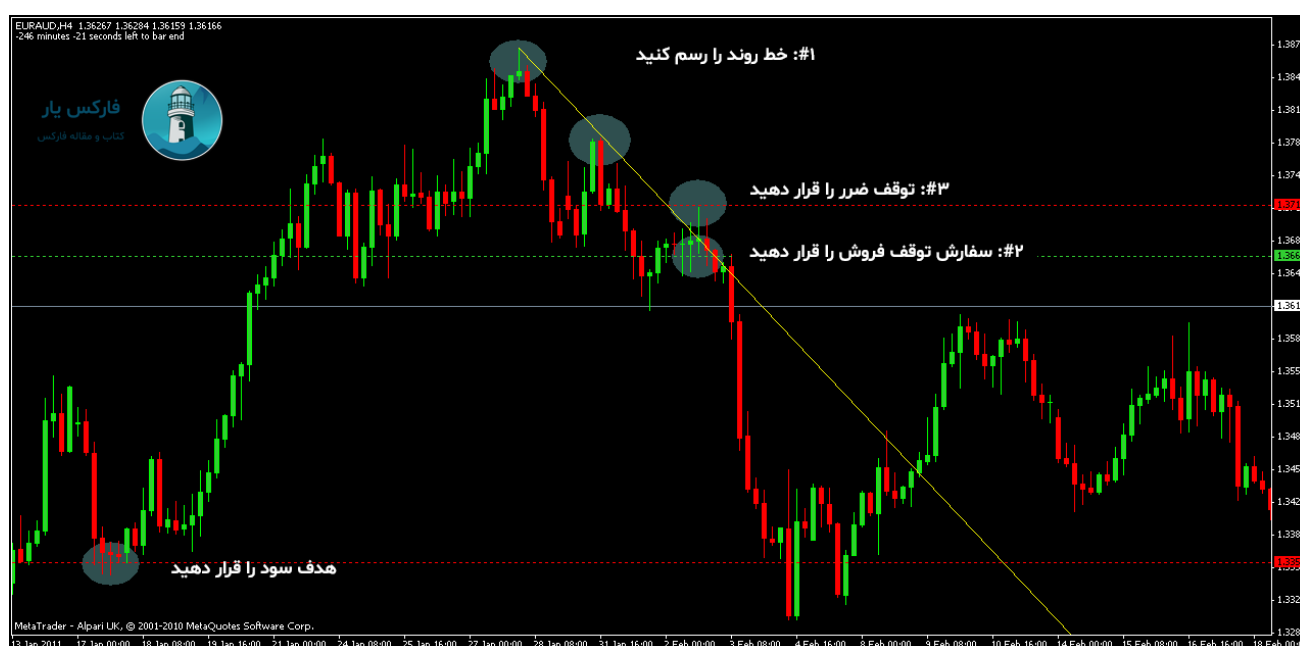
پاسخ: به سه دلیل:

۱. این کار موجب می‌شود که شروع زودتری داشته باشم و اگر بازار به نفع من حرکت کند، نسبت به زمانی که یک معامله را بر اساس چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته یا ۴ ساعته انجام دادم، سود بیشتری کسب کنم.
۲. ورودی‌هایی با چهارچوب زمانی کوچک‌تر ریسک معامله را به حداقل می‌رسانند. ورود به معاملات در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر به معامله‌گر کمک می‌کند تا اندازهٔ حد ضرر کوچک‌تری داشته باشد.
۳. اگر توقف ضرر من کوچک باشد، می‌توانم مقدار لات خود را افزایش دهم و درعین‌حال همچنان همان سطح درصد ریسک را برای تمام معاملات حساب خود حفظ کنم. همهٔ این‌ها دربارهٔ اندازهٔ پوزیشن و مدیریت ریسک است، برای مثال اگر من در چهارچوب زمانی ۱ ساعته معامله کنم، توقف ضرر من می‌تواند ۲۰ پیپ (۲۰۰ دلار ریسک برای ۱ لات استاندارد) باشد و من فقط می‌توانم ۱ لات معامله کنم اما اگر سریعاً وارد چهارچوب زمانی ۵ دقیقه‌ای شوم، توقف ضرر من می‌تواند ۱۰ پیپ باشد. این امر به من این امکان را می‌دهد تا با ۲ لات معامله کنم و همچنان ریسک ۲۰۰ دلار را حفظ کنم. به خاطر داشته باشید وقتی معامله به نفع شما است، ادامه دهید تا از این طریق به پول زیادی برسید. این بهترین مثال برای استفاده از اهرم به نفع خودتان است!

انواع سفارش

من از سفارش‌های توقف فروش^۸ و توقف خرید^۹ استفاده می‌کنم. من همچنین از سفارش‌ها فوری بازار برای «تکنیک ورود تهاجمی» - به‌زودی توضیح داده می‌شود- استفاده می‌کنم.

قوانین ورود به فروش



نمودار: ۵۸

جزئیات قوانین ورود به فروش به شرح زیر است:

قانون ۱: یک خط روند رسم شده که حداقل دو سقف پایین‌تر از قبلی است و LH ها (قله‌ها) را به هم وصل می‌کند

قانون ۲: در بسته شدن شمع:

(الف) که بسیار نزدیک می‌شود یا

(ب) لمس می‌کند یا؛

(ج) خط روند را قطع می‌کند اما نباید خیلی بالاتر از آن بسته شود،

Sell stop^۸

Buy stop^۹

یک سفارش توقف فروش فقط چند پیپ (۲-۵ پیپ بسته به پراکندگی) زیر کف شمع قرار داده می‌شود.

قانون ۳: توقف ضرر را درست در بالای قله نزدیک به منطقه ورود معامله فروش قرار دهید. معمولاً محل قرارگیری توقف ضرر بالای نوک کندل استیکی است که دستور شرطی خود را قرار داده‌اید. شما می‌توانید توقف ضرر خود را ۵ پیپ بالاتر از سقف قرار دهید یا اگر فکر می‌کنید این فاصله خیلی نزدیک است، می‌توانید اندازه توقف ضرر را بسته به میزان تحمل ریسک، ۱۰-۱۵ پیپ افزایش دهید.

قانون ۴: هدف سود را در کف (دره) قابل توجه قبلی تنظیم کنید. اگر نتوانستید در چهارچوب زمانی ورودی خود چیزی پیدا کنید، چهارچوب‌های زمانی مختلف را امتحان کنید تا دره‌های مناسب برای قراردادن هدف سود را مشخص کنید.

نکته: اگر سفارش فعال نشده است، به تغییر مکان سفارش تا زیر کف شمع بعدی ادامه دهید. همان کفی که دارای یک کف بالاتر است و در زمان شکست قیمت تشکیل شده است. این گونه سفارش توقف فروش فعال می‌شود. اگر یک کندل استیک خیلی بالاتر از خط روند بسته می‌شود، سفارش را لغو کنید.



نمودار: ۵۹

جزئیات قوانین ورود به خرید به شرح زیر است...

قانون ۱: یک خط روند رسم شده است که حداقل دو کف بالاتر قبلی (یا دره ها) را به هم وصل می کند.

قانون ۲: در بسته شدن شمع:

(الف) که تقریباً لمس می کند

(ب) لمس می کند یا

(ج) خط روند را قطع می کند اما نباید خیلی پایین تر از آن بسته شود،

یک سفارش توقف خرید فقط چند پیپ (۲-۵ پیپ + پراکندگی) بالای نوک شمع قرار داده می شود.

قانون ۳: توقف ضرر را درست در زیر کف یا دره در منطقه ورود معامله قرار دهید. بیشتر اوقات، محل قرارگیری توقف

ضرر درست در زیر کف کندل استیکی است که سفارش توقف خرید دستور شرطی خود را قرار داده اید.

سوال: توقف ضرر شما باید چند پیپ زیر کف قرار داشته باشد؟

پاسخ: ۵ پیپ. اگر فکر می کنید این فاصله خیلی نزدیک است و نمی خواهید به این زودی متوقف شوید، می توانید آن را بسته به میزان تحمل ریسک، ۱۰-۱۵ پیپ افزایش دهید.

قانون ۴: هدف سود را در سقف بالاتر یا قله ای که در آن چهارچوب زمانی می توانید ببینید قرار دهید. اگر نمی توانید

یک قله مناسب ببینید، به یک چهارچوب زمانی بزرگتر بروید، در آنجا ممکن است چیزی پیدا کنید.

توجه: اگر سفارش فعال نشده است، به تغییر مکان سفارش توقف خرید تا چند پیپ بالاتر از سقف شمع بعدی ادامه دهید. همان سقفی که دارای یک سقف پایین تر است و در زمان برگشت قیمت تشکیل شده است. این کار را ادامه دهید تا سفارش فعال شود. اگر یک شمع خیلی پایین تر از خط روند بسته می شود، سفارش را لغو کنید. قوانین فوق همان «قوانین محافظه کارانه» یا «تکنیک ورود» هستند.

البته من با گذشت سال ها به روش جدیدی در این زمینه دست یافتم که پیشتر آن را درک نکرده بودم و هم اکنون این شیوه جدید برای من نسبت به قوانین ورودی محافظه کارانه بالا جذابیت بیشتری دارد. این قوانین جدید با نام «قوانین تکنیک ورود تهاجمی» توسعه یافته است.

قوانین تکنیک ورود تهاجمی

تکنیک ورود تهاجمی، بلافاصله بعد از برخورد یا نزدیکی به خط روند وارد سفارش‌های فوری بازار می‌شود. در این تکنیک توقف ضرر، ۱۰-۳۰ پیپ دورتر از ورودی و هدف سود قرار می‌گیرد. موقعیت‌های مکانی مانند قوانین فوق است.

نمونه‌ای از تکنیک ورود تهاجمی، این معامله بود که در ابتدای کتاب آن را دیدید (نمودار ۲) ... من این معامله را وقتی در چهارچوب زمانی ۵ دقیقه‌ای منتظر بودم، انجام دادم. توقف ضرر من فقط ۱۵ پیپ بود.



سؤال: چرا از تکنیک ورود تهاجمی استفاده کنیم؟

دلیل ۱: در این تکنیک شما قبل از گردش بازار وارد می‌شوید. شرط می‌بندید که قیمت به خط روند فقط نزدیک می‌شود یا آن را لمس می‌کند یا شاید فقط چند پیپ بالاتر یا پایین‌تر از آن قرار می‌گیرد، سپس تقریباً بلافاصله از آن دور می‌شود و همچنان به پیروی از خط روند ادامه می‌دهد.

دلیل ۲: کاهش میزان ریسک: این روش تقریباً مثل ورود به معامله در کوچک‌ترین چهارچوب زمانی، به‌گونه‌ای است که توقف ضرر بسیار ناچیز باشد. شما درواقع می‌توانید از یک چهارچوب زمانی کوچک‌تر -مانند یک چهارچوب زمانی ۱ دقیقه‌ای یا ۵ دقیقه‌ای- استفاده کنید و وقتی یک «جهش» در خط روند دیدید، سریعاً در بازار خرید و فروش کنید و در صورت تمایل، توقف ضرر خود را ۱۰ پیپ دورتر قرار دهید!

دلیل ۳: در این تکنیک می‌توانید قراردادهای بسیار بیشتری را معامله کنید؛ زیرا توقف ضررتان بسیار ناچیز خواهد بود؛ دقیقاً مانند ورود به چهارچوب زمانی کوچک‌تر. من بدون افزایش ریسک، از اهرم بهترین استفاده را می‌برم؛ بدین شکل که اگر ریسک من در هر معامله ۲٪ باشد، آنگاه می‌توانم اندازه لات خود را افزایش دهم و درعین حال ریسک من همچنان ۲٪ خواهد بود؛ زیرا من یک فاصله توقف ضرر کوچکی دارم.

دلیل ۴: بهتر است خیلی زود اشتباه کنید و کمتر ضرر کنید تا اینکه دیر اشتباه کنید و ضرر بزرگی را متحمل شوید. با معامله در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته یا ۴ ساعته اندازه توقف ضرر ممکن است ۲۰-۶۰ پیپ باشد اما با این حساب، اندازه توقف ضرر ممکن است فقط ۱۰-۲۰ پیپ باشد.



نمودار: ۶۰

مزایای این تکنیک:

- ۱) در صورت حفظ خط روند، بازار تمایل دارد که خیلی سریع از محل ورود شما دور شود. این امر شما قادر می‌سازد تا خیلی سریع در قلمرو مثبت (سود) قرار بگیرید؛ بنابراین سرعت عمل داشته باشید؛ زیرا قیمت منتظر شما نمی‌ماند.
 - ۲) حرکت سریع قیمت به شما کمک می‌کند تا توقف ضرر خود را سریعاً به نقطه سر به سر برسانید.
 - ۳) در این تکنیک ریسک کمتری می‌کنید. شما درواقع می‌توانید معاملات را با ۱۰-۲۰ پیپ توقف ضرر انجام دهید؛ اما اگر تمایل دارید که توقف زودهنگام داشته باشید، به دنبال توقف ضرر ۲۰-۳۰ پیپ باشید.
- توقف‌های من با این روش معمولاً ۱۰-۲۰ پیپ هستند و اگر از خط روند پیروی شود، طی چند دقیقه سودهای سریعی حاصل می‌شود.

نکته: اگر در حال معامله با جفت ارزها با اسپردهای بزرگ‌تر هستید، توقف ضرر ۲۰-۳۰ پیپ مناسب‌تر خواهد بود.

نکته مهم و جالب: اگر یک خط روند حفظ شود، به‌طورکلی قیمت از ۱-۲۰ پیپ تجاوز نخواهد کرد.

هر نموداری را که می‌خواهید، نگاه کنید و تحقیق ساده‌ای در این باره انجام دهید و نتایج خود را از این تحقیق ثبت کنید که خط روند چند پیپ قطع شده است. متوجه می‌شوید که خط روند فقط لمس شده، سپس قیمت مجدداً از آن پیروی کرده است. از نتیجه تعجب خواهید کرد.

این بدان معنی است که شما باید انتظار داشته باشید که قیمت پس از طی ۱ تا ۲۰ پیپ به عقب برگردد و از خط روند پیروی کند، همچنین خواهید دید که قیمت به خط روند نزدیک شده، فقط آن را لمس می‌کند و از آن پیروی می‌کند. گاهی اوقات قیمت به اندازه ۱-۵ پیپ به خط روند نزدیک می‌شود، بدون آنکه آن را لمس کند، سپس از آن پیروی می‌کند.

با دانستن این موضوع شما می‌توانید بلافاصله بعد از لمس یا نزدیکی به خط روند وارد بازار شوید و توقف ضرر خود را حداقل ۱۰ تا ۳۰ پیپ دورتر از قیمت ورودی بازار خود قرار دهید.

نکته: البته من در اینجا در مورد معامله در چهارچوب‌های زمانی ۱ تا ۴ ساعته صحبت می‌کنم؛ اما شما می‌توانید این کار را با چهارچوب‌های زمانی بسیار کوچک‌تر نیز تست کنید؛ زیرا در آن چهارچوب‌ها هم این موضوع صدق می‌کند.

بیاید این موضوع را در چند نمودار واقعی بررسی کنیم.



نمودار: ۶۱

در نزدیکی کندل استیک بالا، اگر شما با تکنیک ورود تهاجمی بلافاصله پس از لمس خط روند وارد شوید، می‌توانستید ۱۸ پیپ سود کسب کنید و توقف ضرر خود را به نقطه سربه‌سر ببرید، درحالی‌که اگر از چهارچوب زمانی ۴ ساعته با استفاده از تکنیک ورود محافظه‌کارانه برای معامله‌گری استفاده کنید، مدت زیادی طول می‌کشد تا توقف ضرر به نقطه سربه‌سر برسد.

در اینجا نمودار 1 USDJPY ساعته آورده شده است. تصور کنید که از تکنیک ورود تهاجمی به جای انتظار با یک دستور توقف فروش استفاده کرده‌اید.



نمودار: ۶۲

مورد زیر (نمودار ۶۳) فقط لمس کردن و بالا رفتن است. سود تقریباً سریع به دست می‌آید.



نمودار: ۶۳

نمودار ۶۴ کاملاً شلوغ است اما شما تصور کنید اگر از تکنیک ورود تهاجمی استفاده شود، نتیجه چه می‌شود. فلش‌های سفید نشان‌دهنده ورودی‌های احتمالی هستند.



نمودار: ۶۴

یکی دیگر از شرایط لمس و بالارفتن را در نمودار ۶۵ ببینید.



نمودار: ۶۵

در نمودار زیر، ۵ ستاپ خرید وجود دارد که به نتیجه مطلوبی رسیده‌اند و بیشترین میزان حرکت قیمت در زیر خط روند، فقط ۱۲ پیپ بوده است!



نمودار: ۶۶

سؤال: به نظر می‌رسد ارائه دو نوع ورودی -ورودی محافظه‌کارانه و ورودی تهاجمی- موضوع را پیچیده کرده است. توصیه شما واقعاً چیست؟ در حال حاضر خودتان از چه نوع ورودی استفاده می‌کنید؟

پاسخ: من نمی‌خواهم شما را گیج کنم بلکه تنها تجربیات خود را به شما منتقل می‌کنم. شما می‌توانید یک یا دو مورد از آن‌ها را به انتخاب خود دنبال کنید. توصیه من آن است که اگر معامله‌گر تازه‌کار هستید، به تکنیک محافظه‌کارانه بچسبید و بعد از اینکه اعتماد به نفس بیشتری کسب کردید، تکنیک ورود تهاجمی را امتحان کنید.

من الان از ترکیبی از هر دو ورودی استفاده می‌کنم.

سؤال: هنگام ورود به معامله بر اساس تکنیک ورود تهاجمی و توقف با یک ضرر دیرتر، در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته یا ۴ ساعته، چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ من یک الگوی کندل استیک معکوس خوب می‌بینم.

پاسخ: دوباره بر مبنای تکنیک ورود محافظه‌کارانه با استفاده از الگوی کندل استیک برگشتی به‌عنوان تأیید ورود خود وارد شوید.

فکر می‌کنید اگر از تکنیک ورود تهاجمی استفاده کنید، بزرگ‌ترین چالشی که با آن روبه‌رو خواهید شد، چه چیزی است؟ پاسخ شما این است:

نکته: «در صورتی که این یک شمع بزرگ قرمز است که قصد دارد خط روند صعودی را قطع کند و به سمت پایین برود ... نخرید! نخرید!» و اگر «این یک شمع بزرگ سبز است که قصد دارد خط روند نزولی را قطع کند و سپس بالا برود ... نفروشید! نفروشید!»

سؤال: بهترین مکان برای قراردادن توقف ضرر به‌گونه‌ای که زود زود متوقف نشوید، کجاست؟

پاسخ: من می‌دانم که وقتی سفارش شما با ضرر متوقف می‌شود، چقدر ناامیدکننده است. انگار بازار می‌داند که توقف ضرر شما در کجا قرار گرفته است و حدس بزنید وقتی شما متوقف می‌شوید، چه اتفاقی می‌افتد؟ متأسفانه بازار درست در جهتی که پیش‌بینی کرده‌اید، حرکت می‌کند. در این صورت بهترین مکان برای قراردادن توقف ضرر کجاست؟ من فقط یک جواب دارم:

نکته: توقف ضرر خود را پشت سطوح حمایت و مقاومت قرار دهید. توقف ضرر شما باید جایی قرار بگیرد که به بازار فضای نفس‌کشیدن بدهد. توقف خود را خیلی چسبیده و نزدیک قرار ندهید؛ زیرا در این صورت احتمالاً به‌طور مکرر متوقف خواهید شد.

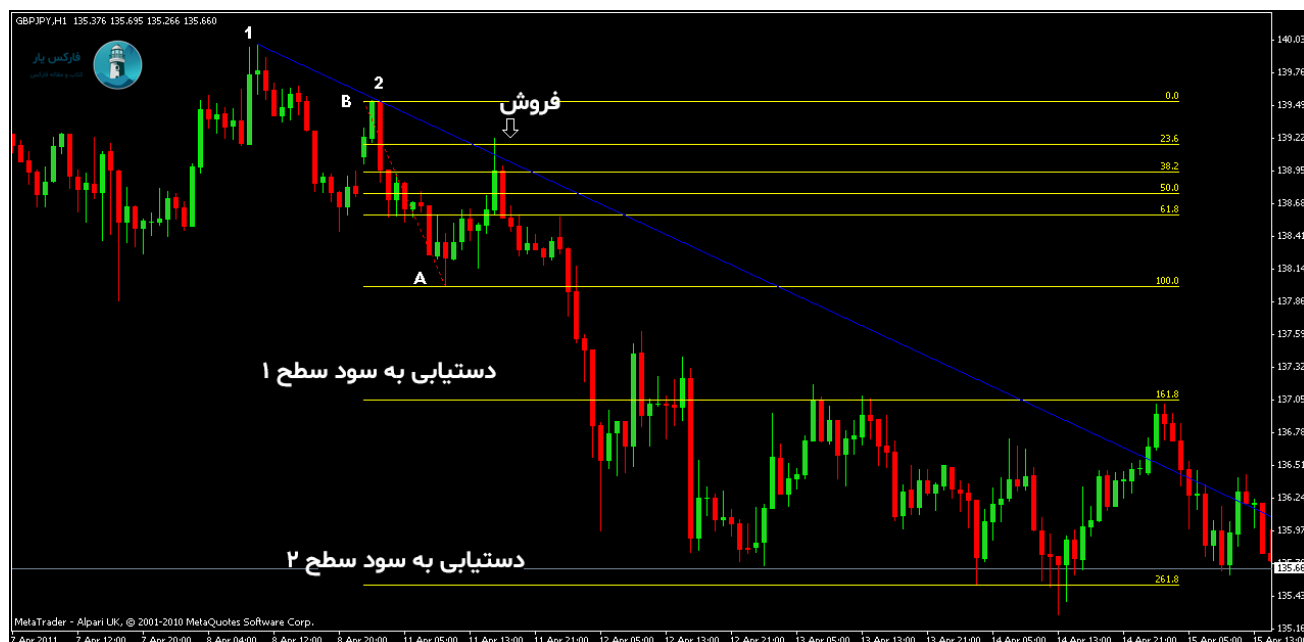
نسبت ریسک به سود

زمانی که می‌خواهید معامله‌ای انجام دهید، نسبت ریسک به سود شما چقدر باید باشد؟ صادقانه بگویم من واقعاً خیلی به نسبت ریسک/سود توجه نمی‌کنم؛ زیرا با این سیستم، شما همیشه نسبت R:R بالاتر از ۱:۳ خواهید داشت.

چنانچه ترجیح می‌دهید برای انجام معاملات سیستمی داشته باشید، این روش را به کار گیرید: اگر نسبت R:R برابر ۱:۳ یا بیشتر بود، یعنی اگر معامله‌ای پتانسیل سوددهی بیشتر از ۳ برابر ریسک داشت، وارد معامله شوید.

دستیابی به سود با گزینه دیگر

روش دیگر برای محاسبه اهداف یا سطوح سود، استفاده از ابزار فیبوناچی است. از سطوح ۱۶۱/۸ و ۲۶۱/۸ می‌توانید برای تعیین اهداف سود خود استفاده کنید.



نمودار: ۶۷

من به این نتیجه رسیدم که سطح ۱۶۱/۸ مؤثرتر است. باین‌حال اگر حرکت خوبی در بازار صورت بگیرد، خیلی راحت می‌توان به سطح ۲۶۱/۸ نیز رسید. نقاط A و B در نمودار ۶۶ برای تولید سطوح بازگشتی ارائه شده استفاده می‌شوند.

پنج اشتباه رایج در ورود به معاملات

من پنج اشتباه بزرگ از معامله‌گران دیده‌ام که می‌خواهم آن‌ها را در اینجا شرح دهم تا شما از آن‌ها اجتناب کنید.

اشتباه ۱: ورودهای نادرست در خطوط روند اشتباه رسم شده^{۱۰}

الف) ترسیم از طریق «انسداد قیمت»: ترسیم از طریق فتیله‌ها و بدنه کندل استیک‌ها و غیره برخی از معامله‌گران هنوز هم اشتباه می‌کنند و از این خطوط روند وارد می‌شوند. گاهی اوقات ممکن است خوش‌شانس باشید و از این معاملات به سود خوبی برسید، اما این کار قطعاً روش خوبی نیست.

باید تمرین کنید، به عقب برگردید و خطوط روند را در نمودارهای خود ترسیم کنید. ببینید قیمت در گذشته چگونه واکنش نشان داده است؛ و این را در بازار در حال حرکت فعلی تست کنید. این کار را در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر و بزرگ‌تر نیز انجام دهید. نحوه کارکرد آن را درک کنید و ببینید که قیمت چگونه به خطوط روندی که رسم کرده‌اید، واکنش نشان می‌دهد. فقط در این صورت می‌توانید پتانسیل استفاده از خطوط روند را درک کنید. اگر در تلاش برای رسم خطوط روند هستید، این مسئله برای شما بسیار مهم است.

برای معامله‌گران زیادی - به‌خصوص تازه‌کاران - پیدا کردن قله‌ها یا دره‌ها برای ترسیم خطوط روند کار بسیار دشواری است. فقط آرام باشید و قله‌های واضح را به هم وصل کنید و یک خط روند نزولی بکشید. دره‌های واضح را به هم وصل کنید و یک روند صعودی رسم کنید.

اشتباه ۲: قراردادن دستور شرطی در فاصله بسیار دور از نقاط ورودی خط روند

اگر از روش «محافظه‌کارانه» تری استفاده می‌کنید، دستور توقف شرطی خود را تا حد ممکن به خط روند نزدیک کنید. دو دلیل برای این کار وجود دارد:

الف: اجتناب از فاصله بزرگ توقف ضرر (به‌حداقل رساندن خطر)

ب: دستیابی سریع‌تر به سود در صورتی که بازار سریعاً به نفع فرد حرکت کند.

در نمودار زیر، یک کندل استیک خط روند را لمس می‌کند. شما یک دستور سل استاپ را زیر کف کندل استیکی قرار می‌دهید که خط روند را لمس می‌کند؛ اما فعال نمی‌شود زیرا کندل استیک بعدی، کفی را تشکیل می‌دهد که بالاتر از کف قبلی است؛ بنابراین آن دستور شرطی شما را فعال نمی‌کند.

چه باید کرد؟ تا زمانی که دستور شرطی‌تان فعال شود، دستور خود را تا زیر هر کف بالاتر حرکت دهید. مطمئن شوید که کندل‌هایی که کف‌های بالاتر را تشکیل می‌دهند، خیلی بالاتر از خط روند نزولی بسته نمی‌شوند.

^{۱۰} بیشتر در بخش "چهار اشتباه رایج در رسم خطوط روند" برخی از اشتباهات بیان شد.

برای ورودی‌های خرید دقیقاً برعکس عمل کنید. اگر دستور شرطی خود را خیلی دور نگه دارید - همان‌طور که نشان داده شده است - یک فاصله توقف ضرر بسیار بزرگ خواهید داشت.



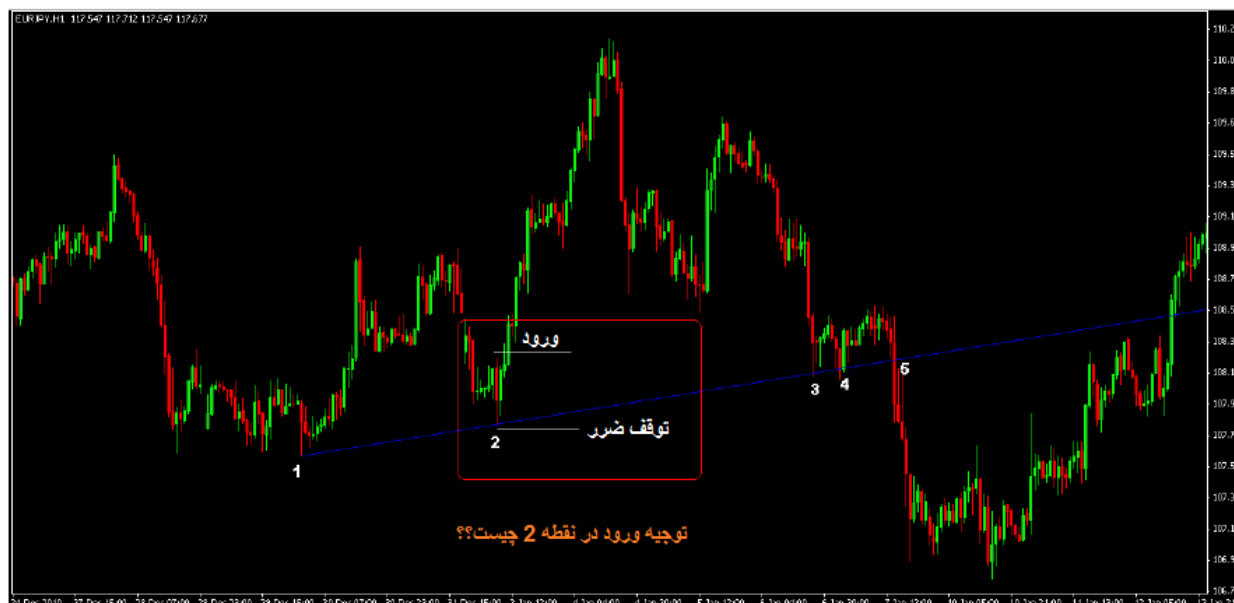
نمودار: ۶۸

گاهی کندل استیک خط روند را لمس نمی‌کند و کاملاً دور از آن است، با این حال برخی از معامله‌گران یک دستور شرطی قرار می‌دهند. از این کار اجتناب کنید. بسته شدن به معنی بسیار نزدیک شدن است و لمس کردن فقط به معنای لمس کردن است، این دو مفهوم با هم متفاوت‌اند.

اشتباه ۳: ورود در نقطه ۲

برخی از معامله‌گران مبتدی در نقطه ۲ وارد می‌شوند. این کار آن‌ها اصلاً منطقی نیست. شاید آن‌ها از سطوح فیبوناچی بازگشتی استفاده می‌کنند.

به یاد داشته باشید که برای ترسیم یک خط روند به نقاط ۱ و ۲ نیاز دارید. زمانی که قیمت‌ها این خط روند را مجدداً در نقاط ۳، ۴، ۵ و غیره لمس می‌کنند؛ این سیگنالی برای ورود شماس است؛ نه در نقطه ۲ و نه در هر نقطه دیگر بعد از آن. قیمت برای توجیه ورود حتی به آن نزدیک نمی‌شود و حتی آن را لمس نمی‌کند.

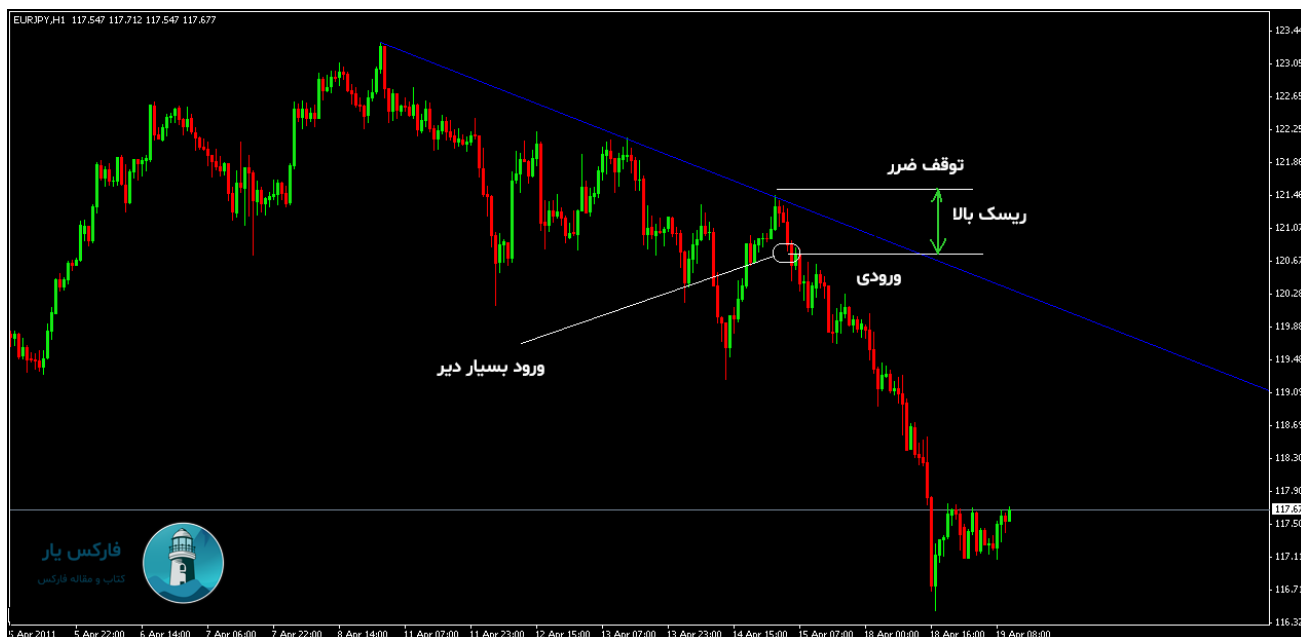


نمودار: ۶۹

اشتباه ۴: جهش با تاخیر

این کار قاتل شما خواهد شد. این یکی از بزرگترین اشتباهات معامله‌گران تازه‌کار و حتی معامله‌گران باتجربه است. قضیه این‌گونه پیش می‌رود که شما بازتاب خوبی را از یک خط روند و ستاپ رخ داده در چند ساعت پیش دریافت و فکر می‌کنید که ممکن است یک حرکت خوب را از دست بدهید؛ در نتیجه جهش بسیار پرریسکی انجام می‌دهید و قوانین استراتژی را کاملاً نقض می‌کنید. حال آنکه هیچ توجیهی برای ورود شما در آنجا وجود ندارد. در زمان جهش شما، بازار ممکن است به سرعت معکوس شود و آنگاه شما مجبور به توقف^{۱۱} می‌شوید!

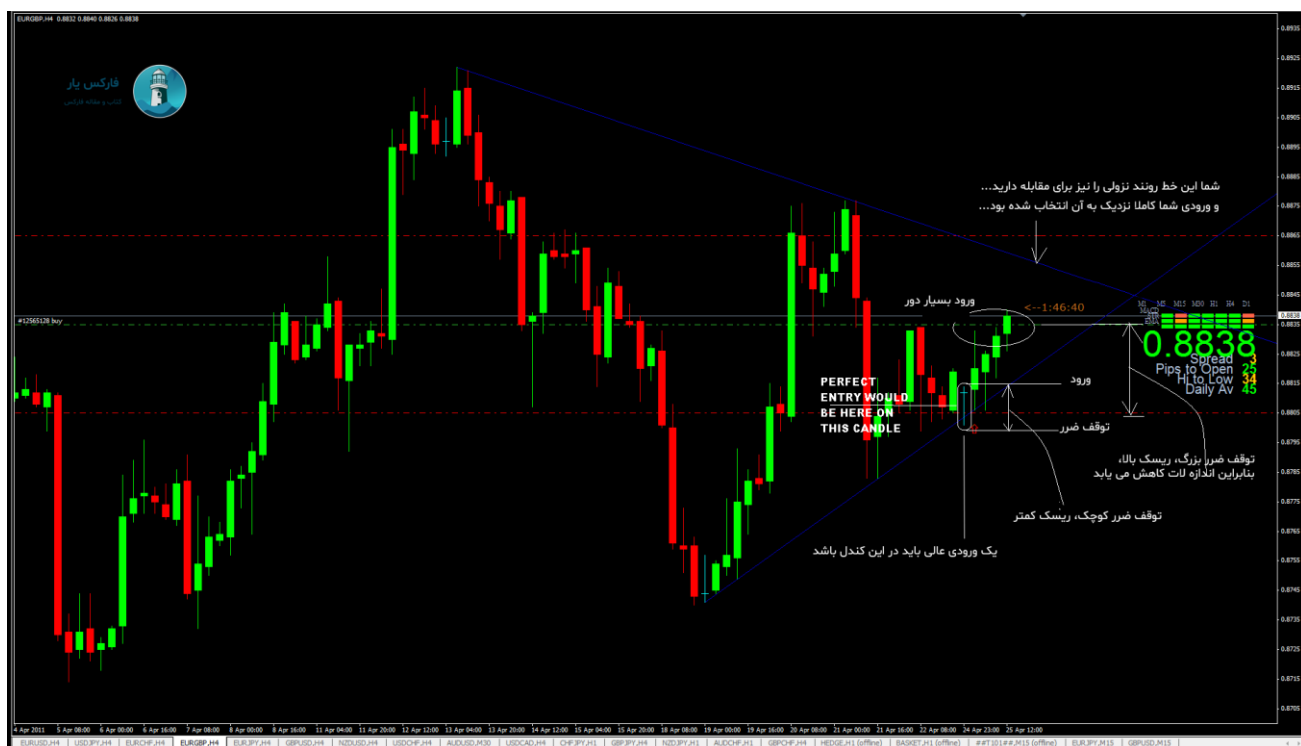
^{۱۱} خروج از معامله با ضرر



نمودار: ۷۰

بررسی یک نمودار

نمودار زیر (نمودار ۷۱) یکی از نمودارهای ارسال شده توسط یک معامله گر در بازار فارکس است. همان طور که می بینید چند موضوع مهم برای رسیدگی در معامله وی در ادامه نشان داده شده است.



نمودار: ۷۱

۱: اولین مشکل کاملاً واضح است: ورود دیر هنگام با فاصله توقف ضرر بسیار بزرگ.

۲: دومین مشکل این است که هنگام باز شدن سفارش، یک خط روند مخالف در آن نزدیکی وجود دارد که اتفاق خوبی نیست؛ زیرا فضای کافی برای حرکت قیمت وجود ندارد.

اگر می بینید که ساعت ها قبل یک ستاپ معامله خوب را از دست داده اید، معامله را دنبال نکنید. صبور باشید، ستاپ های دیگری نیز سر راه شما قرار خواهند گرفت.

اشتباه ۵: ورود کندل استیک بلند

مشکل اصلی تشکیل کندل استیک های بسیار بلند غیر معمول در مناطق ورودی خط روند این است که:

۱. نمی توانید تا نزدیکی خط روند وارد معامله شوید؛

۲. فاصله توقف ضرر بسیار بزرگ است.



نمودار: ۷۲

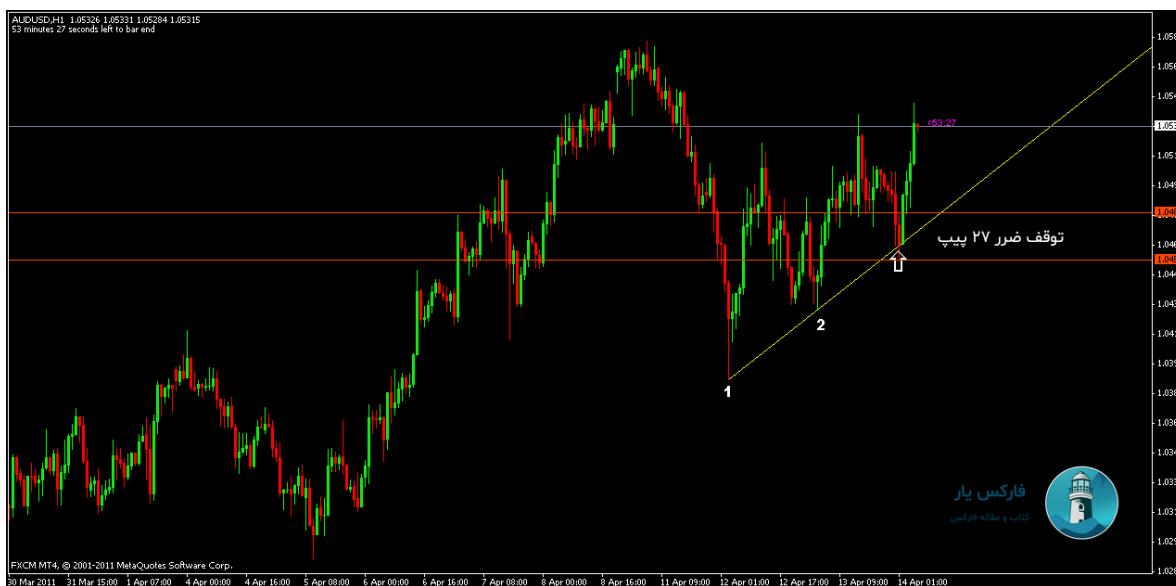
در این موقعیت اگر تصمیم دارید وارد شوید، می توانید یکی از این دو کار را انجام دهید:

۱. با معامله در اندازه لات کوچک تر بر اساس درصد ریسک خود در هر معامله ریسک خود را کاهش دهید؛

۲. یک چهارچوب زمانی بسیار کوچک تر اتخاذ کنید و توقف ضرر خود را دقیقاً بالای سطح مقاومت (اوج) قرار دهید که در آنجا پیدا می کنید (برای معامله فروش).

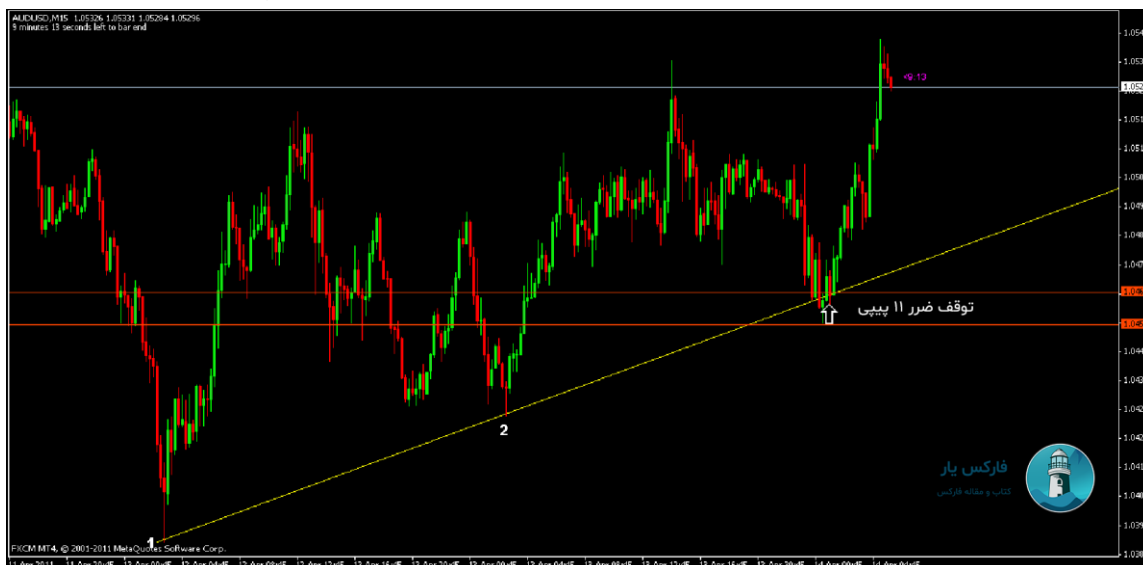
نکات بیشتری در مورد توقف ضرر

- توقف ضرر برای چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته و ۴ ساعته اغلب بسیار بزرگ است و می‌تواند از ۲۰ تا ۶۰ پیپ متغیر باشد؛ بنابراین محاسبه اندازه لات (برآورد موقعیت) بر مبنای درصد ریسک در هر معامله بر اساس قوانین مدیریت ریسک شما ضروری است.
- حتی‌الامکان ورودی‌های خود را در چهارچوب‌های زمانی بسیار کوچک‌تر - ۳۰ دقیقه‌ای، ۱۵ دقیقه‌ای، حتی ۵ دقیقه‌ای - زمان‌بندی کنید تا بتوانید زودتر با ریسک بسیار ناچیز وارد شوید. زمان‌بندی ورودی‌ها در یک چهارچوب زمانی بسیار کوچک‌تر، ریسک شما را بسیار کاهش می‌دهد. در انجام این کار فقط باید کمی باهوش باشید. شما با ستاپ‌های معاملاتی مبتنی بر چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر معامله نمی‌کنید بلکه بر اساس ستاپ‌های معاملاتی که در چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر اتفاق می‌افتند، در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر معامله می‌کنید. نکته همین‌جاست؛ به‌عنوان مثال اگر از نمودار AUDUSD یک ساعته زیر معامله کردید، توقف ضرر شما ۲۷ پیپ خواهد بود. این اندازه‌های توقف ضرر در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته و ۴ ساعته امکان‌پذیر هستند..



نمودار: ۷۳

- شما می‌توانستید صبر کنید تا در چهارچوب زمانی بسیار کوچک‌تر وارد معامله شوید. در این صورت -مانند نمودار زیر- در چهارچوب زمانی ۱۵ دقیقه‌ای منتظر مانده و با توقف ضرر فقط ۱۱ پیپ وارد معامله شده‌اید.



نمودار: ۷۴

درحالی‌که شخصی که با نمودار ۱ ساعته معامله کرده و تجارت او در حال حاضر انجام شده است؛ احتمالاً باید با غلبه بر اسپرد^{۱۲} تا حداقل برای به دست آوردن یک پیپ سود مقابله کند. شما اکنون حداقل ۱۶ پیپ سود از او جلوتر هستید.

با استفاده از این تکنیک ورود در چهارچوب زمانی کوچک به این نتایج دست می‌یابید:

۱. می‌توانید بلافاصله پس از لمس یک خط روند با یک سفارش بازار، با استفاده از تکنیک ورود تهاجمی، بخرید یا بفروشید.
 ۲. می‌توانید صبر کنید تا ابتدا یک «واکنش» قیمت را در خط روند ببینید سپس با یک سفارش بازار یا دستور شرطی وارد شوید.
- اجازه دهید روی نقطه ورود به معامله در AUDUSD 15 دقیقه‌ای بالا زوم کنیم. در این حالت شما می‌توانید ببینید که منظور من از «واکنش» چیست.

^{۱۲} Spread: کمسیون کارگزار برای معاملات



نمودار: ۷۵

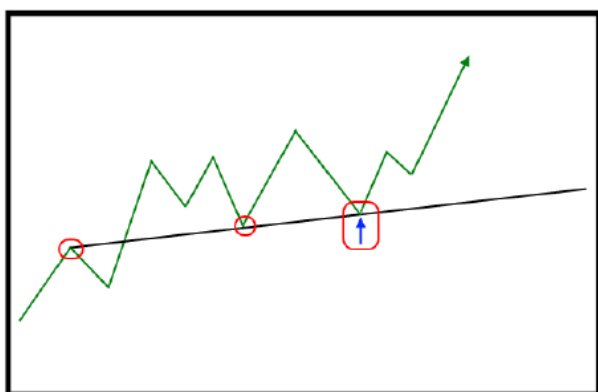
بر اساس نمودار ۷۶، منظور من از واکنش اساساً این است که شما درواقع به دنبال کندل استیک‌هایی هستید که به شما قیمت در حال صعود را نشان می‌دهند. به عبارت دقیق‌تر، شما به دنبال الگوهای کندل استیک برگشتی هستید. جزئیات این مطلب در ادامه این کتاب خواهد آمد.

چهار نوع تغییر ورودی خط روند

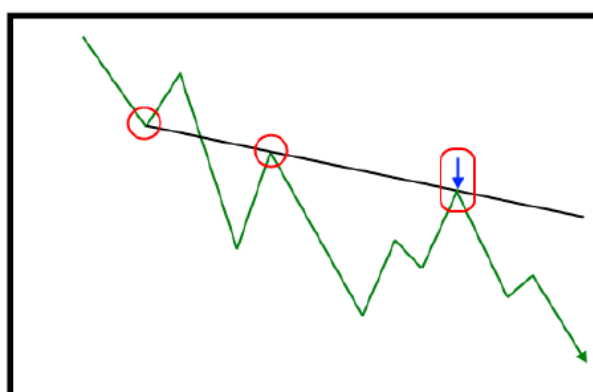
تا آنجا که به قوانین استراتژی معاملاتی خط در رابطه با ترسیم خطوط روند مربوط است، این ورودی‌های معاملاتی نمونه بارز اصلی نیستند؛ زیرا در این موارد:

۱. خطوط روند کاملاً قطع شده و نامعتبر می‌شوند.
 ۲. بازار برای مدتی کاملاً دور از خط روند قطع شده حرکت می‌کند اما بعداً برمی‌گردد و خط روندی را که قطع کرده بود، دنبال می‌کند.
- شاید این موارد همیشه اتفاق نیافتد، اما مطمئناً خطوط روند را درگیر می‌کنند؛ لذا باید آن‌ها را شناخت و مشخص کرد. این ستاپ‌ها اکثراً زمانی اتفاق می‌افتند که رسم یک خط روند «نرمال» و ورود به یک معامله بر اساس خط روند غیرممکن باشد. به نمودارهای زیر نگاه کنید تا منظور مرا بهتر متوجه شوید.

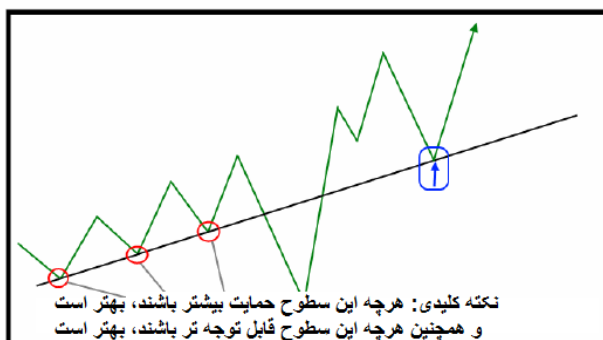
نوع #1: ستاپ خرید



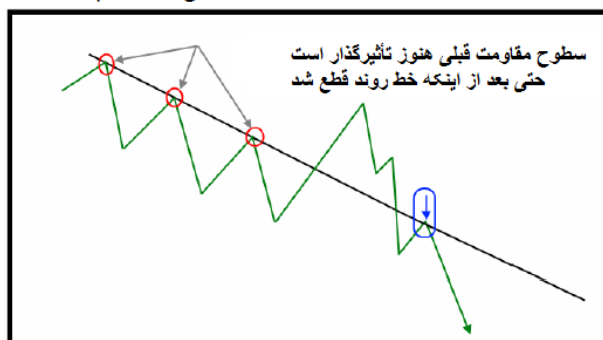
نوع #2: ستاپ فروش



نوع #3: ستاپ خرید



نوع #4: ستاپ فروش



شکل: ۴

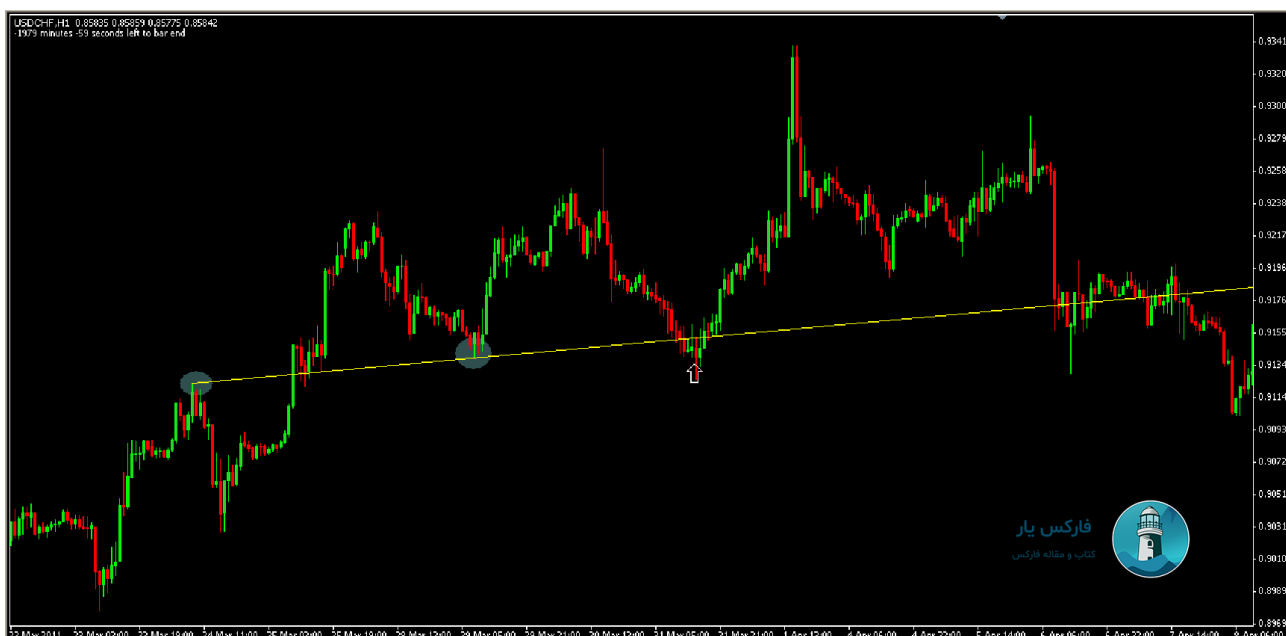
توجه داشته باشید که تغییرات ۱ و ۲ مخالف هم هستند. برای تغییرات ۳ و ۴ نیز قضیه به همین ترتیب است. آیا متوجه شده‌اید که ترسیم یک خط روند «نرمال» غیرممکن است، آیا با اعمال این تغییرات می‌توانستید وارد یک معامله شوید؟

بنابراین وقتی در حال آنالیز نمودارهای خود هستید این موارد را در ذهن خود نگه دارید. بگذارید چند نمونه نمودار واقعی از تغییرات بالا را در ورودی خط روند به شما نشان دهم

تغییرات در ورودی خط روند

تغییر ۱: ستاپ خرید و ورود

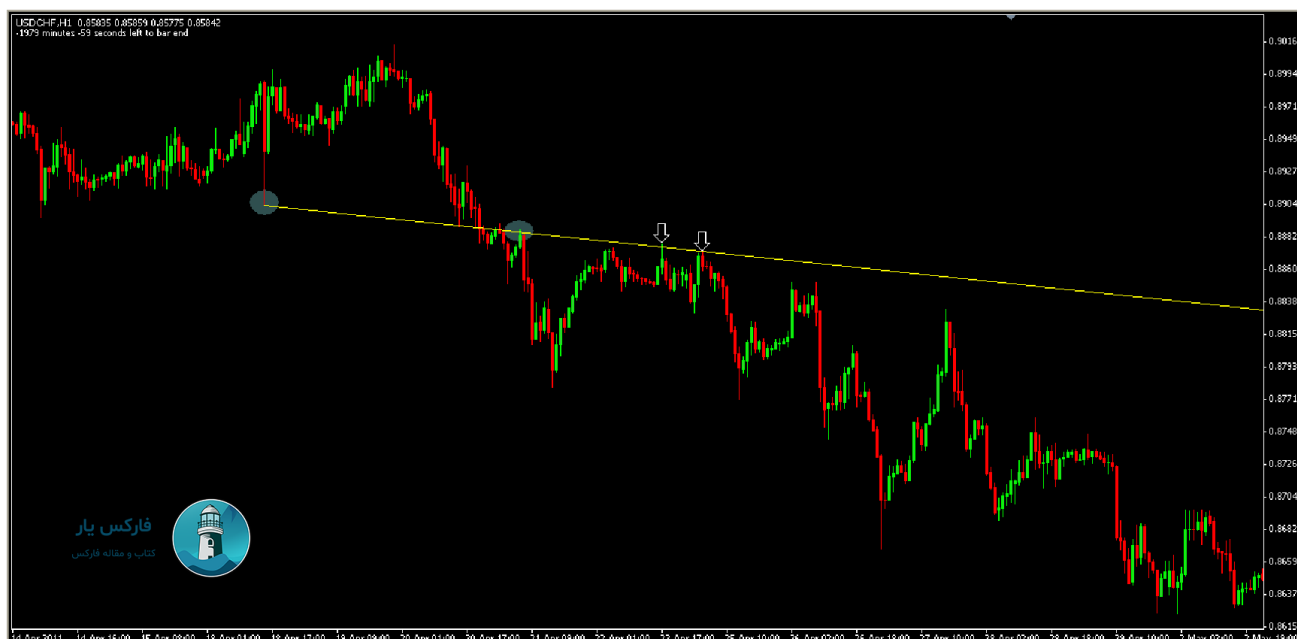
گرچه ترسیم یک خط روند نرمال صعودی مناسب غیرممکن بود اما با این ستاپ می‌توانستید در زمان مناسب وارد معامله خرید شوید.



نمودار: ۷۶

تغییر ۲: ستاپ فروش و ورودی‌ها

همواره فرصت‌های معاملاتی متعددی ایجاد می‌شود. ترسیم خط روند نزولی نرمال برای دستیابی به این ستاپ‌های فروش غیرممکن است، اما با این تغییر می‌بینید که به راحتی می‌توانید به سود برسید.



نمودار: ۷۷

تغییر ۳: ستاپ خرید و ورود

خط روند قطع شده است؛ اما بعداً دنبال می شود.



نمودار: ۷۸

تغییر ۴: ستاپ فروش و ورود



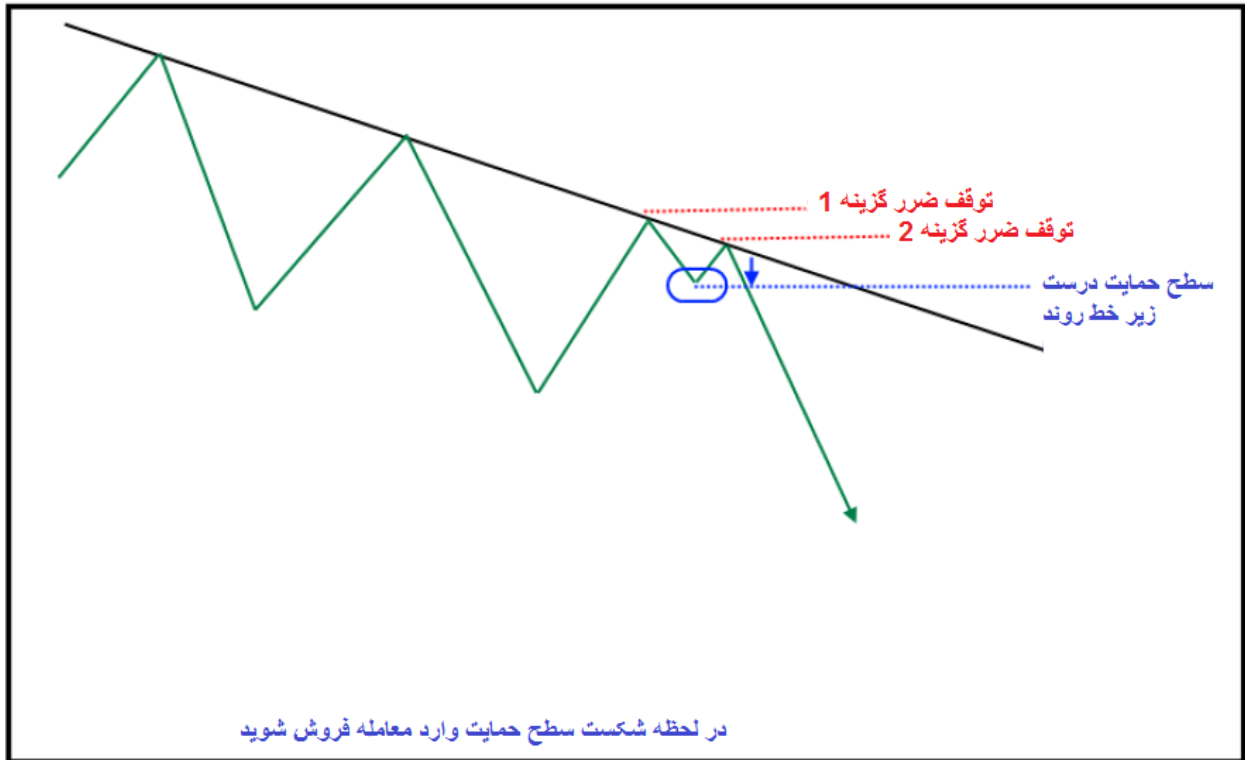
نمودار: ۷۹

از نظر من تغییرات یادشده بسیار مفید هستند؛ زیرا اغلب وقتی اتفاق می‌افتند که ترسیم یک خط روند «نرمال» برای ورودی‌ها غیرممکن باشد؛ بنابراین آن‌ها را در ذهن خود نگه دارید. این چیزی است که شما باید تمام‌وقت مراقب آن باشید.

معامله بریک‌اوت‌های سطوح حمایت و مقاومت نزدیک خطوط روند

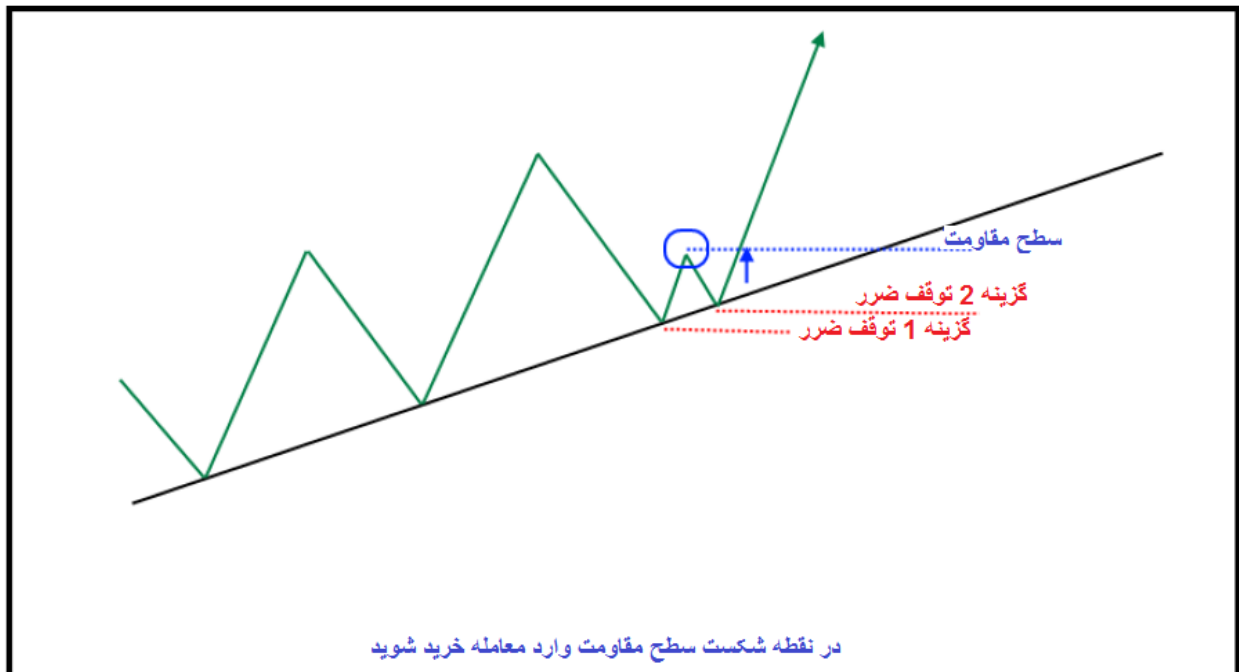
این نیز یکی از تکنیک‌های موردعلاقه من و یکی دیگر از تغییرات استراتژی معاملاتی خط روند است که بسیار مؤثر است. این تکنیک بر اساس معامله بریک‌اوت سطوح حمایت و مقاومت نزدیک خطوط روند است. لطفاً به کلمه‌ای که بولد و زیر آن خط کشیده شده است، توجه کنید؛ زیرا این کلمه کلید اصلی تکنیک ماست. نمودارهای زیر این ستاپ‌های معاملاتی را توضیح می‌دهند.

نمودار ۸۰ یک ستاپ فروش است. به موقعیت سطح حمایت خط روند توجه کنید. سطح حمایت باید تا حد امکان نزدیک خط روند باشد.

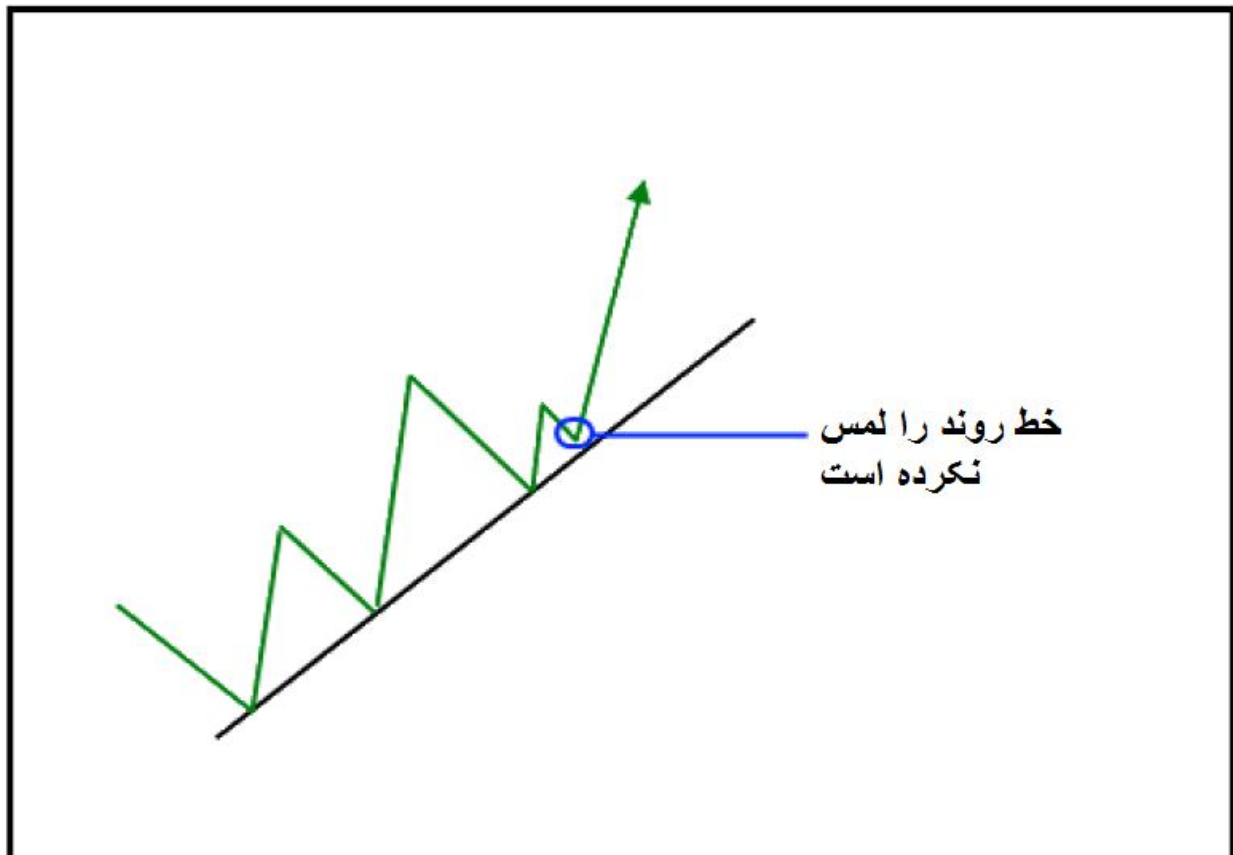


نمودار: ۸۰

نمودار ۸۱ نیز یک ستاپ خرید است. مجدداً توجه داشته باشید که سطح مقاومت بسیار به خط روند نزدیک است.



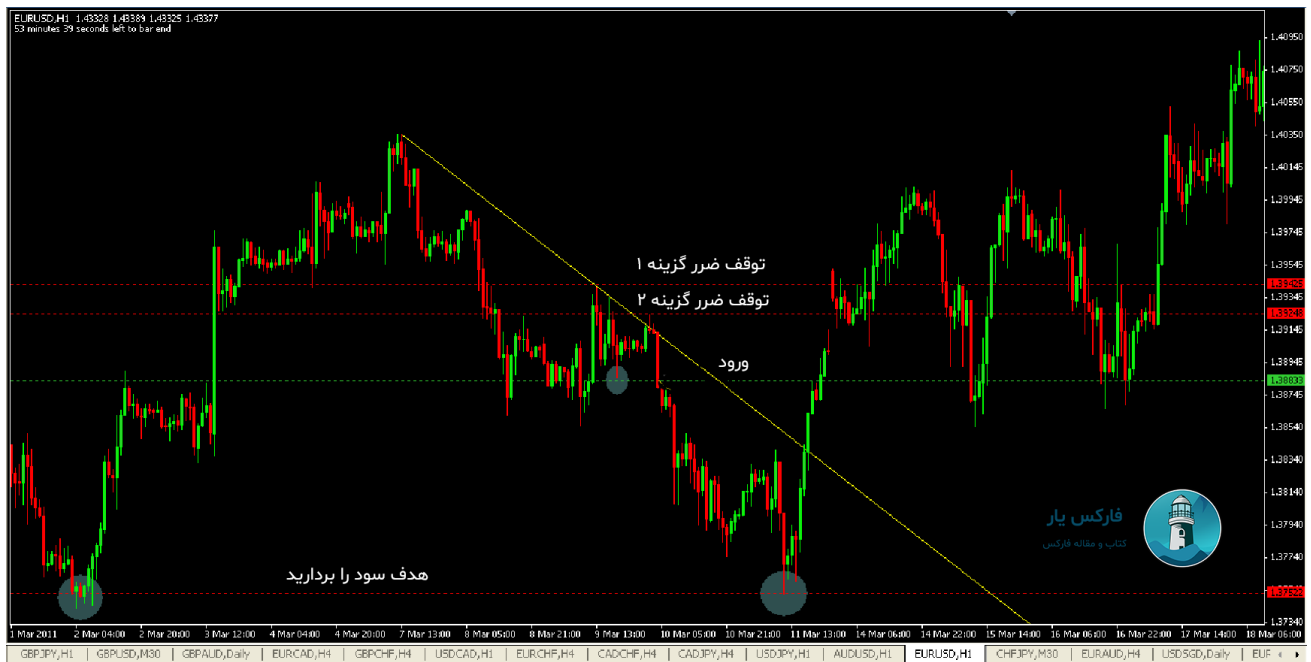
نمودار: ۸۱



نمودار: ۸۲

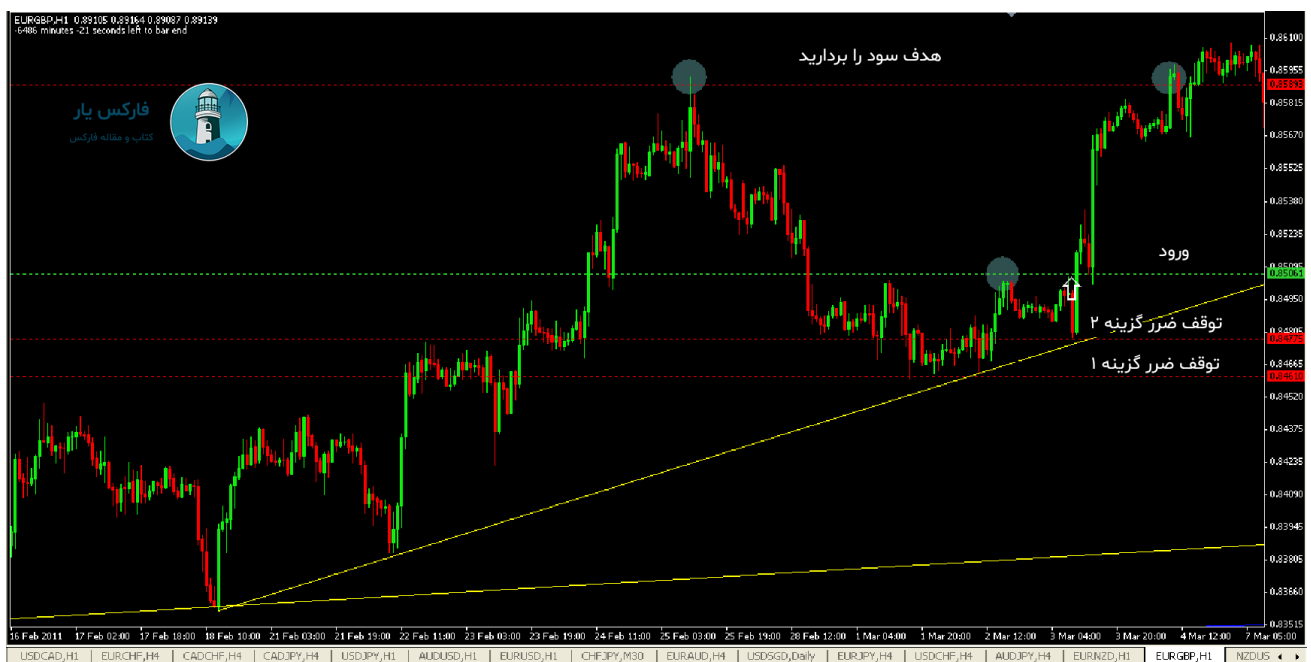
حال به گزینه‌های توقف ضرر بپردازیم:

- اولین گزینه توقف ضرر معمولاً دورترین فاصله از نقطه ورودی است و اگر نمی‌خواهید خیلی زود متوقف شوید، اغلب بهترین مکان برای قراردادن توقف ضرر است.
 - دومین گزینه برای قراردادن توقف ضرر، کاملاً نزدیک سطح ورودی است.
- در نمودار ۸۳ من از توقف ضرر دومین گزینه استفاده می‌کنم؛ زیرا می‌بینم که ورودی خیلی نزدیک نیست و این گزینه مسافت ایمنی دارد. خط سبز سطح قیمت ورودی را نشان می‌دهد.



نمودار: ۸۳

در نمودار ۸۴ ورودی خرید در بیک اوت سطح مقاومت نزدیک یک خط روند صعودی قرار دارد.

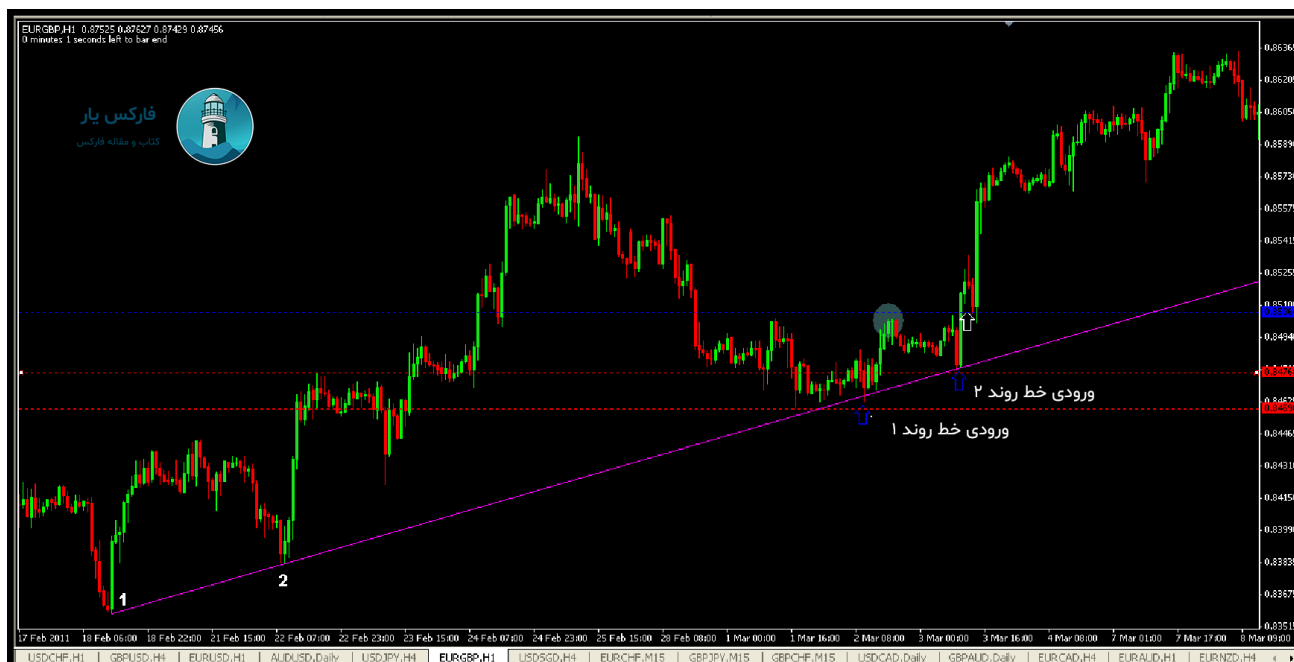


نمودار: ۸۴

سؤال: در نمودار ۸۵ توقف ضرر خود را کجا قرار می‌دهید؟

پاسخ: توقف ضرر گزینه ۲. این نقطه فاصله خوب و ایمنی از سطح ورودی است. گزینه توقف ضرر ۱ خیلی دور است و نسبت ریسک پاداش خوبی ارائه نمی‌دهد.

سؤال: چرا معامله در بریک‌اوت سطوح حمایت و مقاومت نزدیک خطوط روند آن قدر مهم است؟ قبل از اینکه دلیل آن را به شما بگویم، ابتدا به نمودار زیر دقت کنید. این همان نمودار بالا است.



نمودار: ۸۵

پاسخ: چه اتفاقی می‌افتد اگر هنگام وقوع ورودی خط روند ۱ و ۲ در آن اطراف نباشید؟ چه می‌شود اگر کامپیوتر خود را روشن کنید و با نگاهی به نمودارهای خود متوجه شوید که ورودی خط روند ۱ را از دست داده‌اید و به‌زودی ورودی خط روند ۲ را نیز از دست خواهید داد؟

اگر شما نمی‌دانستید که چگونه معامله بریک‌اوت سطح مقاومت را انجام دهید، حرکت صعودی خیلی خوبی را از دست می‌دادید؛ زیرا نمی‌توانستید متوجه شوید که سطح مقاومتی درست در بالای ورودی خط روند ۲ وجود دارد که می‌توانید سفارش خرید/فروش خود را در آنجا قرار دهید و منتظر بمانید که یک بریک‌اوت اتفاق بیفتد.

نکته مهم دیگر در مورد این ستاپ‌ها

- ممکن است وقتی در حال پیگیری نمودار ۱ یا ۴ ساعته‌ای برای یک ستاپ معاملاتی هستید، آن دسته از سطوح حمایت یا مقاومت را نبینید که در چهارچوب‌های زمانی بسیار کوچک‌تر -مانند ۳۰ دقیقه‌ای تا ۵ دقیقه‌ای- ظاهر می‌شوند.
- چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر این سطوح حمایت و مقاومت را پوشش می‌دهند. من در اینجا برای وضوح مطلب مثالی می‌آورم؛ نمودار زیر نمودار ۱ ساعته‌ای است که در آن هیچ سطح حمایت آشکاری دیده نمی‌شود. نقطه ورودی خط روند با فلش نشان داده شده است.



نمودار: ۸۶

نمودار زیر (نمودار ۸۷) همان نمودار بالا در چهارچوب زمانی ۱۵ دقیقه‌ای است. به ناحیه آبی رنگ توجه کنید. در این ناحیه سطح حمایتی دقیقاً زیر خط روند تشکیل شده است. زمانی که قیمت سقوط کرد و سطح حمایت را شکست، آنچه دنبال می‌شود، یک حرکت نزولی مداوم است.



نمودار: ۸۷

اگر ستاپ‌های معاملاتی را پیگیری می‌کنید که در نمودارهای ۱ یا ۴ ساعته اتفاق می‌افتند؛ بد نیست که به کوچک‌ترین چهارچوب‌های زمانی نیز توجه کنید و به آنالیز چند بازه‌ای بپردازید. این موارد نکات ساده اما در عین حال بسیار کارآمد هستند.

مدیریت معامله

برای مدیریت مؤثر یک معامله سودآور، قبل از هر چیز باید از آنچه در مقابل شماست یا آنچه می‌تواند در مقابلتان باشد، آگاه باشید. بسته به اینکه در کدام طرف معامله قرار دارید، موارد زیر می‌توانند به ضرر شما باشند:

- سطوح حمایت و مقاومت افقی؛
 - سطح مقاومت شکسته‌شده (سطح حمایت می‌شود)؛
 - سطح حمایت شکسته‌شده (سطح مقاومت می‌شود)؛
 - خطوط روند مخالف؛
 - اخبار.
- مثلاً اگر در حال معامله در طرف خرید هستید، می‌خواهید ببینید که:

- آیا سطوح مقاومت شکسته می‌شود؛
- آیا خطوط روند نزولی مخالف شکسته می‌شوند؛
- آیا سطوح مقاومت شکسته‌شده به سطوح حمایت تبدیل می‌شوند و به افزایش قیمت ادامه می‌دهند؛
- همچنین می‌خواهید اخباری داشته باشید که به نفع شما باشند.

متأسفانه همیشه اوضاع آنجور که انتظار داریم پیش نمی‌رود؛ بنابراین ضروری است که وقتی با این شرایط روبه‌رو می‌شوید، یاد بگیرید که از سود قبلی خود محافظت کنید؛ زیرا بازار ممکن است به‌طور قابل‌توجهی از این سطوح برگردد. پس اخبار را فراموش نکنید. اگر این کار را انجام ندهید، ممکن است متحمل ضرر شوید یا با سود بسیار ناچیز یا حتی معامله‌ای سربه‌سر خارج شوید.

سطوح حمایت و مقاومت افقی

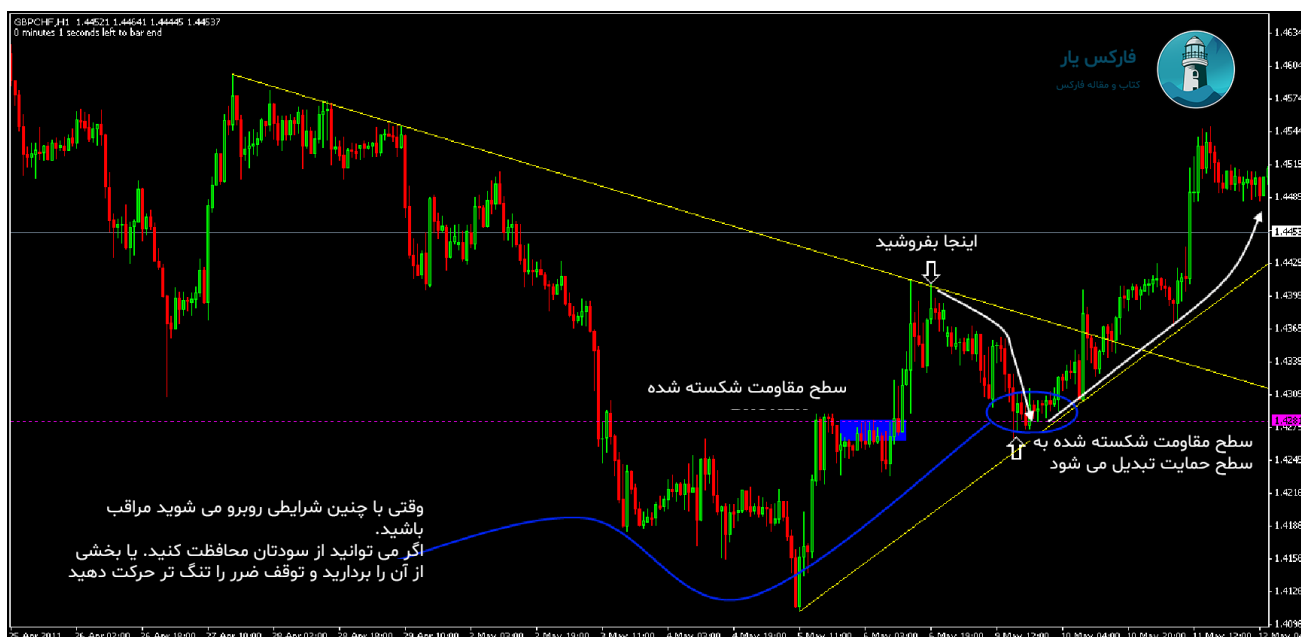
این سطوح می‌توانند برخلاف معاملات شما کار کنند. نمودار زیر (نمودار ۸۸) متعلق به یک معامله خرید است؛ اتفاقی دقیقاً برعکس آن می‌تواند برای معامله فروش اتفاق بیفتد.



نمودار: ۸۸

تبدیل سطح مقاومت شکسته‌شده به سطح حمایت

نمودار ۸۹ کاملاً بدیهی است؛ شما وارد معامله فروش می‌شوید و قیمت با ظرافت کاهش می‌یابد اما بعد از آن قیمت از سطح مقاومت قبلی - همان که در حال حاضر به‌عنوان سطح حمایت عمل کرده، قیمت را بالا می‌برد و خط روند نزولی را قطع می‌کند - به سمت بالا جهش می‌کند.



نمودار: ۸۹

تبدیل سطح حمایت شکسته شده به سطح مقاومت

این مورد کاملاً برعکس نمودار بالا است. شما وارد معامله خرید می شوید و معامله به زیبایی به سمت بالا حرکت می کند؛ اما بعد از آن از سطح حمایت قبلی - همان که شکسته شده و حالا به عنوان سطح مقاومت عمل کرده و قیمت را پایین می آورد و خط روند صعودی را قطع می کند - به سمت پایین جهش می کند.

خطوط روند مخالف

چنانچه در حال انجام معامله ای هستید و بازار در خط روند مخالف حرکت می کند، باید هوشیار باشید. قیمت می تواند از آن خط روند مخالف برگردد. اگر خط روند مخالف از یک چهارچوب زمانی بسیار بزرگ تر رسم شده باشد، باید بدانید که اهمیت آن بسیار بیشتر از چهارچوب زمانی کوچک تری است که ممکن است برای معامله پیش بگیرید. به همین دلیل است که باید همیشه مهارت خود را در زمینه آنالیز چندبازه ای تقویت کنید.

لازم است همواره مراقب آن دسته از خطوط روند باشید که مخالف نمودارهای تان هستند تا در صورت رسیدن قیمت به خطوط روند مخالف، به سرعت نشانه های آن را دریافت کنید.

اخبار

تأثیر اخبار بر جهت بازار گاهی زیاد و گاهی کم است؛ پس بهتر است از زمان انتشار اخبار اقتصادی بزرگ آگاه باشید و زمانی که یک ستاپ معامله درست قبل از انتشار اخبار اتفاق می افتد، از انجام معامله خودداری کنید؛ مگر اینکه یک معامله گر اخبار باشید.

اگر فکر می کنید که ورودی معامله شما دورتر است و سود کمی کسب کرده اید؛ نگران نباشید. فقط صبر کنید و اتفاقات پس از اخبار را پیگیری کنید. ممکن است روند کار به نفع شما باشد.

اجازه دهید بازار کار خود را انجام دهد

اگر می‌خواهید موفق باشید، این بهترین کاری است که می‌توانید به‌عنوان یک معامله‌گر برای خودتان بکنید. پس از اینکه سفارش خود را قرار دادید، کامپیوتر را خاموش کنید و کارهای دیگری انجام دهید. بگذارید بازار کار خود را انجام دهد. تا زمانی که مشغول معامله هستید، قطعاً روی آن کنترل ندارید، مگر اینکه ریسک خود را مدیریت کنید.

در حقیقت من بعضی از بزرگ‌ترین سودهایم را از معامله‌هایی به دست آورده‌ام که در آن‌ها سفارش را قرار داده و رفته‌ام. فقط به بازار اجازه دهید تا کار خود را انجام دهد. حتی اگر توقف ضررتان هم مورد برخورد قرار گرفت، مشکلی نیست. این همان ریسکی بود که هنگام معامله آن را پذیرفته‌ایم.

وقتی بعداً چک می‌کنم - معمولاً بعد از ۶ ساعت یا حتی یک روز - ممکن است ۵۰ تا ۱۲۰ پیپ سود شناور داشته باشم یا اینکه هدف سودم مورد برخورد قرار گرفته باشد.

اگر وارد یک معامله شوید و سفارش خود را قرار دهید؛ آنگاه همان‌جا منتظر بمانید، این اتفاقات برای شما خواهد افتاد:



ترس و طمع

احتمالاً قربانی احساسات فوق می‌شوید؛ زیرا کار بسیار دشواری است که شما پس از انجام معامله از کامپیوتر خود دور نشوید و در عین حال این دو احساس را کنترل کنید. در مقابل متعجب خواهید شد اگر بدانید ترک کامپیوترتان چقدر مؤثر خواهد بود.



معامله بیش از حد

این مورد بیش از دیگر موارد به معامله‌گران ضربه می‌زند:

این کار راهی برای کم کردن حسابتان در کمترین زمان ممکن است. شاید وارد تعدادی معامله شده و در همه آن‌ها ضرر کرده باشید و الان به تلافی آن شکست، می‌خواهید آنچه را ازدست داده‌اید، برگردانید. شاید آن قدر ضرر کرده باشید که فکر کنید هرچه بیشتر معامله کنید، شانس بیشتری برای برگرداندن پول خود دارید؛ اما این کار جواب نمی‌دهد.



ورودی های دیر هنگام

انجام معاملات بد از دیگر مضرات ترک نکردن کامپیوترتان است!

ورود دیر هنگام به معامله در زمانی که ستاپ قبلاً رخ داده است، مانند آن است که وسط باند فرودگاه ایستاده و تلاش کنید که جامبوجتی را متوقف کنید. حدس بزنید چه اتفاقی می افتد؟ خلبان نمی تواند یک «موش» را در باند فرودگاه ببیند. پس به جای اقدامات نسنجیده لطف کن و منتظر ستاپ بعدی باش.

توقف ضرر متحرک

سؤال: بهترین روش برای قراردادن توقف ضرر متحرک یا همان تریلینگ استاپ^{۱۳} برای محافظت از سود چیست؟

پاسخ: برای معاملات خرید و فروش، توقف ضرر متحرک خود را به ترتیب پشت سطوح حمایت و مقاومت قرار دهید.

همان طور که ملاحظه کردید، در این استراتژی، توقف ضرر اولیه در بالای سقف ها (قله ها) یا زیر کف ها (دره ها) قرار می گیرد. اساساً این ها پشت سطوح مقاومت و حمایت قرار دارند. دو مزیت بزرگ قراردادن توقف ضرر و توقف ضرر متحرک در پشت نواحی مقاومت و حمایت از این قرار است:

- احتمال اینکه معامله شما زودتر از موعد متوقف شود، کمتر است؛
 - فضای تنفس بیشتری به بازار می دهد؛ به بیان دیگر اجازه می دهید که بازار حرکت کند.
- بنابراین وقتی شما تریلینگ استاپ را روی معامله خود اعمال می کنید و زمانی که معامله به نفع شما حرکت می کند، سود خود را برمی دارید، می توانید با استفاده از تریلینگ استاپ مبتنی بر این مفهوم، روند را به سمت حداکثر سود هدایت کنید.

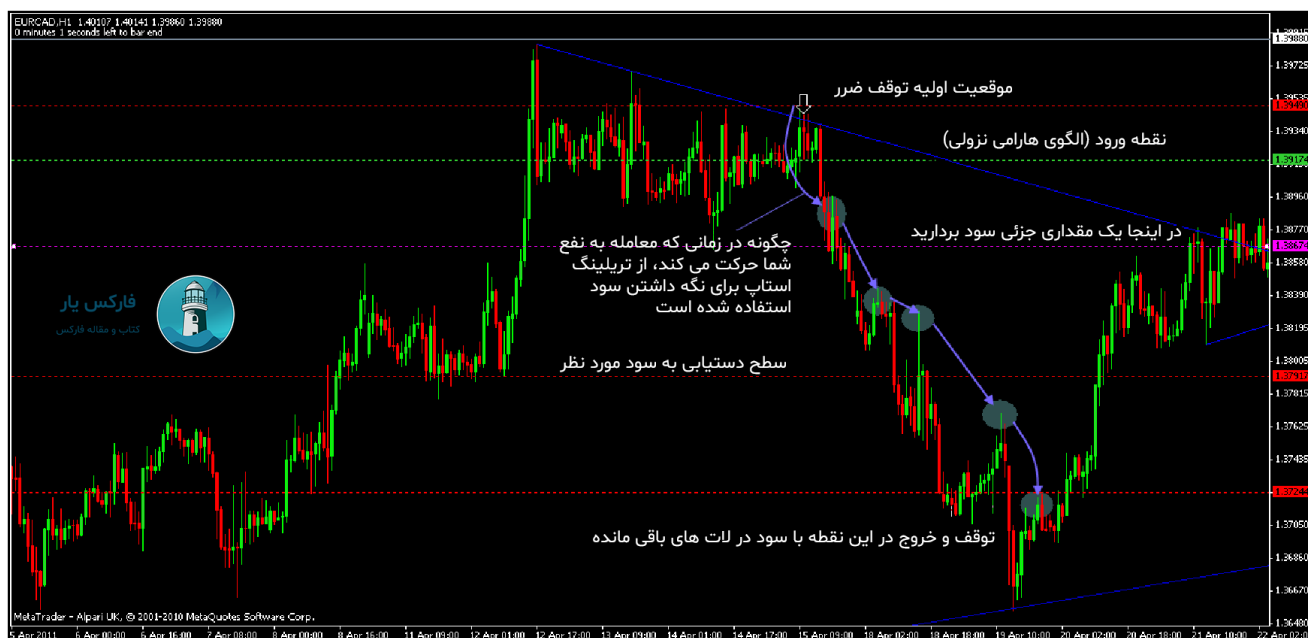
جمع آوری سود

هرگز اجازه ندهید یک معامله برنده بازنده شود. البته این سخن گفتنش آسان و انجامش سخت است؛ زیرا یکی از دشوارترین کارها برای معامله‌گران محسوب می‌شود. همه ما به دنبال سود بزرگ هستیم. دستیابی به سود لزوماً به این معنا نیست که شما همیشه و در تمام معاملات به ۱۰۰ درصد هدف سود خود برسید؛ به هیچ وجه بنابراین درحالی که معامله به نفع شما در حال حرکت است، یاد بگیرید که سود جزئی از جدول بردارید. یاد بگیرید که با استفاده از توقف ضرر متحرک از سود خود محافظت کنید.

طرز فکرهای زیادی در مورد سودبری وجود دارد. هرکدام به نظرتان برای شما مفید است، انتخاب کنید. من این کارها را پیشنهاد می‌دهم:

برای معامله‌ای که در نمودار ۹۰ نشان داده شده است، یک قرارداد استاندارد وارد کردید که با رسیدن قیمت به سطح حمایت، سود جزئی از آن به دست می‌آید. به خاطر داشته باشید حداقل سود جزئی را که برداشت می‌کنید؛ باید بیشتر از مقداری باشد که در ابتدا ریسک کرده‌اید.

اگر بازار بسیار زیاد به نفع شما حرکت کرده باشد (مثلاً ۱۰۰ پیپ)، بهتر است نصف سود را بردارید سپس تا زمانی که معامله به نفع شما حرکت می‌کند و شما هنوز به هدف سود خود نرسیده‌اید، باقی‌مانده سود خود را نگه دارید. از طرف دیگر، اگر هدف سودی ندارید، می‌توانید همان‌طور که توسط فلش‌های آبی نشان داده شده است، تریلینگ استاپ را در معامله خود اعمال کنید تا زمانی که بازار شما را بیرون کند.



نمودار: ۹۰

چرا باید این کار را با احتیاط انجام دهید؟ زیرا هر زمان ممکن است بازار علیه شما پیش برود.

اگر از سطوح بازگشتی فیبوناچی برای محاسبه اهداف سود خود استفاده می‌کنید، در صورت رسیدن به سطح ۱۶۱/۸ می‌توانید به سود جزئی دست یابید و بقیه آن را ثابت نگه دارید تا ببینید که آیا می‌تواند به سطح ۲۶۱/۸ برسد؛ اما اگر هدف سود را روی سطح ۱۶۱/۸ قرار داده‌اید و به آن برخورد شد، مشکلی نیست. سود، سود است.

نمونه‌هایی از معاملات

در ادامه نمودارهایی را می‌بینید که نحوه کارکرد سیستم معاملاتی خط روند را نشان می‌دهد.

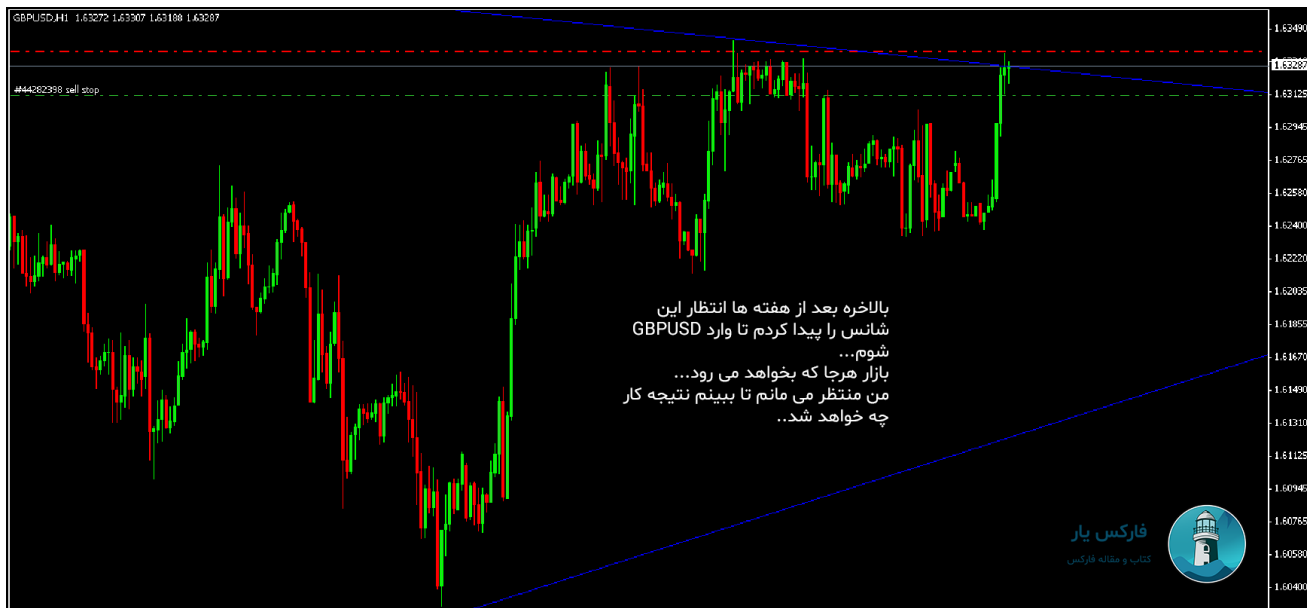
به نمودار ۹۱ دقت کنید. من ستاپ معاملاتی زیر را در یک وب‌سایت فارکس منتشر کردم تا به خوانندگان ستاپ معاملاتی فروش احتمالی که در GBPUSD اتفاق افتاده بود، هشدار دهم؛ زیرا قیمت در حال نزدیک شدن به خط روند نزولی بلندمدت رسم شده از نمودار هفتگی بود.

همان‌طور که می‌بینید، قیمت خیلی به آن نزدیک بود و این نشان می‌داد که ممکن بود یک ستاپ معامله فروش در آینده بسیار نزدیک رخ دهد.



نمودار: ۹۱

من منتظر فرصتی بودم تا در چهارچوب زمانی ۱ ساعته وارد معامله فروش شوم؛ این همان لحظه بود.



نمودار: ۹۲

نتیجه کار در زمانی که توانستم نمودار معامله را در کامپیوتر خود ذخیره کنم، ۵۰ پیپ سود قفل شده است.



نمودار: ۹۳

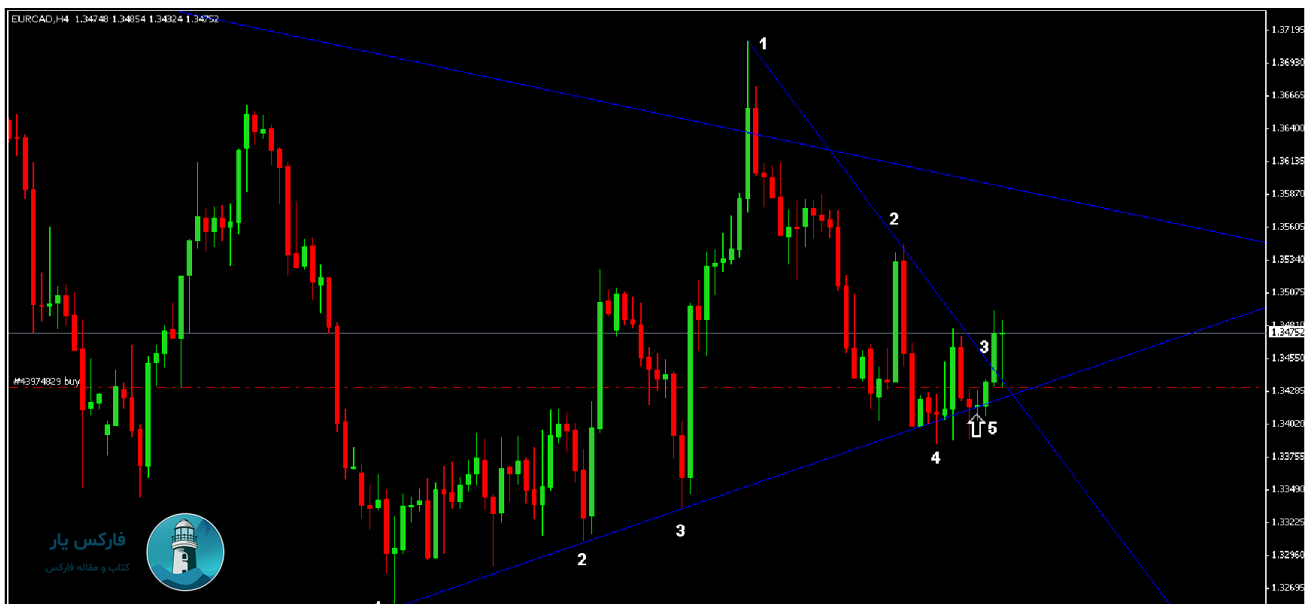
نکته: ابتدا به یک تصویر کلی برسید؛ سپس ورودی‌های خود را در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر زمان‌بندی کنید.

نمودار زیر نمونه‌ای از معامله خرید EURGBP است که یک جهش خوب از خط روند صعودی را نشان می‌دهد.



نمودار: ۹۴

با توجه به آنچه در مورد خطوط روند با شیب تند گفته شد، کدامیک از این سه خط روند زیر یک خط روند ضعیف است؟



نمودار: ۹۵

چند ساعت بعد، این نتیجه معامله خرید EURCAD بود (در نمودار ۹۶ نشان داده شده است).



نمودار: ۹۶

این هم مورد دیگری است (نمودار ۹۷). این نمودار معامله فروش در GBPCHF را نشان می‌دهد که روند خوبی داشته است.



نمودار: ۹۷

چگونه قیمت خطوط روند را دنبال می‌کند؟

در اولین ورود به معامله در GBPJPY - در زیر نشان داده شده است - عملکرد خوبی داشتم و فقط با این معامله ۵۶۱ پیپ سود کردم. این نمودار که در وبسایت فارکس منتشر شد، نمونه کلاسیکی از یک موفقیت چشمگیر است.



نمودار: ۹۸

به نظر می‌رسد معامله USD/CAD - در ادامه می‌آید - یک ورود بی‌نقص نیست؛ زیرا قیمت خط روند صعودی را شکسته و تا زیر خط روند پایین رفته است، سپس مجدداً بالا رفته و دوباره آن را شکسته است و تلاش کرده تا پیشرفت صعودی داشته باشد؛ با این حال من به خاطر این معامله پاداش خوبی گرفتم.



نمودار: ۹۹

و به این ترتیب معامله USD/CAD بالا به نتیجه مطلوب رسید و هدف سود من با دستیابی به ۱۵۹ پیپ سود محقق شد.



نمودار: ۱۰۰

سؤال: آیا موردی بوده است که شما نیز در معاملات خود متوقف شده باشید؟

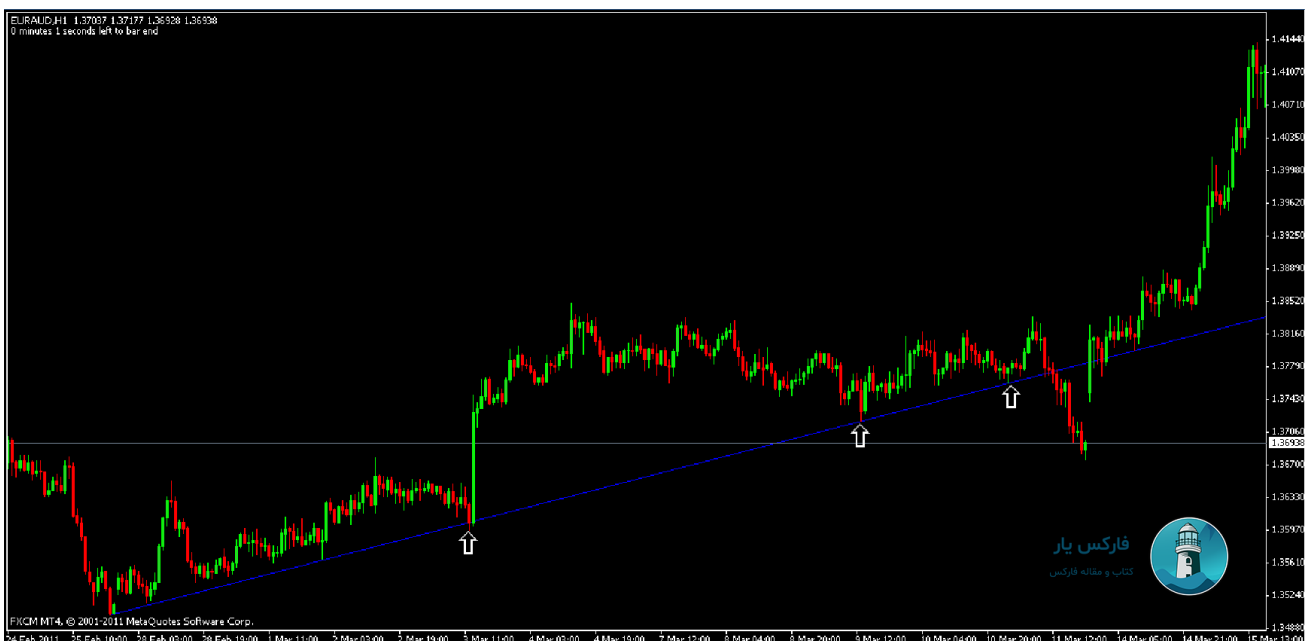
پاسخ: بله. هیچ استراتژی به شما ۱۰۰ درصد تضمین برد نمی‌دهد. اگر چنین استراتژی را پیدا کردید، به من هم اطلاع دهید.

من معاملاتی را که در ادامه آمده است، انجام ندادم؛ اما این نمودارها و ستاپ‌ها را به شما نشان می‌دهم تا ببینید که قیمت به شرط وجود ستاپ‌های عالی چگونه واکنش نشان داده، از خطوط روند پیروی کرده است. این اتفاقات اغلب رخ می‌دهند؛ به‌ویژه زمانی که بیش از ۲۰ ارز برای بررسی داشته باشید.



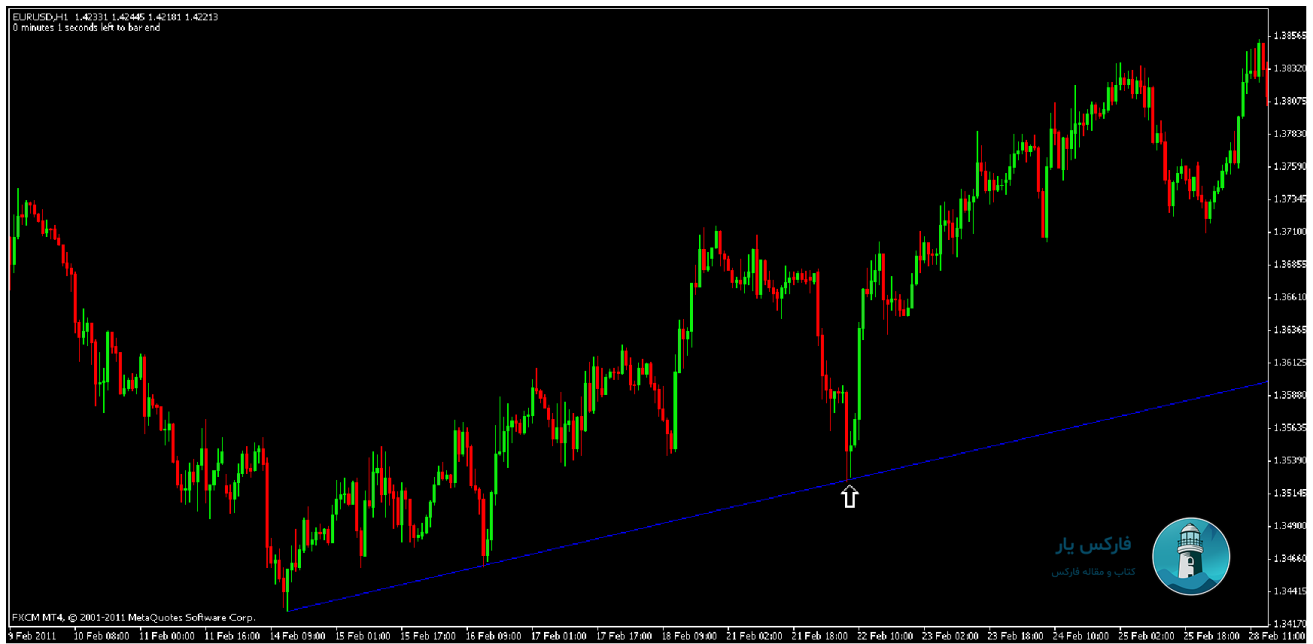
نمودار: ۱۰۱

در نمودار ۱۰۲ مورد دیگری ارائه شده است. این نمودار یک خط روند قوی را نشان می‌دهد. می‌بینید که حتی بعد از قطع خط روند در ورودی ۳، قیمت دوباره صعود کرده و قبل از یک حرکت صعودی گسترده، دو بار به خط روند برخورد کرده است!



نمودار: ۱۰۲

به این پرسش من پاسخ دهید به نظران اگر معامله زیر را در نمودار EUR/USD ۱ ساعته انجام دهید، سود مناسبی کسب می‌کنید؟ به نظر من اگر کلمه مناسب را به معنای کتمان حقیقت و کوچک شمردن آن بدانیم، آنگاه سود مناسبی دریافت می‌کنید.



نمودار: ۱۰۳

نمودار بعد هم همین شرایط را دارد.



نمودار: ۱۰۴

به نظر من این موارد ساده‌ترین حالت‌ها را نشان می‌دهد. نظر شما چیست؟

سه راز قدرتمند برای دستیابی به سودهای بسیار بالا

در ادامه قصد دارم سه راز ساده و درعین حال قدرتمند را برایتان فاش کنم تا بفهمید چگونه حساب معاملاتی خود را حتی در عرض یک ماه، به اندازه ۱۰۰ درصد یا بیشتر افزایش دهید. جالب اینجاست که شما نیازی به معاملات زیاد برای دستیابی به این نوع نتایج شگفت‌انگیز ندارید، فقط چند معامله بسیار باکیفیت و با احتمال بالا در یک روز یا هفته، تمام آن چیزی است که شما باید بدان توجه کنید. مهم است که وقتی معاملات سودآور را پیدا می‌کنید، آن‌ها را به درستی مدیریت کنید تا بتوانید بیشترین استفاده را از یک حرکت مرسوم ببرید و آن معامله‌ها برای یک ماه شما کافی باشند!

راز ۱: تریلینگ استاپ را در معاملات خود اعمال کنید و اهداف سود را تنظیم نکنید.

گرچه به نظر این موضوعی است که بسیاری از افراد می‌دانند؛ ولی اکثراً آن را به کار نمی‌گیرند. در مورد شما چگونه است؟ اگر این‌طور است، خود را از بهترین احتمال برای دستیابی به سودهای کلان محروم کرده‌اید.

بهترین راه برای اعمال تریلینگ استاپ در معاملات سودآور کار بسیار ساده‌ای است و آن عبارت است از قراردادن توقف ضرر در پشت حمایت (دره‌ها) و مقاومت (قله‌ها) به ترتیب برای معاملات فروش و خرید. با استفاده از این فن مؤثر می‌توانید تا زمانی که روند هنوز دست‌نخورده و نتیجه آن سودهای کلان است، آن را دنبال کنید. نمودار پایین معامله‌ای را نشان می‌دهد که من بر اساس خط روند داخلی انجام داده‌ام. در این نمودار مؤثرترین روش استفاده از یک توقف ضرر متحرک برای یک سناریوی ورود فروش به‌خوبی نشان داده شده است.



نمودار: ۱۰۵

گفتم اهداف سود را تنظیم نکنید حال آنکه برنامه بسیاری از ما وابسته به تعیین اهداف سودآوری است. درحقیقت تعیین اهداف سود کار اشتباهی نیست (و این از خصوصیات یک استراتژی انعطاف پذیر است که به شما کمک می کند تا اهداف سود را تعیین کنید) اما بهتر است متفاوت از آنچه بیشتر معامله گران انجام می دهند یا استراتژی هایی که به شما توصیه می کنند، عمل کنید.

به اعتقاد من:

۱. تعیین اهداف سود، شانس شما را برای دستیابی به حداکثر سود محدود می کند.
۲. تعیین هدف سود شما را خیلی سریع از معامله خارج می کند؛ درحالی که بازار ممکن است هنوز پتانسیل ادامه کار را داشته باشد.

سؤال: آیا شما هیچ وقت اهداف سود را در معاملات خود تعیین نمی کنید؟

پاسخ: من نیز گاهی آن ها را تنظیم می کنم اما بیشتر اوقات ترجیح می دهم که تریلینگ استاپ را در معاملات سودآور خود اعمال کنم؛ زیرا ترجیح می دهم تا زمانی که این روند دست نخورده است، سود خود را به حداکثر برسانم.

اجازه دهید این نکته را با نمودار زیر شرح دهم. اگر استراتژی معاملاتی خط روند بر اساس تعیین اهداف سود دنبال می‌شد؛ منظور آن است که هدف سود در سقف قابل توجه قبلی برای یک معامله خرید تعیین می‌شد؛ آنگاه می‌توانستید با چیزی حدود ۱۴۰-۱۴۴ پیپ سود خارج شوید. به نظر می‌رسد که این معامله بدی نیست؛ زیرا این ۱،۴۴۰ دلار برای یک قرارداد استاندارد تعیین شده است که خیلی خوب و راحت به حساب شما می‌آید.



نمودار: ۱۰۶

اما از طرف دیگر اگر همانند نمودار ۱۰۷ از تریلینگ استاپ استفاده و با حرکت بازار به سمت بالا سود بیشتری قفل کنید، با ۳۷۳ پیپ سود در مقایسه با ۱۴۴ پیپ سود در همان معامله خارج می‌شوید. این ۳،۷۳۰ دلار خیلی خوب است اما با کمی صبر و انتظار می‌توانید بیشتر به دست آورید. حالا به نظرتان کدام روش بهتر است؟



نمودار: ۱۰۷

آیا متوجه تفاوت بزرگی شدید که این کار در عملکرد معاملاتی شما ایجاد می‌کند؟ شما به جای محدود کردن سود خود (با تعیین هدف سود) درواقع ۲۲۹ پیپ سود اضافی را فقط با اعمال یک تریلینگ استاپ در زیر هر کف بالاتر قابل توجه - که با حرکت قیمت به سمت بالا تشکیل شده است - جمع‌آوری کرده‌اید. البته به خاطر داشته باشید که برای معاملات فروش دقیقاً برعکس این روند عمل کنید.

بیایید محاسبه ساده‌ای انجام دهیم. توقف ضرر اولیه برای معامله فوق، ۳۷ پیپ و سود ۳۷۳ پیپ بود. در این حالت نسبت ریسک به پاداش، ۱:۱۰ است.

سؤال: اگر در این معامله روی ۲٪ از حساب خود ریسک کرده باشید، حساب شما اکنون پس از دریافت سود چقدر افزایش یافته است؟

پاسخ: ۲۰٪

سؤال: برای دستیابی به ۱۰۰٪ افزایش حساب، چه تعداد معامله دیگر مثل این را نیاز دارید؟

پاسخ: تعداد آن‌ها خیلی زیاد نخواهد بود. شاید ۲، ۵ یا حتی ۷ معامله باشد؛ زیرا تمام معاملات سود دقیقاً یکسانی ندارند. شما فقط می‌توانید آن مقدار سود که بازار ارائه می‌دهد، بردارید.

امیدوارم متوجه این پتانسیل برای کسب سود شده و درک کرده باشید که برای دستیابی به ۱۰۰٪ افزایش حساب خود مجبور نیستید معاملات زیادی انجام دهید. در مثال نشان داده شده (نمودار ۱۰۷)، این اتفاق فقط بر مبنای یک معامله انجام می‌شود. بگذارید جمله‌ای را که بارها و بارها شنیده‌اید، تکرار کنم: «روند دوست شما است.» پس اگر هیچ نشانه‌ای از کندشدن یا خاتمه روند وجود ندارد، از آن خارج نشوید^{۱۴}. این همان کاربرد وسیع اطلاعات در کار برای دستیابی به حداکثر سود با استفاده از توقف ضرر متحرک است که وقتی معاملات به نفع فرد حرکت می‌کنند، همچنان سود را قفل می‌کند:

ما می‌دانیم تا زمانی که قیمت در حال ایجاد کف‌های بالاتر متوالی است، روند صعودی همچنان دست‌نخورده باقی می‌ماند؛ بنابراین چرا باید خیلی زود از بازار خارج شوید درحالی‌که بازار هیچ سیگنالی برای انجام این کار نداده است؟

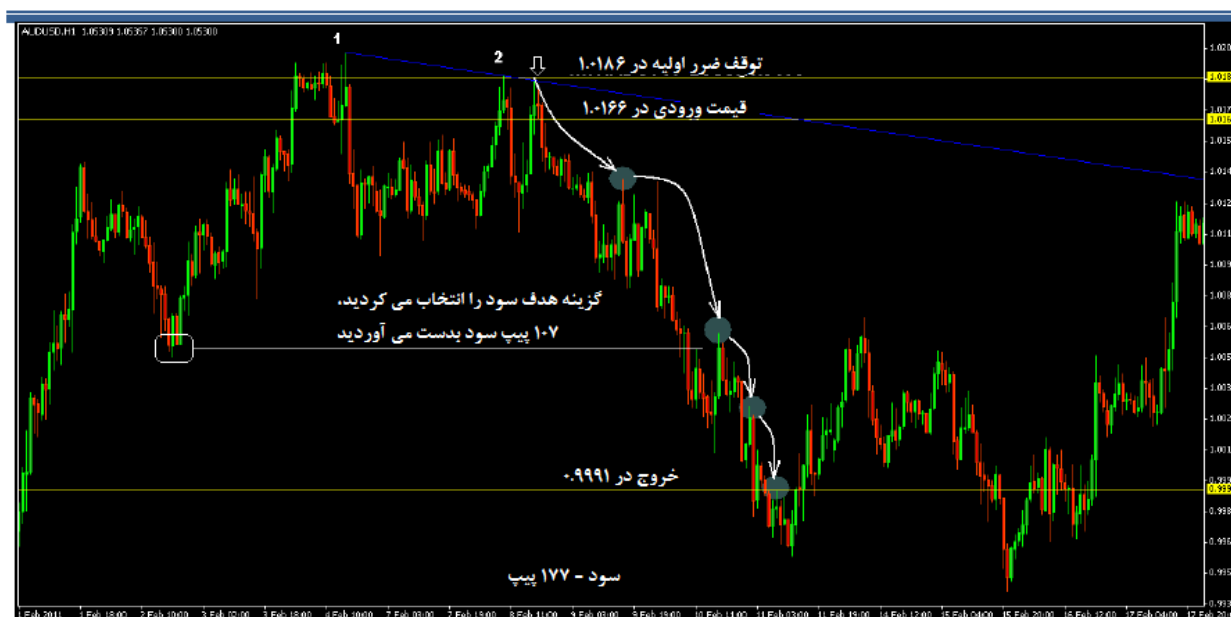
برعکس این وضعیت برای حالت روند نزولی صدق می‌کند. بگذارید بازار شما را بیرون کند. این موضوع را به خاطر بسپارید.

نکته: اکنون باید این حقیقت را فهمیده باشید که لازم نیست هر روز یا هر هفته معاملات زیادی انجام دهید تا سود رضایت‌بخشی کسب کنید. تنها تعداد معدودی از معاملات مفید هستند که برای استخراج حداکثر سود با دقت مدیریت می‌شوند. به بیان دیگر «بیش از حد معامله نکنید.»

بر طبق نمودار ۱۰۸ می‌توانید ببینید که معامله بسیار عالی در AUDUSD مبتنی بر نمودار ۱ ساعته زیر چگونه عمل می‌کند. ببینید چگونه می‌توانید از این طریق سود بیشتری کسب کنید. از توقف ضرر متحرک برای قفل کردن سود با قراردادن آن

^{۱۴} امیدوارم درس مربوط به روندها را فراموش نکرده باشید.

در بالای هر سقف پایین‌تر متعاقب استفاده شده است؛ درحالی‌که بازار همچنان به صورت نزولی حرکت می‌کند. این معامله با ریسک فقط ۲۰ پیپ، می‌توانست ۱۷۷ پیپ سود داشته باشد.



نمودار: ۱۰۸

در این معامله اگر از گزینه دریافت سود - به جای تریلینگ استاپ - استفاده شود، این معامله تنها ۱۰۰-۱۰۷ پیپ سود خواهد داشت اما اگر از گزینه تریلینگ استاپ استفاده می‌شد، معامله با ۱۷۷ پیپ سود متوقف می‌شد.

آیا می‌توانید نسبت ریسک به پاداش را برای این معامله محاسبه کنید؟ $1:8/85$. می‌بینید که این معامله ۹ برابر بیشتر از مبلغ ریسک شده سود داشته است. اگر برای این معامله ۲٪ ریسک کرده بودید، اکنون حساب شما چند درصد افزایش پیدا می‌کرد؟ ۱۸٪.

دوست من، شما نمی‌توانید ۱۸ درصد سود خود را فقط برای چند روز در بانک بگذارید.

خوب، ممکن است این کار ساده‌ای به نظر برسد اما این‌طور نیست. دلیل آن هم این است که:

نکته: بهتر است تمایلتان برای خروج از معامله را کنترل کرده و هنگامی که سودهایتان به دلیل ریتریسمنت‌های موقت در حال از بین رفتن است، از معامله خارج نشوید.

این مسئله معمولاً در چند ریتریسمنت اول بلافاصله پس از ورود رخ می‌دهد اما با ادامه حرکت بازار از نقطه ورودی شما، دیگر تنها کافی است که نمودار را دنبال کنید. اکنون شما سود قفل شده بسیار بیشتری دارید و قطعاً نفس راحتی می‌کشید.

این پاداش در انتظار کسانی است که می‌توانند در مقابل حس خارج شدن از معامله مقاومت کنند. البته اگر متوقف شوید هم مشکلی پیش نمی‌آید؛ زیرا مطمئناً مقداری سود کسب کرده‌اید. بعداً فرصت‌های دیگری خواهید داشت و طی آن‌ها یاد می‌گیرید که این طرز فکر را در خودتان تقویت کنید.

شاید بگویید من نتیجه متوسط نمی‌خواهم. اگر نتیجه متوسطی بخواهم، ترجیح می‌دهم پول خود را در بانک بگذارم و ۵٪ در سال درآمد کسب کنم که البته اگر نرخ تورم را در نظر بگیریم، ۱٪ بیشتر می‌شود ولی شاید هم دوست داشته باشید وقتی فرصت انجام چنین کاری (معامله گری) را دارید، از بازار سود بیشتری کسب کنید؟

چطور این کار را انجام می‌دهید؟ در واقع شما همان ابتدا این راز را فهمیده‌اید. آیا این نمودار را به خاطر دارید؟



نمودار: ۱۰۹

شما همان ابتدا این را موضوع دیدید اما یک نکته مهم را فراموش کردید: من با همان حرکت رایج، بیش از یک معامله انجام دادم. در واقع من روی آن حرکت سرمایه‌گذاری کرده بودم. این راز شماره ۲ است.

راز دوم: افزایش تعداد معامله

اگر یاد بگیرید که به‌درستی از این تکنیک استفاده کنید، به معنای واقعی کلمه می‌تواند باعث افزایش حساب شما شود؛ به‌گونه‌ای که قبلاً چنین چیزی را ندیده‌اید.

نکته: سریع‌ترین و کم‌خطرترین راه برای افزایش حساب معاملاتی و دستیابی به سود کلان در مدت زمان کوتاه، انجام چندین معامله در یک حرکت رایج یکسان است.

اگر از معامله اول خود احساس رضایت می‌کردم و به آن قانع بودم، فقط ۴۲۱ پپ سود جمع می‌کردم. این نتیجه متوسط است؛ اما من دو معامله دیگر در زمان ستاپ در طول مسیر انجام دادم و در نتیجه به ۸۰۰ پپ سود بیشتر رسیدم. این همان چیزی است که من می‌خواستم. این سود بیش از یک نتیجه متوسط است.

به کمک این تکنیک می‌توان به سود کلانی دست پیدا کرد؛ بدون اینکه مجبور باشید بیشتر از همیشه ریسک کنید. با این روش فقط با انجام چند معامله، بازده عظیمی کسب خواهید کرد.

می‌توانید حین معامله به جای اینکه فقط یک معامله را مدیریت کنید، معاملات دیگر را هم اضافه کنید. این کار سود چشمگیری نصیبتان خواهد کرد. من به جای اینکه با سود ۴۰۰ پیپ در یک معامله خارج شوم، ممکن است با سود ۱۰۰۰ پیپ - فقط در ۳ یا ۴ معامله - خارج شوم. این اتفاق بسیار محتمل است.

توجه داشته باشید که هنگام انجام این کار باید به چند نکته بسیار مهم دقت کنید و هر بار این نکات را بدون شکست انجام دهید:

نکات مهم حین افزایش معامله

۱. تنها در صورتی که معامله اول سودآور باشد و شما مقداری سود قفل کرده باشید یا توقف ضرر را تا نقطه سربه‌سر حرکت داده باشید، آنگاه می‌توانید معامله دوم را باز کنید.
۲. این بدان معناست که هرگاه معامله‌ای انجام می‌دهید، ریسک یا خطر شما تنها ۲٪ خواهد بود.
۳. به همین ترتیب، معامله سوم را فقط زمانی باز کنید که معامله دوم در نقطه سربه‌سر باشد یا حداقل مقداری سود قفل شده است.
۴. اگر در معامله دوم متوقف شدید یا بدون سود بودید، این بدان معنی است که در معامله اول نیز متوقف شده‌اید. به همین ترتیب اگر در معامله سوم متوقف شدید، یعنی که در معاملات دوم و اول نیز متوقف شده‌اید.
۵. همیشه در معاملات بعدی همان سطح ریسک را حفظ کنید. منظور آن است که اگر در معامله اول ۲٪ ریسک می‌کنید، در معامله دوم نیز ۲٪ ریسک کنید و الی آخر.

سؤال: آیا این استراتژی ریسک را افزایش می‌دهد؟

پاسخ: خیر؛ زیرا شما یک معامله سودآور را اضافه می‌کنید که حداقل مقدار کمی سود دارد؛ بنابراین اگر معامله دوم با ضرر متوقف شود، معامله اول بخشی از آن ضرر را جبران می‌کند.

هشدار: هنگام استفاده از تکنیک بالا این اشتباه را انجام ندهید: با معامله لات‌های بزرگ‌تر برای معاملات بعدی، ریسک خود را افزایش ندهید؛ زیرا می‌بینید که در معامله اول سود کرده‌اید. شما باید برای تمام معاملات بعدی، همان سطح ریسک معامله اول را حفظ کنید.

اجازه دهید با مثال دیگری به شما نشان دهم که چگونه اضافه کردن یک معامله جدید باعث افزایش سریع حساب شما می‌شود. فرض کنید که شما در هر چهار معامله ورودی خط روند نشان داده شده در نمودار زیر، روی ۲٪ از حساب خود ریسک کرده‌اید.



نمودار: ۱۱۰

شما می‌توانستید فقط با ۴ معامله حساب خود را تقریباً ۶۲ درصد افزایش دهید!

شاید با یک، دو، سه یا پنج معامله دیگر بتوانید به افزایش ۱۰۰ درصدی برسید. اگر روند خوبی داشته باشید، ممکن است فقط با یک یا دو معامله به افزایش ۱۰۰ درصدی برسید. ملاحظه می‌کنید که تنها تعداد معدودی از معاملات می‌تواند حساب شما را به میزان قابل توجهی افزایش دهند، حتی به شما ۱۰۰ درصد افزایش حساب بدهد.

توانایی انتخاب معاملات «اضافی» با تجربه کسب خواهد شد و عموماً شامل این موارد می‌شود: استفاده بسیار زیاد از سقف‌ها و کف‌های ناچیز برای ترسیم خطوط روند داخلی و تجارت بر اساس آن‌ها؛ همچنین تغییر به چهارچوب‌های زمانی بسیار کوچک‌تر برای دستیابی به فرصت‌های دیگر.

نکته: اعتماد به نفس داشته و صبور باشید. مقاوم و کوشا باشید. مطمئن باشید که شما از پس آن برمی‌آیید.

راز سوم: مومنتوم؛ راهی برای بالابردن شانس در معامله

من بهترین راز را برای آخرین مورد نگه داشتم. این همان راز مورد علاقه من است که برای ورود به معامله به من اعتماد به نفس می‌دهد. زمانی که از مومنتوم برای ورود خود استفاده می‌کنید، شانس زیادی را برای خود می‌خرید.

قدرت مومنتوم

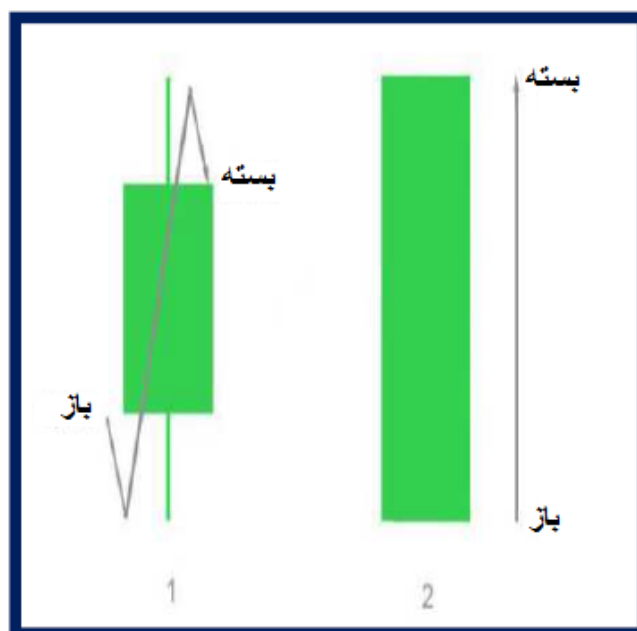
این مورد به‌طور بالقوه مهم‌ترین مفهوم در آنالیز نمودار فارکس است. اگر بخواهید فقط یک چیز را از آنالیز کندل استیک یاد بگیرید، توصیه می‌کنم در مورد نحوه خواندن مومنتوم یاد بگیرید.

مومنتوم معیار سنجش میزان قدرت حرکت قیمت است. برای درک بیشتر به شکل زیر توجه کنید.



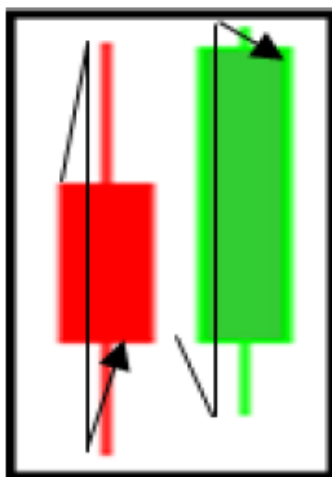
شکل: ۵

به نظر شما در شکل بالا کدام یک از این کندل استیک‌ها، حرکت قیمت صعودی قوی‌تری را نشان می‌دهد؟ پاسخ صحیح کندل استیک ۲ است! اگرچه هر دو کندل استیک محدوده قیمت سقف - کف یکسانی دارند، کندل استیک ۲ هیچ مکشی در حرکت صعودی قیمت نشان نمی‌دهد؛ همچنین کندل استیک ۲ قیمت بسته‌شدن بالاتری را نشان می‌دهد. شکل زیر نمونه‌ای از نحوه جابجایی قیمت است:



شکل: ۶

می ببینید که چگونه کندل استیک ۲ حرکت قیمت صعودی را نشان می‌دهد؟ این نشانگر یک مومنتوم صعودی قوی است. به حرکت دو کندل زیر دقت کنید:



شکل: ۷

کندل استیک قرمز یک مومنتوم نزولی کاهشی با تعداد زیادی مکث را نشان می‌دهد. قیمت پس از باز شدن بالا می‌رود، یک سقف ایجاد می‌کند، سپس پایین می‌آید و یک کف ایجاد می‌کند و برای پایین‌تر آمدن تردید می‌کند، سپس کل مسافت از قیمت کف را می‌بندد.

کندل ۲ باز می‌شود، سپس حرکت نزولی خود را فقط برای یک مسافت بسیار کوتاه شروع می‌کند. گاوها وارد شده، قیمت را تا سقف بالا برده‌اند و کمی پایین‌تر از سقف بسته‌اند؛ بنابراین ما یک تغییر بالقوه در مومنتوم از صعودی به نزولی می‌بینیم.

نکته: بنا بر آنچه بیان شد اگر این اتفاق در پی لمس یک خط روند صعودی بیافتد، باید بدانیم که مومنتوم نزولی در حال ضعیف شدن است؛ بنابراین احتمال زیادی وجود دارد که قیمت بالا برود.

درک این مفهوم آسان است. بر این اساس، موارد فوق می‌توانستند به این شکل باشد:



نمودار: ۱۱۱

در نمودار فوق، شما یک مومنتوم صعودی قوی‌تر در کندل استیک ۲ می‌بینید، زیرا مکث نزولی بسیار کمی در آن وجود دارد و بعد از آنکه گاوها قوی‌تر می‌شوند و بر خرس‌ها غلبه می‌کنند، به سمت بالا حرکت می‌کند و زمانی که خرس‌ها موقتاً شکست می‌خورند، قیمت به روند صعودی خود ادامه می‌دهد.

درک مومنتوم به من این امکان را می‌دهد تا معاملاتی نظیر نمودار زیر را انجام دهم:



نمودار: ۱۱۲

در نمودار بالا، می‌بینید که چگونه مومنتوم صعودی با نزدیک شدن به خط روند نزولی شروع به کاهش می‌کند. من در زمان مناسب وارد معامله فروش شدم و پس از آن بازار سقوط کرد. این همان درک مومنتوم برای انجام معاملات است. با درک مومنتوم‌ها سریعاً به سود دست می‌یابید.

به معامله دیگری که در نمودار زیر نشان داده شده است، توجه کنید:



نمودار: ۱۱۳

درک و اجرای این مفهوم بسیار ساده است. این مبحث در مورد شناخت «سیگنال‌های» خاص برای جستجوی پرایس اکشن است. به محض تشخیص این «سیگنال‌ها» می‌توانید وارد معاملاتی نظیر شکل بالا شوید. برای اینکه وارد این گونه معاملات شگفت‌انگیز شوید، لازم است صبور باشید و برای ستاپ‌های مناسب منتظر بمانید.

سؤال: چرا مومنتوم در پیش‌بینی جهت حرکت آتی قیمت آن قدر دقیق است؟

پاسخ: زیرا هر کندل استیکی که تشکیل می‌شود؛ نتیجه دو نیرو در کار است: گاوها و خرس‌ها^{۱۵}. اگر گاوها کنترل را در دست داشته باشند، کندل استیک‌هایی را می‌بینید که نشان‌دهنده مومنتوم قوی در حرکت صعودی قیمت است و اگر خرس‌ها کنترل را در دست داشته باشند، وضعیت برعکس می‌شود.

سؤال: آیا مومنتوم در پیش‌بینی حرکت آتی قیمت ۱۰۰ درصد دقیق است؟

^{۱۵} گاوها و خرس‌ها اصطلاحی است در بازارهای مالی. گاوها به معامله گرانی گفته می‌شوند که با خریدهایشان باعث افزایش قیمت بازار می‌شوند. و خرس‌ها با فروشهایشان باعث کاهش قیمت‌ها می‌شوند.

پاسخ: دقیقاً این طور نیست اما لازم است تلاشمان را انجام بدهیم. گاهی کندل هایی را می بینید که نشانی از یک مومنتوم صعودی دارند اما پس از آن حرکت قیمت در جهت مخالف آن پیش می رود. همان طور که اغلب در هنگام انتشار برخی اخبار اقتصادی خاص دیده می شود. این اتفاق فقط یک سیگنال اشتباه است و به حرکت در جهت اصلی خود ادامه می دهد.

سؤال: بحث مومنتوم بسیار کلی است، بهتر است به طور خاص به دنبال چه چیزی باشیم؟

پاسخ: برخی الگوهای کندل استیک برگشتی خاص. منظور من از «سیگنال» همین بود.

کندل استیک برگشتی

بیاپید ابتدا مفهوم کندل استیک‌های برگشتی را توضیح دهیم؛ زیرا اگر در مورد کسب درآمد در معاملات فارکس واقعاً جدی باشید، این‌ها موارد بسیار مهمی هستند که تفاوت‌های زیادی در معاملات شما ایجاد کنند.

الگوهای کندل استیک برگشتی مفاهیم بسیار پرکاربردی در بازار فارکس هستند؛ اما به‌خاطر سپردن بعضی از آن‌ها واقعاً دشوار است. در ابتدا من سعی کردم آن‌ها را به‌خاطر بسپارم و از همه آن‌ها استفاده کنم اما این کار باعث سردرگمی بیشتر من شد؛ درنهایت به این نتیجه رسیدم که باید ساده‌ترین و رایج‌ترین الگوهای موجود را پیدا کنم و بقیه را فراموش کنم. این کار بسیاری از مشکلات مرا حل کرد.

من در اینجا هفت الگوی کندل استیک مورد علاقه خودم را آورده‌ام که بسیار ساده هستند و تشخیص آن‌ها هم کار آسانی است. این کندل استیک‌ها همه‌جا در مناطق ورود به خط روند ظاهر می‌شوند. به عبارت دیگر، آن‌ها رایج‌ترین الگوهای کندل استیک برگشتی هستند که هر روز در مناطق ورودی خط روند پیدا خواهید کرد. این الگوها به شرح زیر هستند:

کندل استیک‌های برگشتی صعودی	کندل استیک‌های برگشتی نزولی
۸. دوجی (سنجاقک، دوجی کراس)	۱. دوجی ^{۱۶} (سنگ قبر ^{۱۷} ، دوجی کراس)
۹. پوشاننده صعودی	۲. پوشاننده نزولی ^{۱۸}
۱۰. خط نفوذی ^{۲۲}	۳. ابر سیاه ^{۱۹}
۱۱. هارامی صعودی	۴. هارامی نزولی
۱۲. چکش	۵. ستاره دنباله دار ^{۲۰}
۱۳. فرفره بالا	۶. فرفره بالا ^{۲۱}
۱۴. الگوی مسیر ریلی صعودی	۷. الگوی مسیر ریلی نزولی

^{۱۶} Doji

^{۱۷} Gravestone

^{۱۸} Bearish Engulfing

^{۱۹} Dark Cloud

^{۲۰} Shooting Star

^{۲۱} Spining Top

^{۲۲} Piercing Line

الگوهای دوجی

نوع الگو: برگشتی یا دارای تداوم

دوجی‌ها اشکال مختلفی دارند و به‌طور غیرمنتظره در مقایسه با کندل استیک‌های مجاور و قبلی کندل استیک‌های بسیار کوتاهی هستند. گرچه این سه نوع دوجی مشابه هم هستند اما هرکدام معنی خاص خود را دارد.



اولین مورد، «دوجی سنجاقک»^{۲۳} است. آنچه در اینجا رخ می‌دهد این است که قیمت بازشدن، بسته‌شدن و سقف همه یکسان هستند، اما این قیمت در تلاش برای پیدا کردن کفی است که نتواند پایین بیاید. این یک دوره تردید یا به قول بعضی‌ها دوره توافق بین خرس‌ها و گاوها است که در آن قیمت فعلاً «عادلانه» است. این حقیقت است که کف پایدار نیست، درواقع کمی صعودی است، اما واقعیت دیگر این است که قیمت بازشدن و بسته‌شدن یکسان است که کمی نزولی است. در کل دوجی سنجاقک باید توجه شما را جلب کند.

نکته: به دنبال دوجی سنجاقک در نقاط ورودی خط روند صعودی برای ورود به معامله خرید باشید.

دوجی بعدی، «دوجی کراس»^{۲۴} است. این الگو بازشدن و بسته‌شدن یکسان را به ما نشان می‌دهد اما در این دوره زمانی، یک سقف و کف مناسب وجود دارد و برخلاف انتظار، قیمت در همان قیمت بازشدن بسته می‌شود. این قسمت بسیار شبیه به الگوی سنجاقک است که در آن قیمت قبل از بسته‌شدن درست در محل بازشدن، کمی در هر دو جهت حرکت کرده است. این حالت همچنین نشان می‌دهد که احتمال یک برگشت وجود دارد.

نکته: دوجی کراس را در نقاط ورودی خط روند صعودی یا نزولی برای ورود به معاملات خرید و فروش دنبال کنید.

آخرین دوجی، «دوجی سنگ قبر»^{۲۵} است. در این وضعیت کندل استیک باز شده، یک سقف خوب ایجاد کرده و سپس پایین می‌آید و در نقطه بازشدن بسته می‌شود. این اتفاق دقیقاً برعکس دوجی سنجاقک است. هرچند در این حالت سقف پایدار نبوده، درواقع اندکی نزولی است؛ اما واقعیت دیگر این است که قیمت باز و بسته‌شدن یکسان بوده که این حالت کمی صعودی است. با این حال، اگر این وضع در مناطق ورودی خط روند نزولی تشکیل شود، نشانگر یک سیگنال برگشت نزولی خوب است.

نکته: به دنبال دوجی مقبره‌ای در نقاط ورودی خط روند نزولی برای ورود به معاملات فروش باشید.

^{۲۳} Dragonfly doji

^{۲۴} Cross doji

^{۲۵} Gravestone doji

الگوهای پوشاننده صعودی و نزولی

نوع الگو: برگشتی

این دو الگو -صعودی و نزولی- توسط کندل استیک شماره دو مشخص شده‌اند که اولین مورد را کاملاً «می‌پوشانند».



در صورت تشکیل یک الگوی پوشاننده صعودی، کندل استیک سبز در زیر نقطه بسته شدن قبلی باز می‌شود، سپس در بالای نقطه باز شدن قبلی بسته می‌شود. این نشان‌دهنده تغییر فوری احساسات بازار است. به یاد داشته باشید که اولین کندل استیک در زیر نقطه باز شدن آن بسته می‌شود. به عبارت دیگر، این کندل استیک باز شده و سپس در پایین‌تر بسته می‌شود - (کندل نزولی). کندل استیک بعدی (سبز) در حقیقت شکسته شده و کمی پایین می‌آید که در ابتدا به نظر می‌رسد که این حرکت به روند نزولی خود ادامه می‌دهد، اما ناگهان حرکت معکوس شده و در بالای نقطه باز شدن کندل استیک قبلی بسته می‌شود.

نکته: توجه کنید که این یک مثال است اما فارکس یک بازار نقدی مداوم است؛ لذا به سختی می‌توانید شکاف‌هایی را در آن پیدا کنید؛ به جز زمانی که بازار در دوشنبه‌ها باز می‌شود. در آن روز ممکن است شکاف‌هایی را ببابید. در مورد الگوی پوشاننده نزولی نیز وضعیت به همین صورت است.

با توجه به این نکته من مجبور بودم اشکال مختلف الگوهای پوشاننده را بدون نادیده گرفتن مفاهیم اصلی الگوهای پوشاننده کشف کنم. نکات کلیدی برای شناسایی تغییرات الگوهای پوشاننده عبارت‌اند از:

۱. روی باز و بسته شدن کندل استیک دوم با توجه به کندل استیک‌های اول خیلی تمرکز نکنید؛
۲. طول کندل استیک دوم را در نظر داشته باشید و ببینید که آیا از کندل استیک اول بلندتر است یا خیر و آیا این طول کندل استیک، طول کندل استیک اول را پوشش می‌دهد؟
۳. در آخر بررسی کنید که آیا طول بدنه کندل استیک دوم از طول بدنه کندل استیک اول بیشتر است یا خیر.

این سه گزینه شامل تمام نکاتی می‌شود که به آن نیاز دارید. نمودار زیر، نمونه‌هایی از الگوی پوشاننده صعودی را نشان می‌دهد.



نمودار: ۱۱۴

نکته مهم: به دنبال تشکیل یک الگوی پوشاننده صعودی در نقاط ورودی خط روند صعودی برای ورود به معاملات خرید باشید.



شکل: ۸

مورد بعدی، تشکیل پوشاننده نزولی است. روند کار دقیقاً برعکس تشکیل پوشاننده صعودی است. بدین شکل که کندل استیک سبز باز می شود و در بالای نقطه باز شدن آن بسته می شود - صعودی. سپس کندل استیک بعدی بالاتر از نقطه بسته شدن کندل استیک قبلی باز شده و یک روند صعودی آغاز می شود. برخلاف آنچه به نظر می رسد که این روند ادامه خواهد یافت؛ این روند سقوط می کند و در زیر نقطه باز شدن کندل استیک قبلی بسته می شود. البته این یک مثال است و شما معمولاً به چنین موردی برخورد نمی کنید. (به یادداشت های مربوط به تغییرات الگوی پوشاننده در قسمت بالا مراجعه کنید.) نمودار زیر برخی از تغییرات الگوی پوشاننده نزولی را نشان می دهد.



نمودار: ۱۱۵

نکته مهم: برای ورود به معاملات فروش، به دنبال تشکیل یک الگوی پوشاننده نزولی در نقاط ورودی یک خط روند نزولی باشید.

خط نفوذی^{۲۶} و ابر تیره^{۲۷}

نوع الگو - برگشتی

این دو الگو یعنی ابر تیره و خط نفوذی، از جمله الگوهای برگشتی بسیار مهم هستند. وقتی این الگوها نمایان می‌شوند، تغییر نسبتاً شدیدی در احساسات ایجاد می‌شود.

نگاهی به ابر تیره بیندازید. شما یک سری کندل استیک دارید که سقف‌های بالاتر و کف‌های بالاتر ایجاد می‌کنند. آخرین کندل استیک در بالای نقطه بسته شدن قبلی باز می‌شود، گویی قرار است حتی صعودی‌تر از کندل استیک‌های قبلی باشد، اما بلافاصله سقوط کرده و به خوبی در بدنه واقعی کندل استیک قبلی بسته می‌شود. آخرین کندل استیک باید حداقل در نصف یا بیشتر بدنه واقعی کندل استیک‌های قبلی نفوذ کند. این یک سیگنال برگشت نزولی است.



شکل: ۹

نکته: برای ورود به معامله فروش، به دنبال الگوی ابر تیره در نقاط ورودی خط روند نزولی باشید.

خط نفوذی یک برگشت صعودی است. ما ابتدا یک سری سقف پایین‌تر و کف پایین‌تر داریم. آخرین کندل استیک که شکسته شده است، گویی نزولی‌تر می‌شود، اما پس از آن فراتر از ۵۰ درصد کندل استیک قبلی بسته می‌شود.



شکل: ۱۰

نکته: برای ورود به معامله خرید به دنبال الگوی خط نفوذی در نقاط ورود به خط روند صعودی باشید.

جزئیات فوق نمونه‌های بارز کلاسیک هستند، اما فارکس یک بازار بسیار روان و نقدشونده است که تقریباً هیچ شکافی در آن وجود ندارد؛ به جز شاید زمانی که بازار در روزهای دوشنبه بعد از یک تعطیلات آخر هفته باز می‌شود. با توجه به این وضعیت، ما مجبوریم خود را تطبیق

Piercing Line^{۲۶}
Dark Cloud^{۲۷}

و تعلیم دهیم تا بتوانیم تغییرات این الگوی بازگشتی را مشاهده کنیم. در اینجا چند نمونه واقعی و نه مثال‌های غیرحقیقی آورده شده است.



نمودار: ۱۱۶

هارامی صعودی و نزولی

نوع الگو - بازگشتی

اجازه دهید کندل استیک‌های بازگشتی هارامی را به زن بارداری تشبیه کنیم که کودک او نیز همان نوار داخلی یا کندل استیکی است که داخل سایه کندل استیک قبلی تشکیل می‌شود.

یک هارامی همچنین یک سیگنال بازگشتی بسیار مهم و یک الگوی دو کندل استیکی است. این الگو در اصل به شما می‌گوید که احتمالاً یک تغییر در راه است. یک هارامی صعودی زمانی شکل می‌گیرد که روند بازار نزولی است، سپس کندل استیک سیگنال به سمت داخل بدنه واقعی کندل استیک قبلی حرکت می‌کند؛ آنگاه در نقطه‌ای بالاتر از نقطه باز شدن آن، اما پایین‌تر از نقطه باز شدن کندل استیک قبلی بسته می‌شود. این الگو به سادگی به شما می‌گوید که خرس‌ها قدرت را از دست می‌دهند و گاوها احتمالاً بر آن‌ها غلبه می‌کنند.



شکل: ۱۱

نکته مهم: برای ورود به معامله خرید، به دنبال تشکیل الگوی هارامی صعودی در نقاط ورود به خط روند صعودی باشید.

هارامی نزولی نیز به همین صورت است، با شروع از یک روند صعودی، آخرین کندل استیک در داخل بدنه واقعی باز می‌شود و بعد از آن در زیر نقطه باز شدن و در عین حال بالاتر از سطح باز شدن کندل استیک قبلی بسته می‌شود. هارامی، مانند الگوی پوشاننده وارونه عمل می‌کند. این الگو به سادگی به شما می‌گوید که گاوها کنترل را از دست می‌دهند و خرس‌ها احتمالاً بر آن‌ها غلبه می‌کنند.

نکته: برای ورود به معاملات خرید، به دنبال الگوی هارامی نزولی در نقاط ورودی خط روند نزولی باشید.



شکل: ۱۲

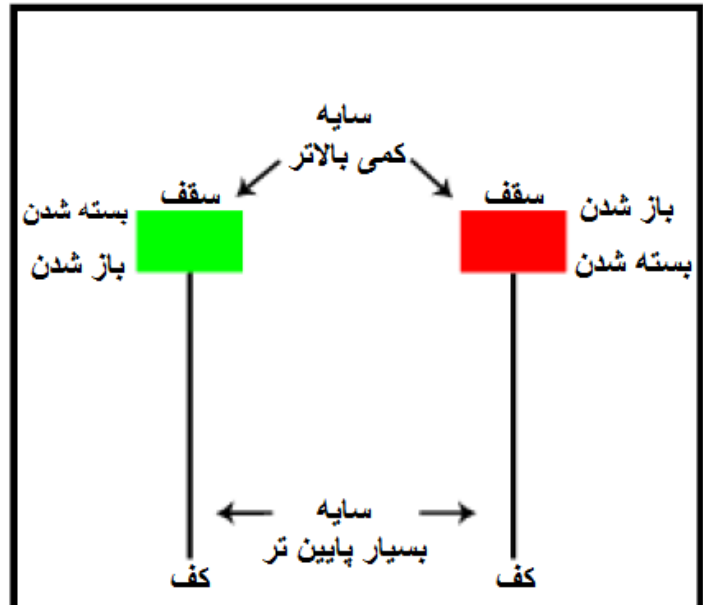
نکته دیگر: من خیلی به رنگ کندل استیک دوم اهمیت نمی‌دهم. نکته

مهم این است که یک نوار داخلی-کندل استیکی که در سایه کندل استیک قبلی تشکیل می‌شود- وجود دارد و من وقتی این تشکیلات را در مناطق ورودی خط روند مشاهده می‌کنم، می‌فهمم که به احتمال بسیار زیاد یک ستاپ معاملاتی اتفاق می‌افتد.

چکش و ستاره دنباله دار

نوع الگو - بازگشتی

ما یک روند نزولی غالب می‌بینیم و پس‌از آن یک هم‌تشکیل می‌شود آنگاه یک سیگنال کندل استیک معکوس سپس یک روند نزولی ایجاد می‌شود. آنچه در اینجا اتفاق افتاده، به محض باز شدن کندل استیک رخ می‌دهد. در ابتدا خرس‌ها کنترل را در دست گرفته، قیمت را به میزان قابل توجهی پایین آوردند؛ اما پس‌از آن گاوها غلبه کردند و توانستند قیمت را بالا بیاورند تا جایی که در بالای قیمت باز شدن یا کمی پایین‌تر از قیمت باز شدن بسته شد و در نتیجه بدنه بسیار کوتاهی را تشکیل داد.

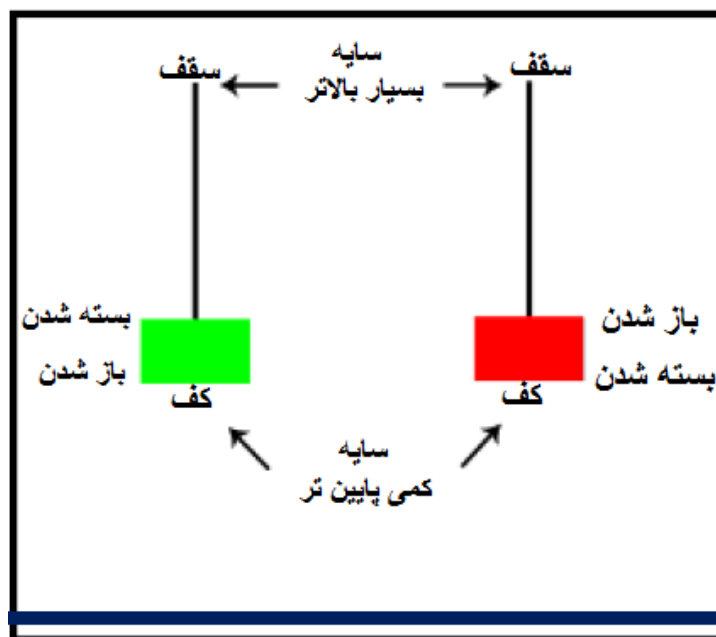


شکل: ۱۳

این اتفاق یک مومنتوم صعودی بسیار قوی را نشان می‌دهد. اگر کندل استیک بعدی در بالای سقف هم

شکسته شود، این امر تأیید می‌کند که یک روند صعودی ممکن است شروع شود. رنگ هم در واقع اهمیتی ندارد.

نکته: به دنبال هم در نقاط ورودی به خط روند صعودی برای ورود به معاملات خرید باشید.



شکل: ۱۴

الگوی شوتینگ استار دقیقاً برعکس همر صعودی است. در این حالت یک روند صعودی ایجاد می‌شود. شوتینگ استار یک سقف جدید عالی ایجاد می‌کند اما نمی‌تواند در نزدیکی آن بسته شود. علاوه بر این، بدنه واقعی پیشرفت بسیار کمی در جهت صعودی می‌کند یا اصلاً پیشرفت نمی‌کند. آنچه آن را به یک شوتینگ استار تبدیل می‌کند، دم بلند و تلاش ناکام برای بسته شدن در نزدیکی سقف جدید است.

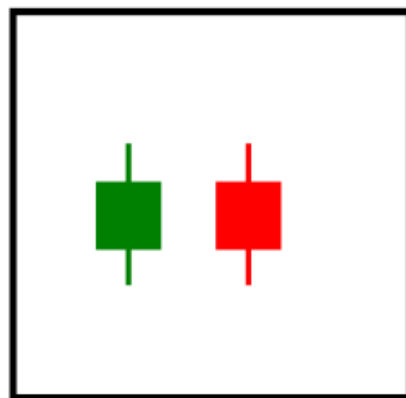
رنگ شوتینگ استار اهمیتی ندارد. تشکیل کندل استیک بعدی که قانون شوتینگ استار را نقض می‌کند و بسته شدن در زیر شوتینگ استار، تأیید خوبی برای این امر است که احتمالاً یک روند نزولی در حال وقوع است.

نکته: به دنبال یک شوتینگ استار در نقاط ورودی خط روند نزولی برای ورود به معاملات فروش باشید.

فرفره بالا

نوع الگو - بازگشتی یا دارای تداوم

اسپینینگ تاپ یک الگوی کندل استیک فردی است که ممکن است نشان‌دهنده بازگشت یا تداوم باشد. آن‌ها معمولاً کندل استیک‌های بسیار کوتاه با بدنه‌های بسیار کوتاهی هستند. رنگ اسپینینگ تاپ اهمیتی ندارد.



شکل: ۱۵

این الگو جایی یافت می‌شود که در بازار تردید وجود دارد یا زمانی که خرس‌ها و گاوها روی قیمت توافق می‌کنند. من دومی را ترجیح می‌دهم. البته اینکه خرس‌ها و گاوها به تعادل برسند، اتفاق نادری در بازار است. یک اسپینینگ تاپ به سادگی دوره‌ای را نشان می‌دهد که در آن، قیمت سقف، کف، باز شدن و بسته شدن همگی در یک محدوده مناسب و منطقی قرار دارند.

موقعی وجود دارد که شما بسیاری از اسپینینگ تاپ‌ها را در یک ردیف می‌بینید که محدوده معاملاتی تنگی را تشکیل می‌دهند. این محدوده‌های معاملاتی تنگ موجب می‌شود که نوسان‌پذیری محدود شود؛ در نتیجه وقوع یک بریک اوت در یک جهت یا جهت دیگر حتمی است. همان‌طور که گفته شد، رنگ کندل استیک اسپینینگ تاپ اهمیتی ندارد.

نکته: به دنبال یک اسپینینگ تاپ (کندل استیک قرمز یا سبز) در نقاط ورودی خط روند نزولی برای ورود به معامله فروش باشید، همچنین برعکس برای ورود به معامله خرید، به دنبال نقاط ورودی خط روند صعودی باشید.

الگوهای مسیر ریلی^{۲۸} صعودی و نزولی

نوع الگو - بازگشتی

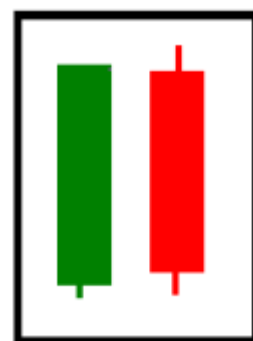
در الگوی مسیر ریلی، شما دو کندل استیک با طول تقریباً یکسان و رنگ‌های مختلف خواهید دید. به‌طورکلی، طول این دو کندل استیک نسبت به طول کندل استیک‌های قبلی نزدیک خود بلندتر است. در یک روند نزولی، شکل‌گیری یک کندل استیک بلند نزولی و بلافاصله بعد از آن، تشکیل یک کندل استیک بلند صعودی را خواهید دید. این الگوی مسیر ریلی صعودی است. در اینجا اتفاقی روی می‌دهد و آن اینکه معامله‌گرانی که وارد معامله فروش شده و کندل استیک بلند نزولی را تشکیل دادند، می‌فهمند که در طرف اشتباه بازار قرار دارند؛ در نتیجه بلافاصله از معاملات خود خارج و به طرف مقابل بازار وارد می‌شوند. این کار باعث تشکیل کندل استیک بلند صعودی می‌شود.



شکل: ۱۶

نکته: برای ورود به معاملات خرید، به دنبال الگوی مسیر ریلی صعودی در نقاط ورودی خط روند صعودی باشید.

چنانچه معامله‌گران در روند صعودی قرار داشته باشند، وضعیت برعکس حالت بالا خواهد شد؛ یعنی آن دسته از معامله‌گرانی که وارد معامله خرید شدند و کندل استیک صعودی را تشکیل دادند، می‌فهمند که در طرف اشتباه بازار قرار دارند؛ پس بلافاصله از معاملات خود خارج شده، به طرف مقابل بازار می‌روند. این کار آن‌ها باعث تشکیل کندل استیک بلند نزولی؛ در نتیجه ایجاد یک الگوی مسیر ریلی نزولی می‌شوند.



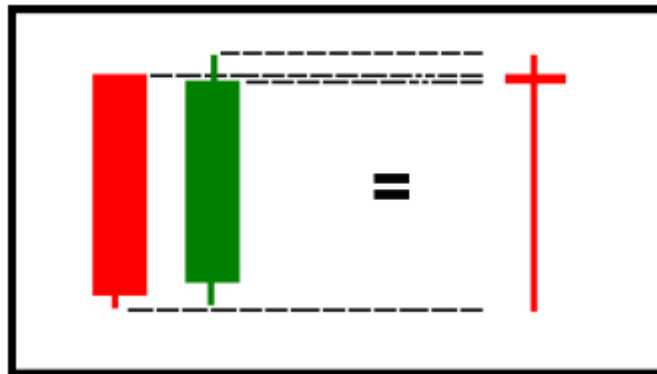
شکل: ۱۷

نکته: برای ورود به معاملات فروش، به دنبال الگوی مسیر ریلی نزولی در نقاط ورودی خط

روند نزولی باشید.

حال اجازه دهید مفهوم بسیار مهم دیگری را برای شما توضیح دهم که در هر بار مشاهده یک الگوی مسیر ریلی -چه صعودی و چه نزولی- لازم است آن را درک کنید. تصور کنید وقتی الگوی مسیر ریلی صعودی را در یک کندل استیک ترکیب می‌کنید، چه نوع کندل استیکی شکل می‌گیرد؟ در اینجا مثالی از این حالت آورده شده است.

^{۲۸} Railway tract pattern



شکل: ۱۸

آنچه به دست می‌آورید، یک کندل استیک هم-به رنگ سبز یا قرمز- برای یک الگوی مسیر ریلی صعودی است.

سؤال: وقتی یک الگوی مسیر ریلی نزولی را ترکیب کنید، چه کندل استیکی خواهد داشت؟

پاسخ: یک شوتینگ استار.

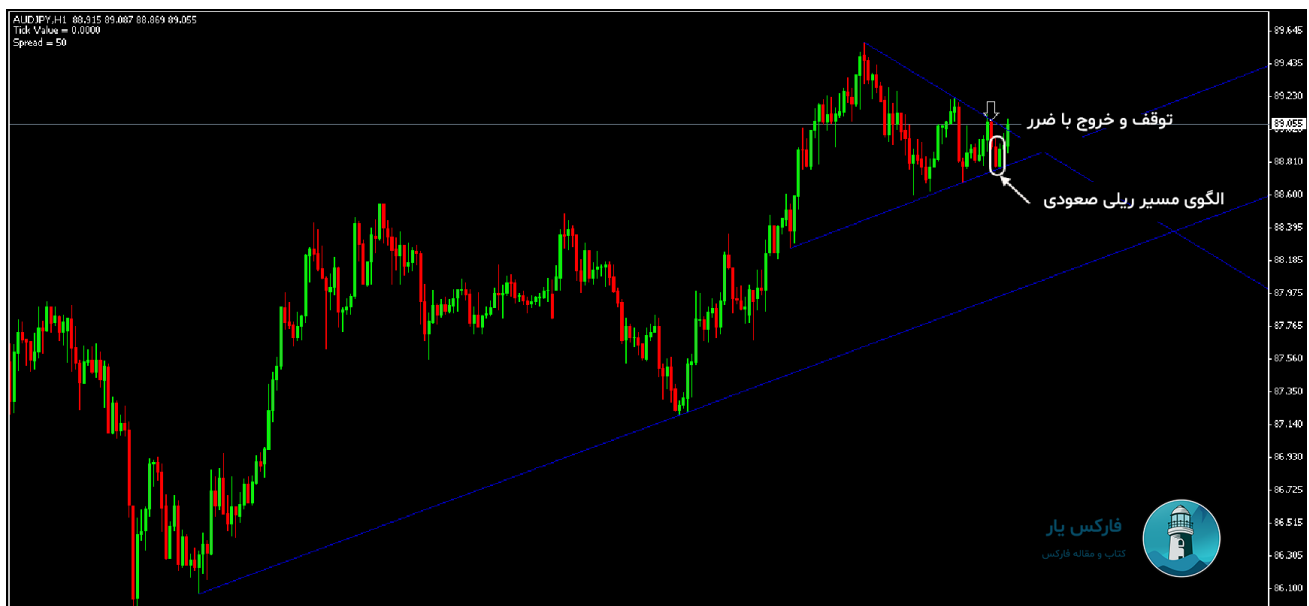
این حالت همچنین می‌تواند به این معنی باشد که وقتی شما دو چهارچوب زمانی مختلف را مشاهده می‌کنید، می‌توانید وضعیت فوق را ببینید؛ به عنوان مثال بیابید فرض کنیم که مسیر ریلی صعودی در چهارچوب زمانی ۳۰ دقیقه‌ای تشکیل شده است. وقتی شما چهارچوب زمانی را به ۱ ساعته تغییر می‌دهید، یک چکش را می‌بینید که نشانه بسیار قوی از مومنتوم صعودی است. اگر این اتفاق با لمس یک خط روند صعودی رخ دهد، بهتر متوجه می‌شوید!

بیابید در ادامه چند نمودار با الگوهای کندل استیک بازگشتی فوق‌الذکر را بررسی کنیم. من یک دستور شرطی توقف فروش بعد از تشکیل هارامی نزولی (همچنین تقریباً یک مسیر ریلی نزولی) قرار داده‌ام.



نمودار: ۱۱۷

همان‌طور که انتظار می‌رفت، بازار حرکت کرد اما تنها برای یک مدت کوتاه؛ زیرا قیمت یک مسیر ریلی صعودی را در یک خط روند مخالف تشکیل داد و من را با ضرر بیرون کرد.

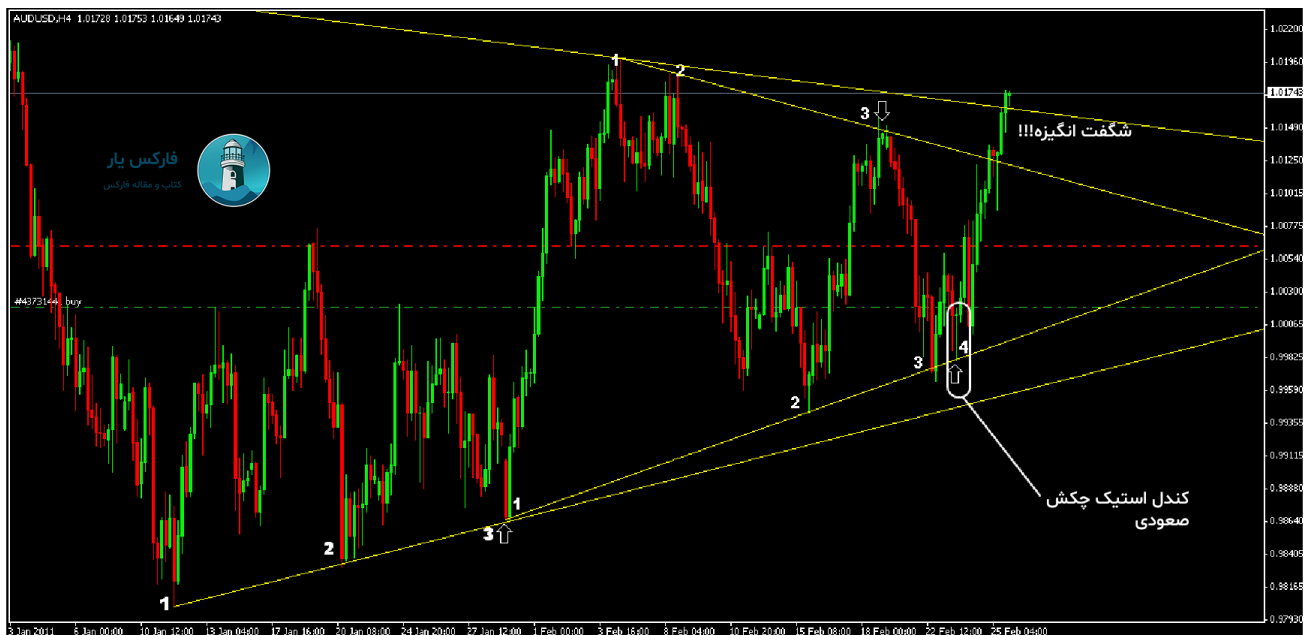


نمودار: ۱۱۸

دلیل اهمیت این معامله آن چیزی است که قبلاً در مورد آگاهی از خطوط روند مخالف گفتیم. ممکن است فکر کنید که چرا وقتی تشکیل الگوی مسیر ریلی صعودی را دیدم، از این معامله خارج نشدم؟ زیرا وقتی من چهارچوب زمانی را به ۴ ساعته تغییر دادم، کندل استیک ۴ ساعته قبلی یک شوتینگ استار قرمز بود و زمانی که با هارامی صعودی تشکیل شده در چهارچوب زمانی ۱ ساعته برای ورود به معامله فروش ترکیب شد، نظر من را نسبت به قیمت بسیار نزولی کرد. به همین دلیل من ادامه دادم.

کاری که باید انجام دهید این است که هرگز در هنگام انجام معامله نظر خود را خیلی سریع تغییر ندهید. اگر اشتباه کرده‌اید، آن را به‌سادگی بپذیرید. اگر نظر خود را تغییر دهید و سریعاً از معامله خارج شوید تا فرصت بهتری را فراهم کنید مطابق با آنچه پیش‌بینی کرده‌اید؛ احتمالاً حالتی را تجربه می‌کنید که قبلاً هم برایتان پیش آمده است؛ همان که گفته‌اید «وای، من درست فکر می‌کردم. چرا از معامله بیرون آمدم؟»

در ادامه معامله دیگری را آوردم که من با دیدن هم‌صعودی انجام دادم. توجه کنید که بازار چگونه نسبت به آن واکنش نشان داده است.



نمودار: ۱۱۹

هارامی‌ها همه‌جا هستند. اگر حرف مرا باور ندارید، همین حالا یک نمودار باز کنید و ببینید که در نقاط عطف عمده بازار چه چیزی دیده می‌شود: هارامی نزولی، اسپینینگ تاپ و دوجی کراس.



نمودار: ۱۲۰

نمونه‌ای از چگونگی حرکت بازار پس از تشکیل یک دوجی سنجاقک (همچنین تقریباً یک چکش) است. توجه داشته باشید که قبل از آن، یک هارامی صعودی نیز تشکیل شده است.



نمودار: ۱۲۱

من عاشق دیدن شوتینگ استارها در نقاط ورودی خط روند هستم؛ زیرا این کندل استیک‌ها نشان‌دهنده تغییر نسبتاً شدید در احساسات از صعودی به نزولی هستند؛ در نتیجه حرکت بازار کاملاً قابل پیش‌بینی خواهد بود. با مشاهده نمودار زیر منظور من را کاملاً متوجه خواهید شد.



نمودار: ۱۲۲

من تکنیک‌های خودم را در مورد نحوه ورود به معاملات با احتمال سود بالا موبه‌مو به شما نشان می‌دهم. نحوه استفاده از این فن‌ها- خواه به‌طور مؤثر و خواه به شکلی غیر مؤثر- به عهده شماست.

نمودار زیر، تشکیل یک هارامی نزولی و تشکیل یک شوتینگ استار دقیقاً در اطراف آن منطقه را نشان می‌دهد. به نظر شما بازار به این امر چه واکنشی نشان می‌دهد؟ واکنش بازار قابل پیش‌بینی است. بازار سقوط خواهد کرد.



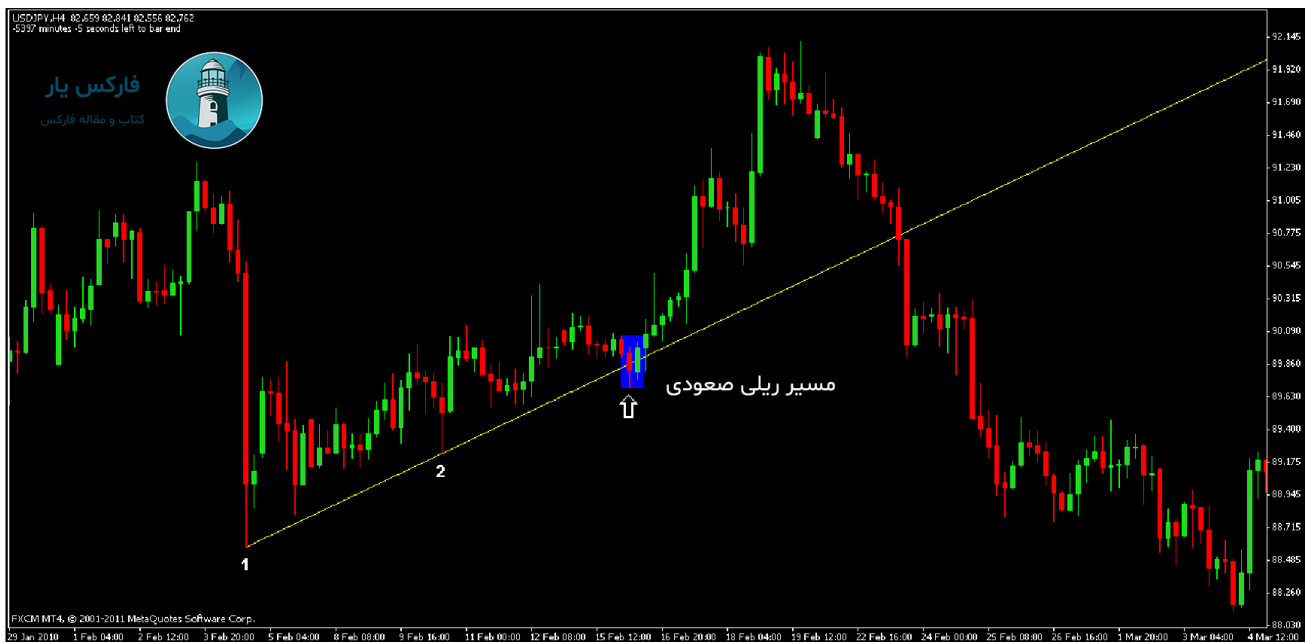
نمودار: ۱۲۳

نمودار ۱۲۴ نمونه خوبی از الگوی مسیر ریلی نزولی را نشان می‌دهد. توجه کنید که بازار چه واکنشی به این شکل‌گیری نشان داده است؟ بله، سقوط قابل پیش‌بینی است!



نمودار: ۱۲۴

نمودار زیر الگوی مسیر ریلی صعودی را نشان می‌دهد. صعود بازار قابل پیش‌بینی بود. می‌بینید که هیچ‌چیز پیچیده نیست. این‌ها مطالب ساده‌ای هستند.



نمودار: ۱۲۵

توجه کنید که در نمودار زیر یک تشکیل هارامی نزولی وجود دارد؛ همچنین توجه داشته باشید که کندل داخلی (نوار داخلی) این تشکیل نیز یک دوجی کراس است. در پایان شما یک دوجی و اسپینینگ تاپ را در یک الگوی هارامی مانند این وضعیت مشاهده خواهید کرد.



نمودار: ۱۲۶

نمودار ۱۲۷، یک الگوی بازگشتی پوشش ابر تیره را نشان می‌دهد. ببینید که چگونه بازار به این الگو واکنش نشان داده است؟ بازار سقوط کرده است.



نمودار: ۱۲۷

نمودار زیر تشکیل یک خط نفوذی را نشان می‌دهد و واکنش بازار صعود بوده است.



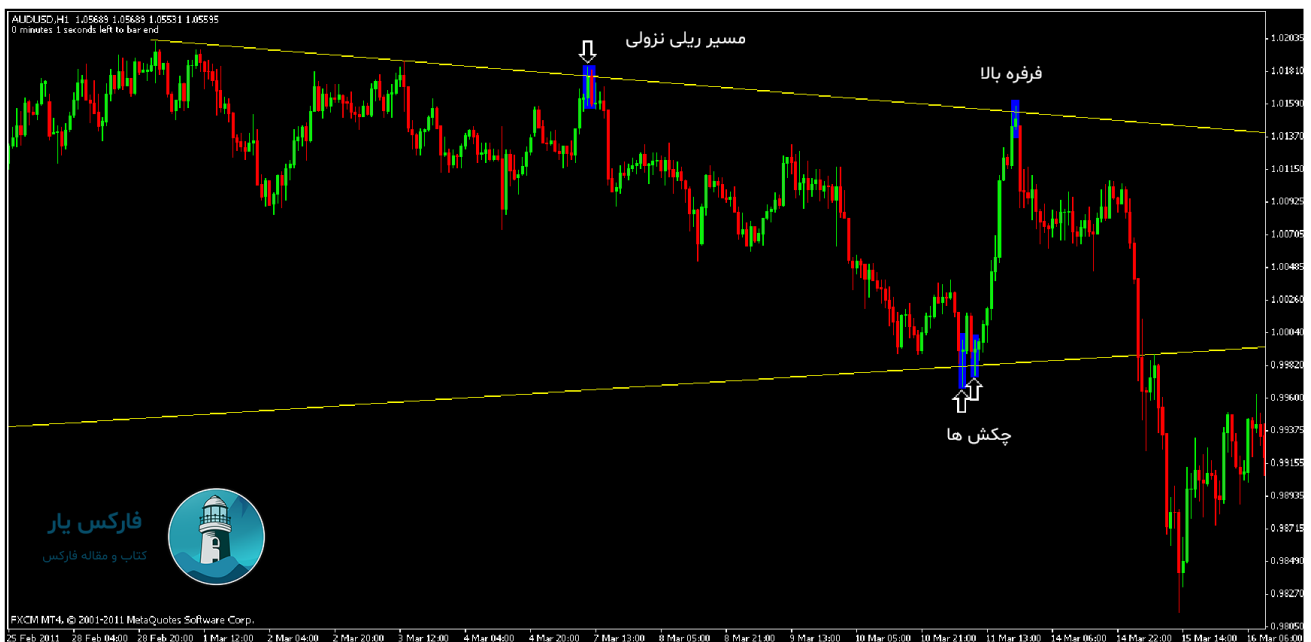
نمودار: ۱۲۸

نمودار ۱۲۹، یک الگوی پوشاننده نزولی را نشان می‌دهد. حرکت بازار در این نمودار نزولی بوده است.



نمودار: ۱۲۹

در نمودار بعدی می‌توانید مسیر ریلی نزولی، اسپینینگ تاپ و همراهها را مشاهده کنید. اگر به درستی بدانید که به دنبال چه چیزی هستید، هر روز شاهد این اتفاقات خواهید بود.



نمودار: ۱۳۰

الگوی پوشاننده صعودی در نمودار زیر نشان داده شده است. بعد از آن یک حرکت صعودی بزرگ رخ داده است.



نمودار: ۱۳۱

پرسش: اگر یک خط روند شکسته باشد، با این حال یک یا دو کندل بعد از آن، یک الگوی کندل استیک برگشتی تشکیل شده باشد، آیا باید معامله را انجام دهیم؟

پاسخ: معامله را انجام دهید. این همان هدف کندل استیک‌های بازگشتی است. مطمئن شوید که اولین یا دومین کندل بعد از شکستن خط روند، کاملاً نزدیک به خط روند باشند. نباید خیلی از هم فاصله داشته باشند. درواقع کلید انجام این نوع معاملات رعایت فاصله است.

کندل استیک‌های بازگشتی این امکان را به شما می‌دهند تا از این شرایط استفاده کنید؛ درحالی‌که دیگران فکر می‌کنند همه چیز تمام شده است.

به مثال دیگری در این زمینه توجه کنید. در نمودار زیر، یک کندل استیک صعودی سبز رنگ که در بالای خط روند بسته شده است، تغییرات احتمالی خط روند را نشان می‌دهد، اما کندل بعدی، تنها یک نوار/ کندل داخلی بود که در سایه کندل سبز قبلی تشکیل شد و این یعنی تشکیل یک کندل استیک بازگشتی هارامی نزولی. بعد از این اتفاق، قیمت شدیداً سقوط می‌کند!



نمودار: ۱۳۲

در نمودار ۱۳۳ نیز دو کندل پس از قطع شدن خط روند، یک الگوی پوشاننده نزولی شکل می‌گیرد. به فاصله الگو از خط روند توجه کنید. فاصله خیلی زیاد نبود. در حقیقت به خط روند قطع شده خیلی هم نزدیک بود؛ بنابراین این یک ستاپ معامله فروش بسیار خوب بوده است.



نمودار: ۱۳۳

به همین دلیل است که وقتی کندلی یک خط روند را قطع می‌کند و در بالای آن (برای خط روند نزولی) و زیر آن (برای خط روند صعودی) بسته می‌شود، نباید فکر کنید که همه چیز تمام شده است. فقط صبر کنید و ۱ یا ۲ کندل بعدی را تماشا کنید تا ببینید که آیا الگوی کندل استیک بازگشتی خوبی شکل می‌گیرد یا خیر.

فاکتور مهم در اینجا فاصله است: باید بسیار نزدیک به خط روند شکسته شده اتفاق بیفتد. اگر کندل استیک بازگشتی دور از خط روند اتفاق افتاد، معامله را انجام ندهید.

خلاصه مطالب

خب اکنون من سه تکنیک معاملاتی قدرتمند خود را فاش کردم که برای معامله در بازار فارکس از آن‌ها استفاده می‌کنم. آن‌ها به شرح زیر هستند:

۱. اهداف سود را تعیین نکنید؛ بلکه از تریلینگ استاپ استفاده کنید.
۲. معامله اضافه کنید! اگر چندین ستاپ در طول مسیر اتفاق افتاد، چندین معامله را در یک حرکت انجام دهید.
۳. مومنتوم را با استفاده از هفت الگوی کندل استیک بازگشتی قدرتمند - با هدف شناسایی ورودی‌های معاملاتی با احتمال سود بالا - به کار گیرید.

استفاده از ابزار فیبوناچی بازگشتی

من به‌طور خلاصه به استفاده از ابزار فیبوناچی بازگشتی^{۲۹} برای محاسبه اهداف سود اشاره کردم. از این ابزار همچنین می‌توان برای تعیین نقاط عطف احتمالی بازار استفاده کرد. گاهی ممکن است این ابزار با موارد زیر ترکیب شود:

- کندل استیک‌های بازگشتی؛
- انطباق احتمالی نقاط ورودی خط روند بر سطوح فیبوناچی بازگشتی.

ترکیب این سه مورد در کنار هم، تأیید ورود بسیار قوی‌ای تشکیل می‌دهد. در صورت مشاهده این ترکیب می‌توانید معاملات با احتمال سودآوری بالا را انجام دهید.

برای نمونه به معامله شکل زیر توجه کنید. در نقطه ۴، یک هارامی نزولی تشکیل شده بود. با استفاده از ابزار فیبوناچی بازگشتی متوجه می‌شویم که قیمت در محدوده سطح ۶۱/۸ است^{۳۰}؛ لذا این حالت نیز نشانگر یک تأیید مضاعف است.

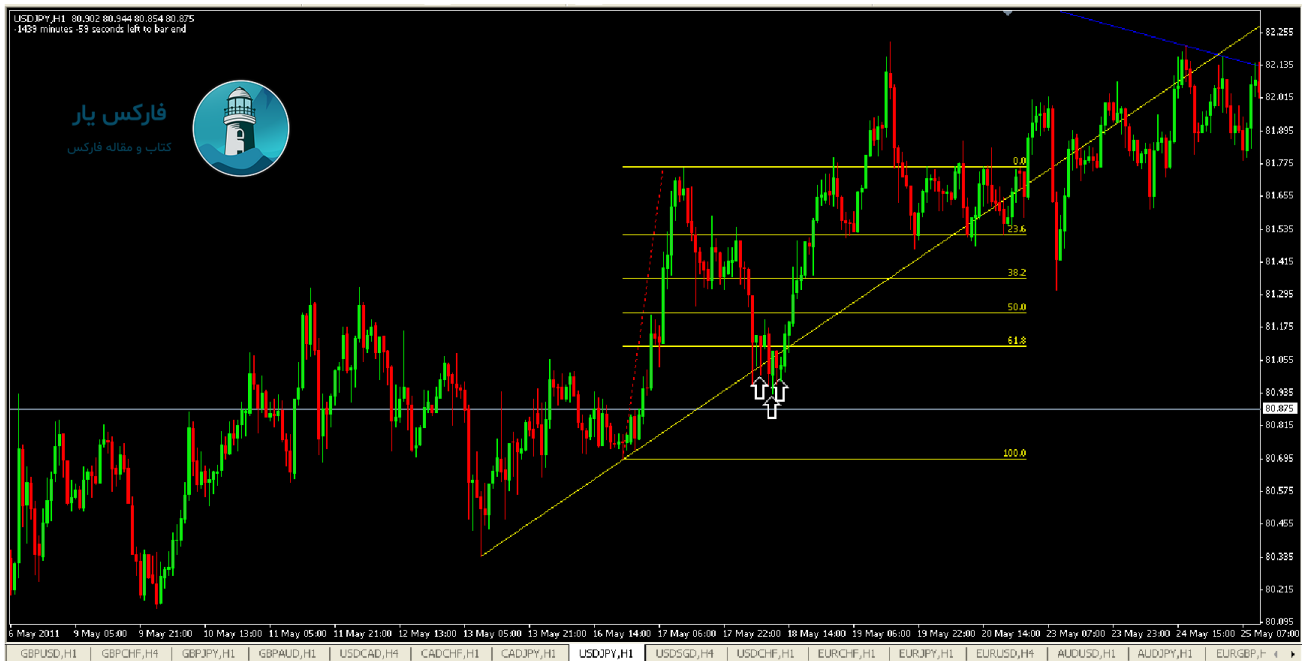
^{۲۹} Fibonacci Retracement

^{۳۰} البته دقیقاً در آن سطح نیست، اما بیا بگویم که در محدوده سطح ۶۱/۸ است. گاهی شما در سطوح ۶۱/۸ معکوس می‌شوید.



نمودار: ۱۳۵





نمودار: ۱۳۶

سطوح فیبوناچی برای بازگشت بازار یا نقاط عطفی که باید مراقبت آن‌ها باشید، سطوح ۳۸٫۲، ۵۰ و ۶۱٫۸ هستند. ترجیحاً از سطح ۶۱٫۸ استفاده کنید. به نظر من این سطح بسیار قابل اعتمادتر از دو سطح دیگر است.

نکته: استفاده از فیبوناچی، در کنار الگوهای کندل استیک بازگشتی تأیید دیگری برای انجام معامله به شما می‌دهد. اگر این حالت در نقاط ورودی خط روند رخ دهد، شانس زیادی دارید؛ این نکته را به خاطر بسپارید.

نکات پایانی

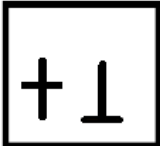
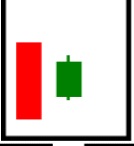
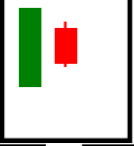
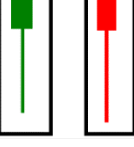
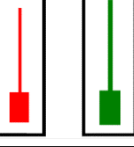
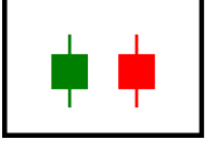
۱. ابتدا از این استراتژی‌های یادشده به‌صورت آزمایشی استفاده کنید. آن‌ها را برای سه تا شش ماه امتحان کنید و ببینید که به چه نتایجی دست پیدا می‌کنید.
۲. از آنالیز چند بازه‌ای بهره بگیرید. نمودارهای خود را در چهارچوب‌های زمانی ماهانه تا یک ساعته آنالیز کنید و ببینید که خطوط روند متناقض کجا هستند. این کار هم دیدی کلی و هم دیدی جزئی به شما ارائه می‌دهد.
۳. سعی کنید روندها را به‌خوبی بشناسید و اگر می‌خواهید از طریق تکنیک تریلینگ استاپ درآمد بالایی کسب کنید تا زمانی که روند ادامه دارد، در معامله بمانید.
۴. زمانی که معامله‌ای را انجام می‌دهید، به خطوط روند متناقض، همچنین سطوح حمایت و مقاومت افقی کاملاً توجه کنید.
۵. خطوط روند درازمدت و میان‌مدت، نسبت به خطوط روند کوتاه‌مدت اهمیت بیشتری دارند.
۶. از این سه راز من برای افزایش سود معاملاتی خود استفاده کنید:
۷. هدف سود تعیین نکنید بلکه به جای آن از تریلینگ استاپ استفاده کنید و بدین ترتیب تا وقتی معامله به نفع شما پیش می‌رود، سود بیشتری ذخیره کنید.
۸. معامله اضافه کنید؛ یعنی چند معامله را به‌طور هم‌زمان با یک حرکت انجام دهید.
۹. از هفت‌الگوی کندل استیک قدرتمند -در بالا گفته شد- استفاده کنید و برای یک تأیید اضافی جهت ورود به معامله از قدرت مومنتوم کمک بگیرید.
۱۰. از ابزار فیبوناچی بازگشتی نیز می‌توانید به‌عنوان تأیید اضافی برای ورود به معامله استفاده کنید.
۱۱. به نقطه بسته‌شدن کندل‌های ۱ ساعته و ۴ ساعته توجه کنید تا ببینید که آن‌ها بالای خطوط روند بسته می‌شوند یا زیر آن.
۱۲. بار دیگر تأکید می‌کنم که برای تأیید ورود بررسی کنید که یکی از ۷ کندل استیک بازگشتی قبل از قراردادن سفارش شما تشکیل شده باشد. این موضوع خیلی مهمی است. شما پیش از ورود به معامله باید از شانس خود مطمئن شوید و هیچ نشانه‌ای بهتر از خود قیمت وجود ندارد. پس ۷ کندل استیک بازگشتی را به خاطر بسپارید.
۱۳. بر انجام معاملات براساس چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته و ۴ ساعته تمرکز کنید. این چهارچوب‌ها بسیار قابل‌اعتمادتر از چهارچوب‌های زمانی بسیار کوچک‌تر هستند؛ اما به یاد داشته باشید که این چهارچوب‌ها فرصت‌های معاملاتی در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر را نیز به‌خوبی پوشش می‌دهند پس انعطاف‌پذیر باشید.
۱۴. ثبات داشتن کلید ورود به معاملات فارکس است؛ (۱) ثبات در مدیریت ریسک صحیح؛ (۲) ثبات در دنبال کردن استراتژی معاملاتی؛ (۳) ثبات در پیگیری برنامه معاملاتی خود. نباید برای خراب‌کاری هزینه کنید.

۱۵. به یاد داشته باشید که استراتژی معاملاتی خط روند درواقع دستیابی به ۵ پیپ یا ۱۰ پیپ سود در هر معامله نیست؛ مگر اینکه یک اسکالپر باشید. ما وارد معاملاتی می‌شویم که می‌توانند چندین ساعت تا یک روز یا حتی دو هفته طول بکشند!
۱۶. ما سود کلان می‌خواهیم و سود کلان در چهارچوب‌های زمانی ۵ دقیقه‌ای، ۱۵ دقیقه‌ای یا ۳۰ دقیقه‌ای به دست نمی‌آید. این سودها طی چند ساعت تا چند روز و با حرکت‌های بزرگ اتفاق می‌افتند. توصیه استراتژی معاملاتی خط روند این است که حرکت‌های بزرگ اتخاذ کنید و در آن‌ها تا حد ممکن باقی بمانید، این‌گونه به حداکثر برداشت سود از بازار می‌رسیم.
۱۷. نمودارهای خود را مرور کنید و خطوط روند را با استفاده از داده‌های قیمت قبلی رسم کنید، آنگاه بررسی کنید که قیمت چطور به خطوط روند واکنش نشان می‌دهد. با این کار می‌توانید مهارت خود را در ترسیم خطوط روند بیازمایید، همچنین واکنش قیمت به خطوط روند رسم‌شده را بررسی کنید.
۱۸. به نمودارهای خود نگاهی بیاندازید و ببینید که کدام یک از کندل استیک‌های برگشتی در هنگام بازگشت بازار نشان داده شده‌اند. دقت کنید آیا می‌توانید هر یک از این ۷ کندل استیک را به کار بگیرید. تماشای واکنش بازار به این ۷ کندل استیک بازگشتی شگفت‌زده‌تان خواهد کرد.
۱۹. هرگز آنالیز چند بازه‌ای را فراموش نکنید. این آنالیز به منظور رسم خطوط روند، همچنین شناسایی الگوهای کندل استیک بازگشتی، حتی شناسایی سطوح حمایت و مقاومت به کار می‌رود. شما اکنون تصویری کلی از آنالیز چندبازه‌ای در ذهن دارید. اگر نمی‌توانید یک الگوی کندل استیک بازگشتی در چهارچوب زمانی ۴ ساعته بیابید، می‌توانید آن را در چهارچوب زمانی ۱ ساعته پیدا کنید و برعکس. اگر نمی‌توانید یک خط روند را در یک چهارچوب زمانی ۴ ساعته رسم کنید و فکر می‌کنید که هیچ ستایی در آن سطح وجود ندارد، به عقب برگردید و نمودارها را از دیدگاه چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر ببینید. به همین ترتیب نیز برای سطوح حمایت و مقاومت عمل کنید. با کمک آنالیز چندبازه‌ای می‌توانید به جای تمرکز روی دنیای کوچک خود، محیط اطراف خود را بشناسید.
۲۰. اگر سیستم می‌گوید بخرید، پس بخرید. اگر می‌گوید بفروشید، پس بفروشید. سؤال نپرسید. دلیل نیاورید. بیش‌ازحد آنالیز نکنید، چون این آنالیز تبدیل به «آنالیز بحرانی» می‌شود. فقط انجامش بدهید. اگر تمام شرایط برای ورود به معامله‌ای رضایت‌بخش هستند، وارد شوید. فقط قوانین را رعایت کنید. به سیستم اعتماد داشته باشید. وقتی تمام شرایط مهیا است، باید معاملات را بدون عیب انجام بدهی.

یادآوری هفت الگوی کندل استیک بازگشتی

فراموش نکنید که یک نسخه از این هفت الگوی کندل استیک بازگشتی قدرتمند پرینت بگیرید و آن را مقابل نگاهتان بچسبانید؛ زیرا اگر الگو جلوی چشمتان نباشد، از ذهنتان می‌رود.

شما با استفاده از این سیستم معاملاتی، مراحل یک سرمایه‌گذاری را جزء به جزء در جهت درست طی می‌کنید. مطمئن باشید که یک معامله خوب و درست بر مبنای سیستم معامله خط روند، سود بسیار بیشتر از آنچه برای آن هزینه کرده‌اید، عایدتان خواهد کرد. حتماً متوجه شده‌اید که این هفت الگو بسیار قدرتمند و مهم‌تر از همه، اجرای آن‌ها بسیار ساده است.

صعودی		نزولی
	شماره یک دوجی‌ها	
	شماره دو الگوهای پوشاننده	
	شماره سه خط نفوذی و ابر تیره	
	شماره چهار هارامی‌ها	
	شماره پنج چکش و ستاره دنباله دار	
	شماره شش اسپینینگ تاپ	
	شماره هفت الگوهای مسیر ریلی	

پرسش‌های متداول:

۱. هر روز بهتر است چند معامله انجام بدهم؟
تعداد معاملات روزانه شما، به برنامه معاملاتی و ظرفیت ریسک‌پذیری‌تان بستگی دارد.
۲. چند درصد ریسک برای هر معامله در نظر بگیریم؟
من پیشنهاد می‌کنم که از قانون ۲٪ پیروی کنید. اگر برنامه‌ریزی کردید که در هر روز ۲ معامله انجام دهید، شاید بتوانید ۱٪ ریسک برای هر معامله در نظر بگیرید. یا اگر تصمیم دارید ۳ معامله در یک روز انجام دهید، می‌توانید ریسک خود را تا ۳٪ در هر روز افزایش دهید و بنابراین ۱٪ ریسک به هر کدام از این سه معامله اختصاص دهید.
به یاد داشته باشید که دستیابی به نسبت ریسک به پاداش برابر با ۱:۱۰، با استفاده از استراتژی ارائه‌شده در این کتاب بسیار ساده است؛ بنابراین اگر ۱٪ ریسک می‌کنید ولی فکر می‌کنید که کم است، می‌توانید با ۱۰٪ ریسک تنها در یک معامله کار را تمام کنید. عجله نکنید، صبر داشته باشید.
۳. بهترین چهارچوب‌های زمانی برای رسم خطوط روند کدام‌اند؟
چهارچوب‌های زمانی ماهانه، هفتگی، روزانه، ۴ ساعته و ۱ ساعته بهترین هستند. از آن‌ها برای رسم خطوط روند استفاده کنید. آن‌ها بسیار قابل‌اعتمادتر از بقیه چهارچوب‌های زمانی هستند.
۴. بهترین چهارچوب‌های زمانی برای ورود کدام‌اند؟
چهارچوب‌های زمانی ۴ ساعته و ۱ ساعته، آن‌ها بسیار مطمئن‌تر از ورودی‌های چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر هستند. در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر، معمولاً «نویز» زیادی وجود دارد؛ اما این را هم به خاطر داشته باشید که شما در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر نیز می‌توانید ستاپ‌های خوبی داشته باشید؛ بنابراین در این مورد هم باید ذهن بازی داشته باشید. شما می‌توانید در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر معامله کنید و سود بالایی کسب کنید.
۵. آیا شما کارگزار فارکس خوبی را پیشنهاد می‌کنید؟
گرچه از واژه خوب می‌توان برداشت‌های متعددی کرد؛ اما در کل این‌ها کارگزاران فارکس خوبی هستند. می‌توانید آن‌ها را بررسی کنید:

۱. AVA FX

۲. eToro

۳. Alpari UK

۴. FXCM UK

۵. بهتر است از چه اهرمی استفاده شود؟
 اهرم من با کارگزارم ۱:۱۰۰ است. به شما هم همین را پیشنهاد می‌کنم. اگر از مدیریت ریسک درستی پیروی می‌کنید که این به‌اندازهٔ توقف ضرر شما مربوط می‌شود، آنگاه نیازی نیست نگران اهرم باشید.
۶. کدام جفت ارزها برای استراتژی معاملاتی خط روند مناسب هستند؟
 همهٔ آن‌ها خوب هستند. شما باید گسترش را نیز در نظر بگیرید. بعضی از ارزها به مقدار زیادی گسترش می‌یابند.
۷. شما چند جفت را برای ستاپ‌های معاملاتی آنالیز می‌کنید؟
 من همهٔ آن‌ها را آنالیز می‌کنم؛ اما از تمام ستاپ‌هایی که می‌بینم، استفاده نمی‌کنم.
۸. آیا من باید هدف سود تعیین کنم یا از تریلینگ استاپ برای دستیابی به سود استفاده کنم؟
 انتخاب با شماست. اگر می‌خواهید با روند پیش بروید، از توقف ضرر متحرک استفاده کنید. اگر بازار به حرکت در جهت معاملهٔ شما ادامه داد، همان‌طور که قبلاً گفته شد، با کمک این کار می‌توانید سود بسیار بیشتری در مقایسه با تعیین یک هدف سود کسب کنید.
۹. من در حال تلاش برای رسم خطوط روند هستم، برای دریافت کمک چه باید بکنم؟
 بخش رسم خطوط روند را مجدداً با دقت بخوانید و حتماً تمرین کنید. وارد نمودارهای خود شوید و خطوط روند را با داده‌های قبلی قیمت رسم کنید و ببینید که نتیجه چه می‌شود. اگر در تلاش برای شناسایی سقف‌ها و کف‌های موردنیاز برای ترسیم خطوط روند هستید؛ پیشنهاد می‌کنم که از اندیکاتور zigzag swing_zz.mq4 که در هنگام دانلود این کتاب دریافت کرده‌اید، استفاده کنید. این اندیکاتور zigzag سقف‌ها و کف‌های قبلی را شناسایی می‌کند. این کار ترسیم خطوط روند را برای شما آسان‌تر می‌کند. این کار برای معامله‌گران مبتدی بسیار مفید و کارآمد است، البته این اندیکاتور فقط برای نمودارهای Metatrader4 است.
۱۰. توقف ضرر در چهارچوب‌های زمانی ۱ ساعته و ۴ ساعته بسیار بزرگ است، من نمی‌توانم یک توقف ضرر ۶۰ پیپی قرار دهم؛ حال چه باید بکنم؟
 اندازهٔ لات/قرارداد خود را کاهش دهید یا از چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر برای زمان‌بندی ورودی‌های خود استفاده کنید.

۱۱. اگر من در یک معامله سودآور باشم و بازار به یک خط روند مخالف یا سطح حمایت یا مقاومت افقی برسد، چه اتفاقی می‌افتد؟

امکان دارد بازار برگردد؛ بنابراین شما باید از سود خود محافظت کنید. می‌توانید یکی از این سه کار را انجام دهید:

۱۲. توقف ضرر را تنگ‌تر حرکت دهید و سود را قفل کنید؛

۱۳. بخشی از سود را بردارید و توقف ضرر را تنگ‌تر حرکت دهید تا باقی‌مانده سود را قفل کنید یا توقف ضرر را تا نقطه سربه‌سر حرکت دهید؛

۱۴. همچنین می‌توانید کل سود را بردارید که اگر این یک بازگشت موقتی باشد، یک حرکت خوب را از دست خواهید داد.

۱۵. آیا هنگام استفاده از استراتژی معاملاتی خط روند، اخبار را در نظر می‌گیرید؟

بله. من از ورود به معاملات در زمانی که ممکن است به‌زودی اخبار بزرگی منتشر شود، خودداری می‌کنم.

۱۶. اگر سؤالی در رابطه با این استراتژی داشتم یا به کمک بیشتری احتیاج داشتم، می‌توانم با شما تماس بگیرم؟

قبل از تماس با من مطمئن شوید که پاسخ سؤالتان در این کتاب نیست. من ایمیل‌های زیادی دریافت کرده‌ام که در آن‌ها از من سؤالاتی کرده‌اند که من قبلاً در این کتاب به آنها پاسخ داده‌ام؛ اگر پاسخ‌تان در کتاب نبود، می‌توانید با من تماس بگیرید. اگر فوراً پاسخ ن‌دادم، کمی صبر کنید، ممکن است در تعطیلات باشم، اختلاف ساعت را هم فراموش نکنید - ممکن است خواب باشم - اما قطعاً پاسخ خواهم داد.

۱۷. آیا شما نظارت، معامله سیگنال‌ها و هشدارها را ارائه می‌دهید یا دوره‌های معاملاتی برگزار می‌کنید؟

خیر. من برای وقتم ارزش قائلم و می‌خواهم کار خودم را انجام دهم.

۱۸. آیا شما به‌جز استراتژی معاملاتی خط روند، از استراتژی‌های معاملاتی دیگر هم استفاده می‌کنید؟

قبلاً از استراتژی‌های معاملاتی دیگری استفاده می‌کردم؛ اما در حال حاضر، فقط از همین دو سیستمی که به شما هم آموختم، استفاده می‌کنم. البته گاهی قبل از اینکه وارد استراتژی موردعلاقه و مناسب شخصیت خود شوید، باید تعداد زیادی از استراتژی‌های مختلف فارکس را تست کنید. تنها بعد از آزمودن استراتژی‌های متعدد می‌توانید استراتژی مفید را انتخاب کنید، اما من امیدوارم این کار را نکنید، زیرا اگر یک‌بار از این استراتژی استفاده کنید، خواهید دید که اگر به‌درستی از آن استفاده کنید، چقدر قدرتمند است.

۱۹. آیا می‌توان از این استراتژی در تعیین محدوده بازار استفاده کرد؟

این یک استراتژی معاملاتی خط روند است. این استراتژی در بازارهای روند عملکرد مؤثری دارد. در این‌گونه بازارها شما به‌طور کلی مایلید محدوده بازارها را بیشتر در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر و کمتر در چهارچوب زمانی یک‌ساعته و بالاتر پیدا کنید؛ زیرا چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر آن‌ها را پوشش می‌دهند.

۲۰. آیا می‌توان از این استراتژی به‌عنوان یک سیستم اسکالپینگ فارکس استفاده کرد؟

بله. من اعتقاد دارم که می‌شود این کار را کرد. البته موفقیت من با این سیستم در چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر چندان زیاد نیست اما در چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر بیشتر به سود دست می‌یابم. واکنش چهارچوب‌های زمانی کوچک‌تر به خطوط روند مثل چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر است. یک نمودار ۱ یا ۵ دقیقه‌ای را باز کنید تا منظور مرا متوجه شوید.

۲۱. آیا من می‌توانم از اندیکاتورهای دیگر با استراتژی معاملاتی خط روند استفاده کنم؟

من از شما می‌خواهم که این کار را نکنید، بلکه اجازه دهید این استراتژی همچنان ساده بماند. نمودارهای خود را بیهوده شلوغ کنید؛ حال آنکه به‌راحتی می‌توانید هر زمان که نمودارهای قیمت خود را باز کنید، اندیکاتور واقعی را به‌وضوح ببینید.

۲۲. آیا این استراتژی هنوز هم قوی و قابل اطمینان است و هنوز از آن استفاده می‌شود؟

بله. این استراتژی تا کنون نیز ارائه می‌شود؛ اما مسئله اصلی این است که شما باید ثابت‌قدم باشید و با یک موفقیت جزئی در معاملات که به شما یک «سقف» می‌دهد، هیجان‌زده نشوید و فکر نکنید که در معامله‌گری استاد شده، شکست‌ناپذیر هستید، آنگاه در معاملات خود بی‌دقتی کنید.

۲۳. گاهی می‌بینم که شما معاملات را در چهارچوب‌های زمانی/خطوط روند کوچک مخالف روند/خطوط روند

اصلی در چهارچوب‌های زمانی بزرگ‌تر انجام می‌دهید. چرا با وجود اینکه پذیرفته‌اید که فقط روند اصلی را دنبال کنید؛ این کار را می‌کنید؟

دلیل آن این است که در یک روند اصلی، روندهای کوچکی نیز وجود خواهد داشت که در روند اصلی شکل می‌گیرند. برخی از این روندهای کوچک در جهت روند اصلی و برخی برخلاف آن خواهد بود.

با این اوصاف برای من در انجام یک معامله با نقض روند اصلی، یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی است که در نظر می‌گیرم، عبارت است از اینکه: روند/خط روند اصلی چقدر دور است و اگر من معامله را انجام دهم، آیا فضایی برای حرکت وجود دارد تا من به سود منطقی برسم. اگر این‌طور است، پس معامله را انجام می‌دهم.

۲۴. بهترین جا برای قراردادن توقف ضرر اولیه کجاست؟

درست بالا/ زیر نقطه ورودی‌تان بر اساس سیستم معاملاتی خط روند. اگر معامله طبق برنامه پیش برود، یک قله (سطح مقاومت) برای یک معامله فروش یا یک دره (سطح حمایت) برای یک معامله خرید تشکیل می‌شود. قراردادن توقف ضرر اولیه در پشت سطوح حمایت و مقاومت به شما این تضمین را می‌دهد که قبل از موعد مقرر متوقف نمی‌شوید.

۲۵. من متوجه شدم وقتی توقف ضرر خود را تا نقطه سربه‌سر حرکت می‌دهم، احتمال اینکه متوقف شوم بیش از زمانی است که قیمت به مقداری که من در معامله ریسک کرده‌ام، حرکت می‌کند. چطور می‌توان از این امر اجتناب کرد؟

البته قبلاً به‌طور خلاصه به این موضوع اشاره شد. به خاطر داشته باشید که تنها زمانی توقف ضرر را از موقعیت اولیه حرکت دهید که سطوح حمایت (دره‌ها) و مقاومت (قله‌ها) تشکیل می‌شوند و دو راه برای انجام این کار وجود دارد: اولی با استفاده از کندل استیک‌های فردی و دومی با استفاده از نوسانات قیمتی که قله‌ها و دره‌ها را می‌سازند.

به مثالی برای کندل استیک‌های فردی توجه کنید: شما در حال فروش در یک چهارچوب زمانی ۱ ساعته هستید. همان‌طور که انتظار داشتید بازار سقوط می‌کند و در ۳ ساعت بعدی، کندل استیک‌ها سقف‌های پایین‌تری می‌سازند اما ۴ ساعت بعد از ورود، یک کندل استیک جدید شکل می‌گیرد که یک سقف بالاتر ایجاد می‌کند؛ بنابراین شما بعد از بسته‌شدن آن کندل استیک، توقف ضرر خود را تا نقطه سربه‌سر حرکت می‌دهید؛ زیرا سیگنال سقف بالاتر، سیگنال بالقوه‌ای است که روند می‌تواند آن را به روند صعودی تغییر دهد.

برای درک بیشتر، مطالب مربوط به روندها را مجدداً مرور کنید.

۲۶. آیا از استراتژی معاملاتی خط روند می‌توان به‌عنوان یک سیستم معامله روزانه یا سیستم معامله نوسانی استفاده کرد؟ بله، این یک سیستم معامله نوسانی است.

۲۷. آیا من می‌توانم از هر دو تکنیک ورود محافظه‌کارانه و ورود تهاجمی استفاده کنم؟

بله می‌توانید. من پیشنهاد می‌کنم که ابتدا با تکنیک ورود محافظه‌کارانه شروع کنید. اول در این تکنیک استاد شوید. بعد وقتی فهمیدید قیمت در اطراف خطوط روند چگونه واکنش نشان می‌دهد و اعتمادبه‌نفس رسم خطوط روند را کسب کردید، آنگاه می‌توانید شروع به استفاده از تکنیک ورود تهاجمی کنید.

۲۸. به نظر من این استراتژی نادرست و این اطلاعات بیهوده است و من نمی‌توانم با استفاده از آن به سود برسم، پس من پولی را که هزینه کرده‌ام، می‌خواهم!

البته این محصول یک تضمین برگشت پول ۶۰ روزه دارد. من یک معامله‌گر فارکس می‌شناختم که این سیستم معاملاتی را خرید، به مدت کمتر از ده روز آن را تست کرد، کمی ضرر کرد، چند جا برد کرد و فکر کرد سیستم خوب نیست و تقاضای برگشت پول خود را کرد که البته من پول او را پس دادم و این تضمین



من است اما نکته‌ای که من می‌خواهم بگویم این است: آیا شما واقعاً می‌توانید اثربخشی یک سیستم معاملاتی فارکس را تنها در ۱۰ روز معامله تعیین کنید؟ امیدوارم شما این‌طور نباشید.

≡

≡